

# پیرم خاتم

● سال چهارم ● شماره نهم ● بهار ۱۳۹۴ ● پوهنتون خاتم النبیین (ص) شعبه غزنی



- سیاست و حکومت در آینه قرآن
- تفاوت های حکومت اسلامی با حکومت های دمکراتیک
- مبانی حکومت دینی از نظر قرآن کریم
- نیاز های زمان و جامعه مطلوب از دیدگاه قرآن و حدیث
- رابطه دین و سیاست از نگاه قرآن
- اخلاق در سیاست (ضرورت یا ابزار)
- نگاه به امت و ساختار حکومت اسلامی

شفاخانه کدري پوهنځي طب شعبه غزني پوهنتون خاتم النبیین (ص)  
به زودی افتتاح خواهد شد.





## پوهنتون خاتم النبیین (ص) شعبه غزنی

### آمریت فرهنگی\_تربیتی

#### نشریه «پیام خاتم»

صاحب امتیاز:	شعبه غزنی، پوهنتون خاتم النبیین (ص)
مدیر مسئول:	محمد ضیاء «حسینی»
ویراستار:	فاطمه «پاینده» احمدی
طرح روی جلد:	محمد جلیل کریمی

«پیام خاتم» در ویرایش مقاله ها آزاد می باشد.  
«پیام خاتم» از مقاله های اساتید و دانشجویان به گرمی استقبال می کند.  
غیر از «پیام اول» مسئولیت مقاله ها به عهده نویسندگان آنها است.

#### یاد آوری

از آن عده دانشجویان عزیز که نوشته های شان در این شماره از نشر باز مانده است،  
پوزش خواسته می شود.

#### آدرس:

- کابل: کارته ۴، سرک اول، ۰۷۸۷۷۰۰۷۰۰
- غزنی: شهر غزنی، پلان ۴، ۰۷۸۰۷۰۰۰۰۶
- جاغوری: بازار غجور، ۰۷۸۵۵۳۷۶۱۵
- ایمیل: [info.ghazni@khu.edu.af](mailto:info.ghazni@khu.edu.af)
- وب سایت: [www.khu.edu.af](http://www.khu.edu.af)

## آنچه در این شماره می خوانید

۳..... سر مقاله

۵..... پیام دکتر عبدالقیوم سجادی رئیس پوهنتون خاتم النبیین (ص)

### مقالات

۸..... سیاست و حکومت در آئینه قرآن / محمدرحیمی

۱۵..... تفاوت های حکومت اسلامی با حکومت های دموکراتیک / محمدموسی اخلاقی

۱۹..... مبانی حکومت دینی از نظر قرآن کریم / بسم الله فهمی

۲۵..... نیاز های زمان و جامعه مطلوب از دیدگاه قرآن و حدیث / علی رحم حسنی

۳۰..... رابطه دین و سیاست از نگاه قرآن / محمدنسیم باهنر

۳۴..... اخلاق در سیاست (ضرورت یا ابزار) حسین علی اخلاقی

۴۱..... نگاه به امرت و ساختار حکومت اسلامی / محمدرضا نظری

### گزارش ها

۴۶..... اشاره به زندگی، کارکرد و خدمات حضرت آیت الله العظمی محسنی

۵۰..... تجلیل از مقام علمی و کتاب معجم الاحادیث المعتبره اثر آیت الله العظمی محسنی

۵۳..... گزارش امتحان کاندکور شعبه غزنی

۵۴..... گزارش امتحان ماستری پوهنتون خاتم النبیین (ص) کابل

۵۶..... گزارش امتحان کاندکور مقطع لیسانس خاتم النبیین (ص) کابل

۵۷..... نگاهی کوتاه به فعالیت های چهار ساله شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص)

تئوری پردازان دانش سیاسی، سیاست را به تخصیص قدرتمندان ارزش ها برای کل جامعه تعریف کرده و ارزش ها را عبارت دانسته از هر چیزی که برای رشد و انکشاف جامعه مهم است که خود، عینی و یا ایده آلی است. در این که آن ارزش ها چیست؛ برخی گفته اند آن ها عبارتند از درآمد، احترام و امنیت و برخی دیگر ارزش ها را عبارت دانسته از رفاه، مشارکت و ارتباطات که می بایست فارغ از هر گونه وابستگی های قومی، مذهبی و فرهنگی و به صورت عادلانه توزیع شود. در حکومت های مردم سالار، همواره تاکید می شود که امکانات و فرصت ها به عنوان ارزش های عینی و ایدئالی باید میان افراد جامعه به طور عادلانه توزیع شود. بر این اساس، حکومت را عبارت از ساخت قدرتی می دانند که در سرزمین معین بر مردمان معین تسلط پایدار داشته و کارکرد اصلی آن از نظر داخلی برقراری نظم و امنیت و از نظر خارجی پاسداری از تمامیت ارضی بوده و دارای ابعاد سه گانه جغرافیایی، حقوقی و سیاسی زیر است:

۱ - از نظر جغرافیایی، نهادی است سرزمینی که بدون آن حکومت نمی تواند وجود خارجی داشته باشد. لذا تمامیت ارضی آن یک مفهوم شناخته شده بین المللی است. چرا که سرزمین باید با مرزهای قانونی محدود شده باشد تا به صورت قلمرو حکومت در آید. قلمرو نیز شامل: آب، خاک و جو (هم ارتفاعی و هم عمقی) می شود. حکومت ها بر قلمرو خود حاکمیت دارند و لذا قلمرو و حاکمیت لازم و ملزوم همدیگرند. به همین خاطر بجای حکومت ها از کشورها سخن می گویند. چرا که کشورها همان پهنه فیزیکی است که حکومت در آن اعمال قدرت می کنند. به همین دلیل، مردمی که در یک سرزمین با وجود عوامل مختلف جامعه منسجم و همگون را تشکیل دهند، ملت آن کشور بوده و حکومتی که بر اساس رضایت ملت به وجود آمده باشد، حکومت ملی نامیده می شود.

۲ - از نظر حقوقی، حکومت نهادی است که باید از سوی تعدادی از کشورهای عضو سازمان ملل، به رسمیت شناخته شود تا حکومت سرزمینی شکل بگیرد. یعنی، حکومت ها باید به طور متقابل موجودیت یکدیگر را در نظام بین الملل به رسمیت بشناسند. از این زمان، هر حکومت در قلمرو خود حق حاکمیت پیدا می کند. از آثار حق حاکمیت یکی حق استفاده انحصاری از ابزار زور و دیگری، حفظ تمامیت ارضی، استقلال و دفاع در برابر تجاوز است.

۳ - از نظر سیاسی، حکومت یک سازمان سیاسی است که در درون مرزهای قانونی و بین المللی خود اقدام به ساماندهی سرزمین و مردم نموده و برای نیل به چنین هدفی، از ارکان سه گانه مدیریت مانند: قوه مقننه، قضائیه و اجرائیه استفاده می کند. در این میان، دولت یا قوه اجرائی مهمترین نهادی است که نماینده حکومت می باشد.

افغانستان کشوری است که سالها گرفتار نظامهای استبدادی و توتالیتر بوده به طوری که مردم هیچ نقشی در سرنوشت شان نداشته است. در چنین نظام هایی، هیچ رابطه

متقابلی میان مردم و حکومت وجود نداشته و همین امر سبب شده که حاکمان هیچ احساسی نسبت به امور کشور و مردم نداشته و نوعی واگرایی تمام عیار میان دولت و ملت برقرار باشد. براین اساس، بسیاری از کارشناسان، عقب ماندگی های کشور را عمدتاً به این موضوع نسبت می دهند که خصلت نظام های توتالیتر و خودکامه همین است که در پی ساختن و انکشاف کشور نیست و معمولاً ارزش های عینی و ایدآلی به طور عادلانه توزیع نمی شود و امکانات و فرصت ها در انحصار طبقه خاص حاکمان دیکتاتور است. این حاکمان به دلخواه خود هر اقدامی که می خواسته انجام داده اند و کشور را پس مانده نگهداشته اند.

اینک که افغانستان نظام جدید دموکراتیک را تجربه می کند، باز گرفتار مسایلی همچون: بحران مشروعیت، بحران نفوذ، بحران هویت، بحران مشارکت، و بحران توزیع بوده و سبب گردیده که کشور همچنان بحرانی باقی بماند. دوران سیزده ساله حکومت گذشته را به بی کفایتی، عدم تخصص در حکومتداری متهم کردند و ناکامی وی در مدیریت کلان کشور را به این امر نسبت دادند. اما در دوره کنونی که حکومت وحدت ملی به وجود آمده انتظار می رفت که آرزوهای مردم رنج کشیده کشور برآورده شود و بحران های پنجگانه جایش را به وحدت ملی، امنیت، استقرار حاکمیت ملی و در نهایت، رشد و توسعه کشور به طور متوازن بدهد، اما هر روز بر ناامنی، ویرانی و ناامیدی مردم افزوده می شود. این در حالی است که این بار مسئولیت کشورداری بر دوش کسی نهاده شده که معروف به متفکر بودن و شایسته بودن و در کل تخصص گرایی است.

بدون شک، امنیت، رشد و پیشرفت افغانستان زمانی دست یافتنی است که حاکمان و مردم یک تعریف مشخص از حکومتداری خوب داشته و به آن وفادار باشند. حکومت داری خوب، نوعی از مدیریت کلان کشور است که در آن منافع جمعی و ملی بر منافع فردی، احساس مسئولیت بر بی تفاوتی، شایسته سالاری در استخدام نیروی انسانی بر رابطه گرایی و عقلانیت بر احساسات و ناسیونالیسم منفی مقدم باشد. این مهم زمانی قابل وصول است که حاکمان در حکومتداری و مردم در نظارت بر سیاست های حکومت قرآن را به عنوان یک نیاز امروز جامعه ما مورد توجه رفتارشان قرار بدهند و از این کتاب آسمانی الگوگیری کنند. بررسی ویژگی های حکومت اسلامی با نگاهی به آیات سیاسی قرآن موضوعی است که از سوی محصلین دانشکده حقوق و علوم سیاسی پوهنتون خاتم النبیین<sup>(ص)</sup> شعبه غزنی در راستای توضیح حکومتداری خوب در سمینار علمی مورد تجزیه و تحلیل واقع شد و محصول آن در این شماره از نشریه پیام خاتم برای مخاطبان علاقه مند به مسایل سیاسی عرضه می گردد. پوهنتون خاتم النبیین<sup>(ص)</sup> مانند سایر محافل اکادمیک کشور وظیفه خود می داند تا در قالب آموزش، سمینارها، کنفرانس ها، و تلاش های علمی دیگر، آموزش همراه با پژوهش را سرلوحه سیاست های خود قرار داده و بر آن است تا الگوهای معیاری حکومتداری خوب را مورد توجه قرار بدهد.

## پیام دکتر عبدالقیوم سجادی رئیس پوهنتون خاتم

### النبیین (ص) به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۳۹۴

بهار طبیعت و طراوت زندگی در کشور عزیز و اسلامی با بهار تعلیم و تربیت، سر سبزی و بالندگی درخت تنومند علم و دانش همراه می باشد. مردم مسلمان و عزتمند افغانستان همه ساله بهار طبیعت را همراه با شکوفایی علم و دانش جشن می گیرند. جشن طبیعت در گلستان زندگی همراه با شکوفه زدن گل های دانش در بوستان بندگی، به زندگی انسان طراوت تازه می بخشد.

نوزایی طبیعت و هستی هر چند به خودی خود فرح انگیز و شادی بخش است، اما همزادی این نوزایی با نوزادی دانش و بینش انسانی شادمانی دیگری است که روح و روان انسان را بالنده تر و تابنده تر می سازد. شادمانی بهار و فصل جوانه زدن طبیعت همزمان با شور و شکوه علم و فرهنگ در کشور و دیار ما بیش از هر شادی دیگر در خورتجلیل و گرمی داشت است. از این روی همه ساله همراه با توده های مردم مسلمان و جوانان طالب علم و دانش فصل پر طراوت گل های تازه زندگی را در بوستان فرح انگیز دانش اندوزی گرمی می داریم.

پوهنتون خاتم النبیین اینک بهار دیگر فرزندان عزیز کشور خویش را با کوله باری از تجربیات درخشان و پر ثمر گرمی داشته و به شکرانه این نعمت بزرگ الهی محفل جشن آغاز بهار دیگر دانش اندوزی را در دیار فرهنگ دوستان، غزنه باستان را برگزار می نماید. جشن آغاز بهار علم و دانش امسال را در حالی برگزار می کنیم که پوهنتون خاتم النبیین به عنوان مرکز تحصیلات عالی معتبر و پر آوازه در کنار دیگر دستاوردهای ارزشمند و ماندگار، شاهد به بار نشستن چندین سال تلاش بی وقفه اساتید و همکاران فرهیخته خود و به ثمر نشستن چهار سال تلاش بی وقفه و بی شائبه خود در فراغت جمعی از جوانان و محصلین عزیز در رشته های اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی خواهد بود.

بنده باور دارم که پوهنتون خاتم النبیین شعبه غزنی با همت مدیر و معلمان جوان و مسئولیت شناس و حمایت مردم عزتمند و فرهنگ دوست غزنه و خانواده های محصلین عزیز و بزرگوار مسیر روشن و موفقیت های فزون تر و فزاینده تری را در پیش خواهد داشت. باور دارم با توکل به خداوند دانا و با اعتماد به نفس از توانایی خود بر سپاه جهل و ظلمت پیروز خواهیم گشت، و

چراغ علم و دانش را در گوشه گوشه کشور و دیار عزیز خویش مشتعل و فروزان خواهیم ساخت.

پوهنتون خاتم النبیین افتخار دارد که با شعار دینداری و نو اندیشی، تعهد و تخصص و تعقیب استراتژی دینی متکی بر علم اندوزی و ایمان داری، به تربیت فرزندان عزیز و توانمند و نسل جوان و پرنشاط و برخوردار از دانش عصری، ایمان دینی و بایسته های اخلاقی همت می گمارد. باور داریم که تنها راه عبور از چالش های موجود در کشور، ایجاد فضای اخوت اسلامی میان تشیع و تسنن و تقویت روحیه همگرایی و همدلی و تحکیم وحدت ملی و زندگی با همی همانا ترویج علم و دانش همراه با اخلاق و دینداری است. باور داریم که علم اندوزی و دینداری محور مشترک و گسست ناپذیری است که مردم مسلمان افغانستان را به هم گره زده و ریشه های جهل و تعصب را از میان اقوام و پیروان مذاهب اسلامی که برخوردار از ایمان مشترک دینی و درد مشترک دنیوی است، نابود می سازد. از این روی حرکت فرهنگی و علمی ما در این مرکز علمی و پر آوازه بارزترین مصداق جهاد در راه خدا و تلاش برای ارزش های اسلامی است که به یقین مورد حمایت و استقبال توده های عظیم مردم مسلمان کشور و جامعه عزتمند ما قرار خواهد گرفت. همراهی یکایک جوانان عزیز، روشنفکران متعهد، علماء و نخبگان رسالتمند را در پیمودن این مسیر ارزشمند و انجام این رسالت الهی آرزومندم. از خداوند بزرگ موفقیت همه دست اندکاران امور فرهنگی، مردم عزیز و عزتمند افغانستان، مسئولین و اساتید فرهیخته پوهنتون خاتم النبیین غزنی را از دربار خداوند دانا و توانا استدعا دارم. به امید طراوت و بالندگی روز افزون درخت تنومند علم و دانش و استقرار ثبات و صلح پایدار در کشور عزیز و اسلامی افغانستان.

دکتر عبدالقیوم سجادی

نماینده مردم در پارلمان و رئیس پوهنتون

خاتم النبیین (ص)



# مقالات



عنوان مبانی حکومت بر شمرده شده است.

**واژه های کلیدی:** دین، سیاست، جامعیت، قرآن.

#### مقدمه

در این که انسان موجود اجتماعی و کمال آن در زندگی اجتماعی امکان تحقق دارد؛ کسی تردید ندارد. اما این که مدنی با الطبع، مدنی بالضرورة یا مدنی بالاستخدام است؛ میان اندیشمندان اختلاف نظر وجود دارد. هر چه باشد همگی معتقد به مدنی بودن انسان هستند. زندگی اجتماعی نیازمند وجود قوانین پاسخگو است که اجرای قوانین از وظایف حکومت به شمار رفته و ضرورت حکومت را نیز تبیین می کند.

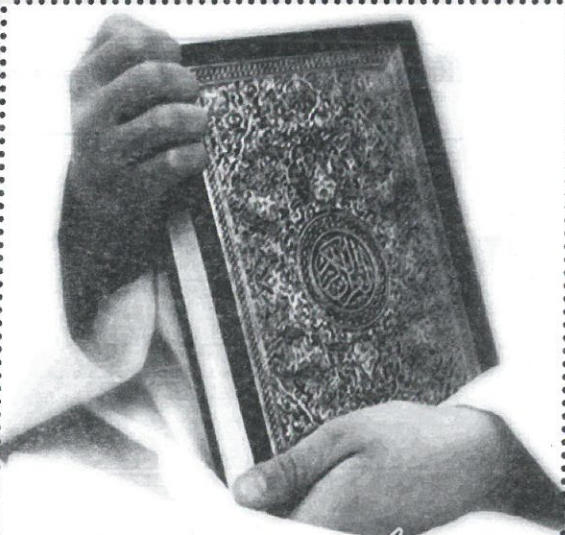
بحث سیاست و حکومت در قرآن ارتباط نزدیک با مبحث جامعیت قرآن دارد. نقطه تمرکز مباحث این است که حدود بیانات قرآن تا کجا بوده و جامعیت آن، به چه معنی است. این در حالی است که حکومت از مهمترین نهاد اجتماعی است و لذا بحث از حکومت از مهمترین بحث های علوم اجتماعی است. از این رو، قرآن نمی تواند مهمترین موضوع زندگی اجتماعی انسان را نادیده بگیرد و به آن نپردازد.

**سؤال اصلی:** پرسش اساسی این است که آیا قرآن کریم هدفی صرفاً اخروی داشته یا این که افزون بر آن، رسالتش دخالت در امور دنیایی مردم نیز بوده است؟

**فرضیه تحقیق:** فرض ما بر این نکته مبتنی است که منابع دینی، از جمله قرآن کریم، دنیا و آخرت را دو بخش از حیات انسان در نظر می گیرند و رسالت اصلی قرآن کریم را هدایت انسان در آن بخش ها می دانند.

**روش تحقیق:** از آن جا که گفتمان «جدایی دین از سیاست و حکومت» با گفتمان «پیوند دین با سیاست و حکومت» بر سر معنای چون جامعیت قرآن و قلمرو بیانات آن با هم به رقابت بر می خیزند، در این پژوهش از روش «تحلیل گفتمانی» استفاده می کنیم.

نظریه گفتمان با ایده های اجتماعی در زندگی سیاسی سر و کار دارد. در این روش، ایجاد و تجربه ضدیت های



## سیاست و حکومت در آینه قرآن

نویسنده: محمد رحیمی رئیس دانشکده علوم سیاسی

#### چکیده

مأموریت اصلی، تمهید سعادت افراد جامعه در هر دو ساحت از حیات دنیوی و اخروی بشر است. این سند جاویدان، افزون بر ارائه مسائل عقیدتی و اخلاقی، در تلاش برای شکل دادن به ساختار اجتماعی بر اساس رهنمودهای الهی نیز بوده است. بر این اساس، قرآن شریف به عنوان سند حقانیت دین اسلام از یک سو رابطه تنگاتنگی میان دین و سیاست برقرار می سازد و معتقد است که باید اساس زندگی جمعی و فردی بر آن بنا شود تا ارزش ها به صورت عادلانه در اختیار تمامی افراد جامعه قرار بگیرد. قرآن کریم سیاست را به این دلیل که برای کل جامعه برنامه ریزی و تصمیم گیری میکند، از فراگیرترین قلمرو زندگی اجتماعی دانسته و از جانب دیگر، نظریه پردازی در باب سیاست و حکومت در قرآن نیازمند شناخت جهان بینی قرآن و مراجعه به تفسیر است تا اصول و مبانی سیاست و حکومت بدست آید. با مراجعه به آیات الهی، به دو دسته از آیاتی که به ربوبیت تکوینی و تشریحی الهی دلالت می کند اشاره و آنها به



اجتماعی، امری محوری است و از طریق ایجاد مرزهای سیاسی و ضدیت‌ها میان «دوستان» و «دشمنان»، گفتمان‌ها هویت خویش را به دست می‌آورند.

ساماندهی تحقیق: با عنایت به نکات فوق، پژوهش حاضر حول سه محور کلی «مفاهیم کلیدی»، و «مبانی حکومت دینی در قرآن»، «رابطه دین با سیاست و حکومت» سامان یافته است.

## محور اول مفاهیم کلیدی

### ۱. تعریف دین

دین واژه مبهمی است که مرزهای آن روشن نیست. به همین خاطر تعریف جامع، مانع و متفق علیه از حقیقت و ماهیت دین وجود ندارد و تعاریف متعددی از آن بیان شده است. علاوه بر ماهیت پیچیدی دین حوزه‌ها و شیوه‌های دین پژوهی، دین و مفاهیم مرادف آن، دین و مؤلفه‌های آن و تعاریف نظری از دین، عمده‌ترین عوامل تکثر تعریف دین شمرده شده است. به تعبیر همیلتون رابطه نزدیک و غالباً مسئله برانگیز تعاریف و تمایلات نظری، خطر قوم‌مداری در زمان کاربرد مفاهیم مبهم گذاشتن معیارهای تعریف از جمله دلایل عدم ارائه تعریف روشن از دین می‌باشد؛ زیرا آنچه در عرصه جامعه و اصطلاحات روز مره مردم، دین نامیده می‌شود، متنوع‌تر از آن است که بتوان همه‌ی آن‌ها را در زیر سایه بان واحدی جمع کرد. برخی اندیشمندان تعریف کلامی، فلسفی، پدیدارشناسانه، رفتارشناسانه، جامعه‌شناسانه و مردم‌شناسانه از دین ارائه داده و برخی صرفاً جنبه ماورای طبیعی به آن بخشیده‌اند. از این رو، دین را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: یا دین ساخته دست خود بشر است که به آن دین بشری و انسانی گفته می‌شود «بشر به خاطر تأمین برخی نیازهای روانی و اجتماعی خود از باورها و عقایدی پیروی نموده و بدین ترتیب ادیانی مانند بت پرستی یا اعتقاد به نیروهای جادویی و مانند آن را به وجود آورده‌اند». یا دین ساخته بشر نیست؛ بلکه الهی است که پایه و اساس ادیان الهی را وحی تشکیل می‌دهد و انسان در ساختن دین هیچ نقشی ندارد؛ بلکه صرفاً پیام دین را به وسیله انبیاء دریافت می‌کند و با اعتقاد به محتوای وحی تلاش می‌کند رفتار فردی و اجتماعی خود را بر اساس آن تنظیم کند. در این نوشتار گرچه تمرکز اصلی روی دین الهی است و به دین بشری کاری ندارد اما خالی از فایده نیست که تعاریف دین از

منظورهای متفاوت غربی و اسلامی مورد ارزیابی واقع شود.

### تعریف دین از دیدگاه اندیشمندان غربی

۱. تایلر دین را این گونه تعریف کرده است: «باور و اعتقاد به هستی‌های روحانی». از این تعریف چنین استفاده می‌شود که وی بین دین و دینداری خلط کرده است؛ زیرا باور به هستی‌های روحانی، تعریف دینداری است، نه دین.

۲. رابرتسون دین را چنین تعریف کرده است: مجموعه‌ای از اعتقادات و سمبول‌ها (و ارزش‌هایی که مستقیماً از آنها به دست می‌آید) که به تفاوت و تمایز بین حقیقت تجربی و مافوق تجربی مرتبط می‌باشد. در واقع، امور تجربی از لحاظ دلالت و معنا نسبت به امور غیر تجربی از اهمیت کمتری برخوردارند. آنگونه که از تعریف معلوم است این تعریف ریشه در فرهنگ غرب داشته و بسیاری از ادیان غیر غربی را در بر نمی‌گیرد.

۳. به باور دورکیم، دین عبارت است از یک نظام یک پارچه از عقاید و اعمالی که به اشیای مقدس مربوط می‌شود؛ عقاید و اعمالی که همه پیروان خود را در اجتماع اخلاقی که کلیسا نامیده می‌شود، متحد می‌سازند. دورکیم از جمله متفکرانی هستند که تعریف کارکردی از دین ارائه داده و این نوع تعریف، طیف وسیعی از پدیده‌های اجتماعی را در چارچوب مفهوم دین داخل می‌نماید. مطابق با این نوع تعریف هر امری که واجد کارکردهای مورد نظر صاحبان این تعریف باشد دین محسوب می‌شود حتی اگر چنین تصویری مرسوم نباشد. به تعبیر دیگر، کارکردگراها و از جمله دورکیم، بیشتر به جنبه رفتاری و اجتماعی دین پرداخته و دین را ساخته دست خود بشر می‌دانند. به باور او، پدیده‌های اجتماعی و حتی مفاهیم به دو حوزه مقدس و نامقدس تقسیم می‌شود؛ که جامعه برای برخی پدیده‌ها قداست و برای برخی دیگر قایل نیست. اندک تأمل در این تعریف هم این حقیقت را روشن می‌سازد که دورکیم دین را از طریق دیندار تعریف کرده است زیرا، دیندار است که برای برخی پدیده‌ها قداست می‌بخشد و برای برخی دیگر چنین قداستی را قائل نیست. در تعریف کارکردی از دین که دورکیم ارائه کرد تلاش می‌شود به جای پرداختن به جوهر دین، آثار و پیامدهای آن و مناسبات دین با نهادها و ساختارها را مورد توجه قرار دهد. به این معنا که به جای

بررسی منشأ موجهی دین، به علل غائی آن به مثابه کارکردهای آن تمایل نشان دهد. آنگونه که رادکلیف براون از مردم شناسان کارکردگرا می گوید: ما با سرچشمه‌های دین کاری نداریم، بلکه تنها با کارکردهای اجتماعی دین و نقش آن در شکل‌گیری و نگه‌داشت نظم اجتماعی سروکار داریم.

### تعریف دین از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

متفکران و دین‌شناسان اسلامی دین را چنین تعریف کرده‌اند: دین عبارت است از «روش زندگی اجتماعی که انسان به منظور تأمین سعادت زندگی دنیوی و اخروی و دست‌یابی به کمال نهایی اتخاذ نموده است.» دین‌شناسان اسلامی براساس مبانی تئوریک مشترکی که دارند، باور دارند که دین با انسان مرتبط است و از همین رو، باید به بنیانی‌ترین خصلت وجودی انسان به عنوان منشأ نیازمندی وی به دین توجه کند. در واقع، محدودیت وجودی انسان، به ویژه نیازمندی او به تعالی و رفتن به سوی سعادت و کمال، اساسی‌ترین ویژگی است که انسان را به دین محتاج نموده است. آنچه در این نوشتار مراد است دین «وحيانی» است و دین وحيانی تنها دینی است که از دوام، عمومیت و جامعیت برخوردار بوده و از جانب کسی آمده که بر تمام حوائج و خصوصیات انسان آگاه است.

به باور متفکران اسلامی، حقیقت دین متن اراده تشریعی خداوند است و این اراده از آن جهت که به حق تعالی منسوب است، یک حقیقت واحد است که در آن تکثری نیست؛ اما از آن جهت که به موضوعات مختلف تعلق می‌گیرد و مسیر سعادت انسان را به حسب آنها ترسیم می‌کند به کثرت منتسب می‌گردد.

علم و آگاهی انسان به اراده تشریعی خداوند، از دو طریق وحی و عقل حاصل می‌شود؛ یعنی دین همان وحی و عقل نیست، بلکه دین امری است که از طریق وحی و عقل شناخته می‌شود. وحی مربوط به انبیاء و رسولان الهی و حجت خاص خداوند بر بندگان است و عقل، پیام‌آور و حجت عام خداوند می‌باشد. آدمیان از افق عقل به اصول دیانت راه می‌برند،

ضرورت وحی را می‌شناسند و آن‌گاه با تعقل در آنچه از طریق وحی الهی نازل شده است، به بخش‌های نوینی از اراده الهی آگاه می‌شوند. عقل، برخی از ابعاد دیانت را به طور مستقیم

می‌شناسد، و برخی دیگر را به کمک وحی کشف می‌کند. عقل در حقیقت، در حدّ توان خود دیانت را به افق ادراک و فهم آدمیان وارد می‌کند. تفاوت ادراکی عقل و وحی در آن است که وحی، با بهره‌گیری از عنایت ویژه الهی از لغزش و خطا مصون است اما عقل از این نظر در مرتبه نازل‌تری قرار دارد.

۱. **ضرورت دین:** معمولاً نیازها ضرورت سازند. آنچه حضور دین را در زندگی بشری ضروری می‌سازد آن است که عقل در تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان محدودیت دارد. بشر برای تأمین تمام و کمال نیازهای خود ناگزیر است از وحی کمک بگیرد. حضور دین از جهت کارکردی و نقشی که در پاسخگویی به نیازهای انسان دارد امری ضروری است. یعنی دین از آن جهت فرا زمانی، فرا مکانی ضروری است که دارای کارکردهایی است که هیچ امر دیگری نه می‌تواند جایگزین آن شود. علامه طباطبایی می‌فرماید: دین همواره دوش به دوش بشر از قدیم‌ترین عهد بشریت چه قبل از ضبط تاریخ و چه بعد از آن همراه بشر بوده و بشر آن را پذیرفته است. این سخن بیانگر تاثیر عمیق دین در زندگی فردی و اجتماعی انسان است و گرنه آن را نمی‌پذیرفت؛ بنابراین دعوت دینی بدون شک حتی برای غیر مؤمنان کارکرد داشته است. شهید مطهری معتقد است دین در صورتی باقی می‌ماند که یا خود یک خواسته‌ی طبیعی بشر باشد و در نهاد انسان جای داشته باشد و یا یک وسیله منحصر به فرد برای تأمین نیازهای طبیعی انسان باشد؛ در ادامه وی می‌فرماید دین از هر دو خاصیت برخوردار است؛ یعنی هم جزء نهاد بشر است و هم از جهت تأمین خواسته‌های بشری مقامی دارد که هیچ ابزار دیگری نمی‌تواند جای آن را بگیرد. نتیجه سخن این است که دین از جهت کارکردی همواره حضور خواهد داشت و هیچ‌گاه خورشید آن غروب نمی‌کند. دورکیم نیز حضور دین را امر ضروری دانسته و می‌گوید: «وجود یک نظام دینی (عقاید و مناسک) برای کارکرد درست زندگی اخلاقی ما به همان اندازه ضروری است.

### ۲) تعریف سیاست

سیاست نیز دارای تعریف واحد، جامع و مانعی نیست. تعاریفی

متعدد و متفاوتی از سیاست از سوی متفکران علوم سیاسی گردیده است که می توان تمامی آنها را در دو تعریف جای داد. به این معنا که تعاریف سیاست یا با رویکرد قدرت محور مورد عنایت قرار گرفته و یا با رویکرد هدایت محور. در اندیشه متفکران غربی عمدتاً با رویکرد قدرت تعریف گردیده که در آن؛ کسب قدرت، حفظ قدرت و گسترش آن مورد عنایت است. در حالی که در تفکر اسلامی، با رویکرد هدایت محور تعریف می شود که در آن، خود قدرت هدف نیست بلکه قدرت ابزاری برای اهداف متعالی مورد عنایت قرار می گیرد. بر این اساس، به گونه هایی از این تعاریف اشاره می شود:

#### الف) تعریف سیاست با رویکرد قدرت محوری: برای

سیاست تعریف جامع و مانعی وجود ندارد. اما مهمترین عنصر تعیین و اجرای سیاست قدرت است و شناخت آن وظیفه اصلی علم سیاست. لذا قدرت هسته و مرکز سیاست را به وجود می آورد. دانشمندان علوم سیاسی تعاریف متنوعی از سیاست ارائه داده اند. دیوید استون سیاست را عبارت می داند از: توزیع آمارانه ارزش ها برای کل جامعه، برخی دیگر سیاست را مبارزه ای برای قدرت، نفوذ و اعمال آن در جامعه می داند، برخی دیگر سیاست را عبارت می داند از اینکه چه کسی می برد، چه می برد، چه موقع می برد، چگونه می برد و چرا می برد؟، برخی دیگر سیاست را فعالیتی می داند که مستقیم یا غیر مستقیم به کسب قدرت، تحکیم قدرت و استفاده از قدرت مربوط است. یعنی سیاست، مبارزه ای برای کسب قدرت، حفظ قدرت و افزایش قدرت است. تمامی تعاریف فوق را می توان به این صورت جمع بندی کرد و گفت: سیاست عبارتست از: رهبری صلح آمیز یا غیر صلح آمیز روابط میان افراد، گروه ها و احزاب و کارهای حکومتی در داخل کشور و روابط میان یک دولت با دولت های دیگر در عرصه خارجی. به هر حال، سیاست برخاسته از تضاد باشد یا هماهنگی، در هر دو صورت بر آمده از قدرت است. تفاوت فقط این است که در تضاد، قدرت به صورت غیر صلح آمیز و در هماهنگی به صورت صلح آمیز خواهد بود. هرچه باشد، سیاست از حساس ترین فعالیت انسان در زندگی جمعی است که سخت تحت تاثیر فرهنگ، اندیشه مردم، منافع و نظریات گروهی، عوامل

اقتصادی و مانند آن قرار دارد.

ب) تعریف سیاست با رویکرد هدایت محوری: برخی از متفکران اسلامی سیاست را چنین تعریف کرده است: «سیاست به معنای این است که جامعه را راه ببرد و هدایت کند به آن جای که صلاح جامعه و صلاح افراد هست. این در روایت ما برای نبی اکرم با لفظ سیاست ثابت شده است. در آن روایت هم هست که پیامبر اکرم مبعوث شد که سیاست امت را متکفل باشد.»

محمد تقی جعفری سیاست را عبارت از «مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی اجتماعی انسان ها در مسیر حیات معقول می داند.»

نجف لک زایی: درباره سیاست نظرهای مختلفی ارائه شده است. اما همه این تعاریف را می توان در چارچوب دو پارادایم "قدرت محور" و هدایت محور" دسته بندی کرد. در فرهنگ اسلامی، رهبری و امامت عبارت است از سیاستی که اساس آن متکی بر وحی بوده که شامل همه روابط انسانی می گردد و بنیادها، نهاد ها، روابط اجتماعی، آراء، عقاید، فرهنگ، اخلاق، بینش ها، سنت ها، خواسته ها و به طور کلی روابط فرد با فرد، فرد با خدا، فرد با خود و فرد با طبیعت را سمت و سوی الهی می دهد. این تعاریف همگی سیاست را با رویکرد هدایت محوری تعریف می کند. چرا که در تفکر دینی، سیاست به مثابه ابزاری برای رساندن انسان ها به سعادت دنیوی و اخروی است. بر همین اساس حداقل سه معنا ممکن است از حکومت دینی اراده شود: یک: حکومتی آن است که تمام ارکان آن بر اساس دین شکل گرفته باشد. دو: حکومتی دینی آن است که در آن احکام دینی رعایت می شود. سه: حکومت عبارتست از حکومت دینداران و متدینان. طبق معنای اول، حکومت دینی حکومتی است که نه تنها همه ی قوانین و مقررات اجرایی آن برگرفته از احکام دینی است بلکه مجریان آن نیز مستقیماً از طرف خدا منصوبند یا به اذن خاص یا عام معصوم منصوب شده اند. چنین حکومتی «حکومت دینی» ایده آل و کمال مطلوب است، زیرا حکومتی با این خصوصیات از پشتوانه حکم الهی برخوردار است و براساس اراده تشریحی خدا شکل گرفته است. پس حکومت رسول الله و امام معصوم و نیز حاکمیت افرادی مانند مالک اشتر در زمان حضور معصوم و یا

حکومت ولی فقیه جامع شرایط در عصر غیبت این گونه است.

اما طبق معنای دوم، لازم نیست شخص حاکم، منصوب مستقیم یا غیر مستقیم خدا باشد. در این صورت مجری این حکومت پشتوانه الهی ندارد و دینی بودن حکومت فقط به این معناست که قوانین دینی در این حکومت رعایت می شود. حتی طبق این معنا لازم نیست تمامی قوانین حکومت برگرفته از احکام و قوانین شرع باشد بلکه کافی است که تا حدودی احکام و ارزش های دینی در این حکومت رعایت گردد. این شکل از حکومت در مرتبه بعد از حکومت دینی به معنای اول قرار دارد.

بر اساس معنای سوم اصلاً رعایت قوانین اسلامی هم لازم نیست بلکه همین که حکومتی مربوط به جامعه ای است که افراد آن متدین هستند چون شهروندان متدین هستند حکومت هم، مسامحتاً دینی به حساب می آید. مشابه این تعبیر، تعبیر فلسفه اسلامی است که بعضی آن را "فلسفه مسلمانان" معنا می کنند یعنی فلسفه ای که در بین مسلمانان رایج است؛ هرچند منطبق با تفکر اسلامی نباشد از این رو برای صدق این معنای سوم حکومت دینی، ضرورتی ندارد که حاکم مقید به اجرای احکام شرع باشد. طبق این معنا، همه حکومت هایی که از صدر اسلام تاکنون در مناطق مختلف جهان در جوامع مسلمان تشکیل شده است "حکومت دینی" نامیده می شوند.

شکی نیست که معنای سوم حکومت دینی طبق معیار و موازین عقیدتی ما معنای صحیح و قابل قبول نیست. در نظام عقیدتی اسلام، حکومتی دینی است که تمام ارکان آن دینی باشد یعنی به معنای اول از معانی حکومت دینی، دینی باشد. اما معنای دوم "حکومت دینی" در واقع "بدل اضطراری" حکومت دینی مقبول است نه اینکه حقیقتاً حکومت دینی باشد، یعنی در صورت عدم امکان تحقق حکومت به معنای اول به ناچار به سراغ حکومت دینی به معنای دوم می رویم. به این معنا که اگر شرایط به گونه ای بود که حکومت دینی به معنای اول قابل تحقق نبود، از میان اشکال مختلف حکومت، "حکومت دینی" به معنای دوم اضطراراً پذیرفته می شود. برای تبیین معنای "اضطرار" به این مثال توجه کنید. از نظر فقه اسلامی خوردن گوشت مرده حرام است. لکن اگر مسلمانی

در شرایطی قرار گرفت که بخاطر گرسنگی مشرف به مرگ است و مقداری گوشت مرده در اختیار اوست. در اینجا فقها به استناد ادله ی شرعی فتوا می دهند که خوردن گوشت مرده به مقداری که از مرگ نجات پیدا کند جایز است در این صورت گفته می شود چنین شخصی مضطرب به خوردن گوشت مرده است.

در بحث کنونی هم در شرایطی که تحقق حکومت دینی واقعی امکان ندارد مسلمانان مضطر هستند که حکومتی را تشکیل دهند که "دینی" به معنای دوم است. پس در هر شرایطی نمی توان حکومت دینی به معنای دوم را تجویز کرد همانگونه که خوردن گوشت مرده در هر شرایطی تجویز نمی شود. اگر مردم اضطرار داشته باشند در آن هنگام می توانند به حکومت دینی به معنای دوم اکتفا کنند. چرا که در حکومت دینی به معنای دوم تا حدودی احکام الهی اجرا می شود و همین اندازه بهتر از حکومتی است که مطلقاً اعتنایی به احکام الهی ندارد.

### ۳. جامعیت دین

در تحلیل انتظار بشر از دین به این جمع بندی دست پیدا می کنیم که جامعیت و خاتمیت دین مقتضی این امر است که دین علاوه بر پاسخگویی به نیازهای دنیوی انسان می تواند نیازهای اخروی را نیز پاسخگو باشد. دین برنامه زندگی است که تمام ابعاد حیات فرد و جامعه را پوشش دهد. به این معنا که علاوه بر اعتقادات، اخلاق و عبادیات شامل انواع حقوق (حقوق سیاسی، حقوق قضایی، حقوق جزایی، بین المللی، اقتصادی و مدنی) می شود.

در تحلیل کارکرد دین به این باور می رسیم که حضور و بقاء یک پدیده دایرمدار کارکرد آن است. دین تازمانی می تواند در جامعه حضور داشته باشد که بتواند نیازهای فرد و جامعه را تامین نماید و هر زمانی این خاصیت را از دست بدهد، قابلیت بقای آن از بین می رود و در نتیجه ممکن است ناپدید و یا به یک پدیده بی اهمیت تبدیل شود. دین به عنوان امر فرائد به آن دلیل در تمام زمان ها و مکان ها باقی است که دارای کارکردهایی است که هیچ امر دیگری نمی تواند جایگزین آن شود. دین به این دلیل که کارکردی در هر سه سطح فرد، نهادها و نظام اجتماعی دارد، پس در حوزه



مدیریت نظم عمومی نیز موثر است.

دین، فرهنگ ساز و تمدن ساز است و تلاش می کند از مجرای فرهنگ سازی عوامل و عناصر تحول ساز نظیر: علم، کار و تلاش، جهاد، و... و نیز تربیت کارگزاران دگرگونی اجتماعی، زمینه ساز تحول و تغییرات تکاملی اجتماعی شود. چرا که انسان محور دگرگونی اجتماعی است و دین با تربیت افراد و سلطه بر نهادهای دگرگونی، می کوشد بستر ساز هر نوع تحول در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گردد.

### محور دوم: رابطه دین و سیاست از منظر قرآن

سیاست و حکومت در قرآن از موضوعاتی است که بسیاری از صاحب نظران و قرآن پژوهان را به دیدگاه های متفاوت و متعارض کشانده است. برخی، همه این کتاب آسمانی را حکومتی و مربوط به امور اداره جوامع بشری دانسته و برخی دیگر آن را غیر سیاسی خوانده اند. بر این اساس، موضوع رابطه دین و سیاست از بحث های مهم و سختی بوده و همین امر سبب شده که رابطه دین و دولت در کانون توجه قرآن پژوهان و سیاست شناسان واقع شود. در این بخش بحث رابطه دین و سیاست مورد ارزیابی واقع می شود. در مورد رابطه دین و سیاست چهار نظریه کلی مطرح شده است.

الف) نظریه جدایی دین و سیاست. این نظریه، دین را در حوزه های فردی انسان و خدا منحصر می کند و نسبت به حوزه های زندگی اجتماعی انسان، دین را بی تفاوت معرفی می کند. این نگاه، قلمرو دین را صرفاً در مباحث اخروی و روابط انسان با خدایش محدود می کند و معتقد است که ما باید حداقل انتظار را از دین داشته باشیم. مطابق این نگاه، دین فقط در امور مربوط به آخرت دخالت می کند و کار به دنیای مردم ندارد؛ در حال که سیاست در زمره امور دنیایی است. از این رو، نباید هیچکدام در حوزه دیگری دخالت نماید. طرفداران این دیدگاه معتقدند غرض اصلی خداوند از ارسال رسل و انزال کتب، کارهای این جهانی نیست. بلکه برای حیات اخروی جهت گیری شده است. اینها حداقل دخالت دین در امور دنیوی را از این جهت که به زندگی اخروی بهتر کمک می کند، می دانند. یعنی چون راه ما آدمیان از دنیا عبور می کند و به میزانی که دنیا می تواند در کار آخرت امداد کند، مورد توجه دین قرار میگیرد.

ب) نظریه پیوند دین با سیاست و نه حکومت: این نگاه، منکر وجود راهبردهای کلان سیاسی در دین و قرآن نیست؛ اما معتقد است دستورات دین منحصر به حوزه زندگی خصوصی افراد نیست بلکه نسبت به حوزه های اجتماعی انسان نیز نظر و عقیده دارد. اما از تمامی تعالیم دینی و آیات قرآن، هرگز ارائه نظام حکومتی به دست نمی آید. یعنی زمان که دستورات دین را مطالعه می کنیم، در می یابیم که قلمرو دین محدود به مسائل فردی نیست، بلکه مسائل اجتماعی نظیر خانواده، ازدواج، طلاق و تجارت را نیز در بر می گیرد. دین تلاش میکند رفتارهای انسانها را در آن حوزه ها جهت بدهد. زیرا همانگونه که رفتار فردی ما در سعادت و شقاوت ما اثر دارد؛ رفتار ما در امور سیاسی و اجتماعی نیز در سعادت و شقاوت ما اثر دارد. شهید مطهری از طرفداران این نظریه هستند. لذا معتقد است: اسلام طرحی است کلی، جامع، همه جانبه و معتدل که حاوی همه طرحهای جزئی و کارآمد در تمامی موارد است.

### ج) نظریه پیوند دین با سیاست و ارتباط آن با حکومت:

این دیدگاه گرچه دین را دارای شئون اجتماعی دانسته و راهبردهای خاص حکومتی را از قرآن برداشت می کند؛ اما معتقد است که آنچه در شریعت وجود دارد نمی تواند تمامی آنچه را که در یک حکومت لازم است تامین نماید. این نگاه برای اثبات مدعای خود علاوه بر دلایل برون دینی مانند دلیل انسان شناختی، روان شناختی خدا شناسی از دلایل درون دینی نیز بهره جسته و معتقد است که قرآن کریم برای رسول خدا شأن حکومتی قائل است. رسول خدا در زمان خود دو عنصر دین و سیاست را ترکیب نمود و تلاش نمود ضمن توجه به روابط افراد با خداوند؛ روابط سیاسی و اجتماعی مسلمانان را نیز تنظیم نماید. در قرآن کریم در یکجا می خوانیم: و ماکان لمومن و لامومنه اذا قضی الله امرا این یکون لهم الخیره من امرهم. (احزاب/۳۶) یعنی هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارند هنگامی که خداوند و رسولش امری را ضروری بدانند، اختیاری در برابر دستور خدا داشته باشد. یعنی کسی حق ندارد از دستورات خدا سر پیچی نماید. یعنی علاوه بر دستورات خدا و قوانین ثابت خدا، دستورات رسول خدا نیز بر تمام کسانی که در حوزه حکومت اسلامی زندگی

میکنند لازم الاجراست. در جای دیگر می فرماید: النبی اولی بالمومنین من انفسهم (احزاب/۶) پیامبر نسبت به مومنان از خود آنان سزاوارتر است. شیخ طوسی اولی بالمومنین را به «احق بتدبیرهم تفسیر کرده که مطابق آن، رسول خدا برای تدبیر امور اجتماعی مردم از دیگران سزاوارتر است. (شیخ طوسی، ۸: ۳۱۷) برخی دیگر از مفسران نیز معتقدند که اولویت در آیه تنها ناظر به مسائل دینی نیست بلکه مسائل مربوط به دین و دنیای آنان را در بر می گیرد. این در حالی است که شأن نزول آیه نیز موید دیگری است که اولویت در آیه مربوط به رهبری سیاسی و اجتماعی است. زمانی که رسول خدا تصمیم به جنگ تبوک گرفت و فرمان بسیج عمومی را صادر نمود، عده ای برای حرکت در سپاه رسول خدا به دنبال اجازه پدر و مادر خود بودند. خداوند با فرستادن این آیه، رسول خدا را به عنوان عالیترین مقام زعامت جامعه اسلامی معرفی نمود به طور که هیچ نظر دیگر، نباید مزاحم نظریه رسول خدا قرار بگیرد. از این گذشته، قرآن شئونی را برای سایر انبیا مطرح می کند که در آن، پیامبران الهی در شئون زندگی دنیوی انسانها در عرصه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، قضایی و حقوقی دخالت می کرده است. قرآن در این زمینه چنین می فرماید: کان الناس امه واحده فبعث الله النبیین مبشرین و منذرین وانزل معهم الكتاب بالحق لیحكم بین الناس فیما اختلفوا فیه. مردم یک گروه بودند، خداوند رسولان را فرستاد که نیکان را بشارت دهند و بدان را بترسانند و با آنها کتاب به حق فرستاد تا تنها دین خدا به عدالت در موارد نزاع مردم حکم نماید. این آیه تاکید می کند که رسولان الهی برای حل اختلافات مردم و داوری میان آنان بر اساس حق و عدالت فرستاده شده که خود به معنای تنظیم روابط مردم و ساماندهی امور سیاسی و اجتماعی مردم است.

(د) نظریه پیوند دین با سیاست و حکومت:

این نگاه، کارکرد دین را بسیار گسترده دانسته و حوزه دخالت دین را در سیاست بسیار وسیع می داند. مطابق این دیدگاه، دین متکفل ارائه برنامه جامع زندگی انسان در تمام ابعاد اجتماعی آن است. این دیدگاه یکی از مشهورترین دیدگاه های اسلامی است. دین شناسان معتقداند که نقش

برجسته زمان و مکان در اجتهاد، آن را به عنوان مکانیسمی تلقی می کند که دین می تواند از این طریق، جزئیات لازم و ضروری برای اداره مطلوب جامعه را میسر سازد.

### نتیجه نهایی

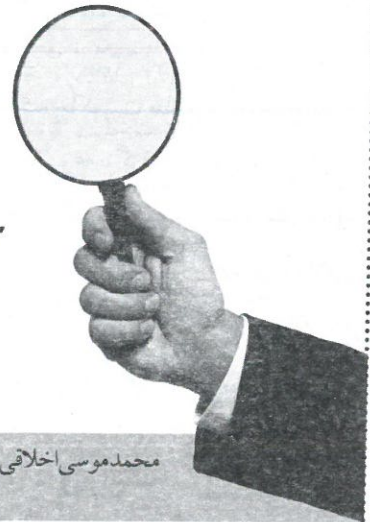
در تفکر قرآن، حکومت و دولت از مهم ترین نهادهای اجتماعی و بحث از حکومت از مهم ترین مباحث مربوط به علوم اجتماعی است. بر این اساس، قرآن شرایط سختی را برای رهبر جامعه اسلامی مورد تاکید قرار می دهد و معتقد است که الناس علی دین ملوکهم. سختگیری اسلام روی رهبر جامعه انسانی از آن روست که حاکمیت در انحصار خداوند است و برخی از مناصب آن را به شایسته ترین انسان ها واگذار نموده است. اهمیت رهبری جامعه اسلامی به قدری است که قرآن کریم رهبر جامعه انسانی را به دو بخش «امام نار» و «امام نور» تقسیم می کند. لذا مبانی حکومت دینی خدا محوری است و مشروعیت حکومت الهی است و این مباحث به معنای پیوند عمیق میان دین و حکومت خواهد بود. بر این اساس، از منظر قرآن کریم، حکومت ایده آل همان حاکمیت خدا است و پس از خدا حکومت مأذون از سوی خدا یعنی انبیاست. در این صورت، حکومت های موجود در کشورهای اسلامی از باب اضطرار می تواند حکومت اسلامی باشد. ما با استفاده از تحلیل گفتمان از میان چهار نظریه رقیب در باب رابطه دین و سیاست، نظر سوم را بر گزیدیم و رابطه دین با سیاست و حکومت را با استفاده از دلیل درون دینی اثبات کردیم.

### منابع

۱. سیاست و حکومت در قرآن، کاظم قاضی زاده
۲. بنیاد علم سیاست، عبدالرحمن عالم
۳. آموزش دانش سیاسی، حسین بشریه
۴. مجله تخصصی حکومت اسلامی، باقرالعلوم



## تفاوت های حکومت اسلامی با حکومت های دموکراتیک



محمد موسی اخلاقی



محصل سال چهارم  
دانشکده علوم  
سیاسی

### چکیده:

در هر جامعه ای تنظیم روابط اجتماعی نیازمند قانون و حکومت است. مجریان قانون را حکومت می نامند. مکاتب زیادی درباره حکومت و انواع حکومت ها دیدگاه های متفاوت دارند. امروزه حکومت اسلامی و انواع حکومت های مبتنی بر دموکراسی در جوامع انسانی حکمرانی دارد، در این مقاله ضرورت حکومت، مبانی و اهداف حکومت از نظر اسلام و حکومت های دموکراسی از دیدگاه دانشمندان جمع بندی نمی شود و نقاط اشتراک و افتراق آنها تا حدودی توضیح و تبیین می گردد.

**واژه های کلیدی:** حکومت، حکومت اسلامی، حکومت دموکراتیک.

### مقدمه:

روند تکامل جوامع بشری همواره با پیچیدگی هایی همراه بوده است، در شرایط مختلف قوانین مختلف، ساختارها و نظام های متفاوت در جامعه بشری حاکمیت داشته اند که امروزه همه به آن ها باور مند هستند. شیوه های اداره

زندگی جوامع بشری یا استبدادی بوده است و یا بر اساس رضایت مردم و مشروعیت. اگر هم حکومت استبدادی بوده است باز در مقایسه با وضعیت هرج و مرج به مراتب بهتر بوده است. به فرموده حضرت علی علیه السلام مردم ناگزیرند از این که حکومت داشته باشند گرچه حکومت ظالم باشد، چه این که وجود هرگونه حکومت از بی حکومتی بهتر است. او می فرماید: «انه لا بد للناس من امیر بر او فاجر» بنا براین در ضرورت حکومت شکی نیست، ولی آنچه مورد بحث است شیوه و نوع این حکومت هاست تا در پرتو آن بتوان منافعی که از وجود یک نظام اجتماعی و حکومت مورد انتظار مردم است را تامین کرد و در نهایت فرد و جامعه در پرتو آن به سعادت دست یابند. سوال اصلی این است که چه تفاوتی میان حکومت اسلامی و حکومت های دموکراسی وجود دارد؟ در پاسخ این سوال، فرضیه نوشته حاضر این است که تفاوت بنیادینی میان حکومت اسلامی و حکومت های دموکراسی وجود دارد. براین اساس موضوع مورد بحث در ضمن چهار محور مورد بحث قرار میگیرد.

### محور اول: ضرورت حکومت

انسان موجود اجتماعی و نیازمند روابط با همدیگر است، که این روابط باعث شکل گیری جامعه گردیده است. برقراری روابط افراد و زندگی جمعی، نیازمند قوانین و مقررات است تا در جامعه نظم ایجاد گردد. این قوانین و مقررات نیازمند قدرتی است که آنرا به اجرا در آورد که به آن قوه اجرائی یا حکومت میگویند که وظیفه آن اجرای احکام، قوانین و مقررات است، همچنین مطالعات تاریخی از بدو شکل گیری زندگی اجتماعی تا امروز نشان می دهد که در هر دوره و زمانی هم مقرراتی وجود داشته است و هم مجریانی که جامعه را به نحوی اداره و کنترل نموده است. چنانکه حضرت علی علیه السلام فرموده است: حکومت خوب است حتی

**محور دوم: حکومت و نظام سیاسی در اسلام**

تحولات فکری و سیاسی جهان اسلام نشان می‌دهد که باید، بنا بر دلایلی در خصوص نظام سیاسی، و حکومت در اسلام فکر و تأمل کرد. به لحاظ عملی نمی‌توان بدون دولت و حکومت زندگی نمود. دولت در جامعه اسلامی همانند سایر جوامع بشری، نه تنها بیانگر وجود مجموعه‌ای از نهادهاست، بلکه حاکی از وجود نگرش‌ها، اعمال و رفتاری است که منحصراً مدنیت اسلامی خوانده شده و جزئی از تمدن اسلامی محسوب می‌شود.<sup>۱۶</sup> در سوره روم آیه ۳۰ آمده است: «دین اسلام دین فطرت است» و اسلام که دین فطرت است باید نیازهای فطری انسانها را بر آورده سازد که از جمله آن‌ها نیازهای اجتماعی است. بنابراین اسلام باید باشد با جعل قواعد و مقررات نیازهای اجتماعی اعم از ملی و بین‌المللی را بر آورده سازد. اسلام دین هدایت، دین صلح و دین جهانی است. بادر نظر داشت مقولاتی که در دین اسلام ذکر شده اند دین اسلام پاسخگو به نیازهای فطری بشر، گسترش حس بشردوستی، درک سرنوشت مشترک، تأمین صلح و امنیت جهانی، عمران و آبادانی زمین، توسعه علم و دانش و... می‌باشد. اسلام از آنجایی که در اهداف حقوق بین‌المللی خویش دارای اهداف مقدماتی، متوسط و عالی است. هدف مقدماتی مثل نظم، امنیت، صلح و آزادی، هدف متوسط مثل عدالت اجتماعی و سعادت اجتماعی و هدف عالی که اسلام روی آن تأکید دارد، تکامل معنوی بشری باشد.

تعاریف متعددی برای دولت اسلامی و حکومت اسلامی از طرف دانشمندان اسلامی ارائه شده است که در کل می‌توان به چنین تعریفی اشاره نمود:

دولت دینی یا اسلامی دولتی است که در جامعه دینی حافظ و مجری شریعت باشد، یعنی قوانین آن شرعی باشد. بنابراین، وظیفه حکومت اسلامی اجرای احکام الهی مبتنی بر وحی و شریعت می‌باشد. حکومت اسلامی حکومتی است که در آن حاکمیت مطلق از آن خداوند می‌باشد و حکومت‌های اسلامی ملزم به رعایت احکام شرعی که از قرآن و سنت برگرفته شده است می‌باشد.

**مبانی حکومت در اسلام**

آنچه در مورد حکومت و نظام سیاسی در اسلام گفته اند مبانی حکومت و نظام سیاسی در اسلام عبارتند از: قرآن و سنت پیامبر<sup>(ص)</sup> که حاکمیت مطلق از آن خداوند<sup>(ج)</sup> می‌باشد و تمام قوانین موضوعه برگرفته از متن قرآن کریم و سنت پیامبر است؛ چون قرآن کریم پاسخگوی تمام نیازهای بشر در هر دوره‌ای از زمان است و فقهای اسلامی با تفسیر آیات قرآن کریم و سنت پیامبر گرامی اسلام<sup>(ص)</sup>، حکومت اسلامی را راهنمایی و رهبری می‌کنند.

**محور سوم:****۳- حکومت و نظام‌های دموکراتیک**

دموکراسی معانی گوناگون دارد، هریک از اندیشمندان سیاسی به فراخور پیش فرض‌های خویش تعریفی ارائه داشته‌اند، به همین خاطر پاسخ گویی به سوال، نیازمند تبیین دقیق معنای دموکراسی و بیان آن است، تا بعد بتوان گفت که اسلام با دموکراسی توافق دارد یا نه؟ اگر دارد با کدام قسم از آن موافق است<sup>۱۷</sup> نویسندگان و اندیشمندانی که درباره دموکراسی بحث کرده‌اند هریک به اعتباری خاص و از زاویه‌ای به آن نگریسته و آنرا به انواع و اقسامی تقسیم کرده‌اند، بطور مثال دیوید هلد یازده مدل دموکراسی را بیان نموده مانند دموکراسی حمایتی، دموکراسی تکاملی رادیکال، دموکراسی حقوقی و... ساموئل هانتینگتون سه نوع دموکراسی را برمی‌شمارد که هر کدام در زمانی ظهور نموده است برتراند و راسل شش نوع دموکراسی را بیان نموده است و گاه معانی متضاد بیان شده است در بسیاری از مباحث مطرح شده، در مورد دموکراسی به این تفاوت‌ها توجه کامل نشده است این عدم توجه عاملی برای گمراهی و تحلیل‌های ناصحیح شده است.<sup>۱۸</sup> برخی هم درباره دموکراسی چنین نگاه داشته‌اند:

بعد از گذشت مراحل طولانی و تحمل اشکال مختلف استبداد و بی‌عدالتی و برخورد‌های گوناگون بشری جامعه بشر توانست به دو پیروزی بزرگ نایل آید: اول و جمع بندی حقوق بنیادین بشر. دانشمندان کشف حقوق بشر را پیروزی بزرگی، موازی با پیروزی‌های بزرگ بشر در علوم تجربی می‌دانند. مصئونیت و آزادی دو مقوله‌ای است که

بشر در طول تاریخ حیات سیاسی خویش بدانها نیاز داشته و این مقوله ها به تدریج و به طور نسبی به واقعیت تبدیل شده اند. بعد از قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی توجه دانشمندان و فیلسوفان به حقوق طبیعی انسان ها جلب گردید، سوال این جا مطرح شد که از این حقوق چگونه می توان دفاع نمود، تا به عنوان یک آرمان باقی نمانده و مرجع حفاظت از این حقوق دریافت گردد و جنبه واقعی به خود بگیرد.

دومین کشف بزرگ دموکراسی برای حفظ حقوق بشر است که اندیشمندان متوجه قدرت سیاسی جامعه بودند و به این باورمندی دست یافتند تا قدرت به نمایندگی مردم عمل نکند، حفظ حقوق بشر و آزادی های مردم غیر ممکن خواهد بود، انسان بدون آزادی در چوکات قانون که بر مبنای نظام از نوع دموکراسی نمی تواند استعدادها و ظرفیت های خویش را تبارز دهد. دموکراسی به علتی می تواند از حقوق بشر و حقوق طبیعی انسان ها دفاع نماید که نظام سیاسی اعتقاد به حاکمیت مردم داشته و به نظارت مردم در عملکرد حکومت احترام دارند.

به هر حال هر کدام از محققین و دانشمندان راجع به دموکراسی به نوبه خود آنچه در خور میل و قضاوت شان بوده ابراز نظر و دیدگاه های شان را ارائه نموده اند.

در کل بنا بر تعاریفی که دانشمندان از دموکراسی داشته به چند تعریف از دموکراسی اشاره میگردد، "به گفته ابراهام لینکن، دموکراسی عبارت است از حکومت مردم، توسط مردم، برای مردم، توسط همه، برای همه و در تعریف بریس از دموکراسی آمده است: آن شکلی از حکومت که در آن فرمانروائی دولت بطور قانونی، نه تنها به طبقه یا طبقات خاص؛ بلکه به همه اعضای جامعه به طور کل واگذار شده است. یعنی در جامعه هایی که انتخابات وجود دارد؛ فرمانروائی به اکثریت تعلق دارد. زیرا برای تعیین مسالمت آمیز و قانونی اراده جامعه که اتفاق آرا ندارد؛ هیچ شیوه دیگری وجود ندارد."

#### مبانی و پایه های دموکراسی:

"عده ای از دانشمندان معتقد به دموکراسی، پایه های دموکراسی را چنین برشمرده اند:

۱. قدرت حاکمه مردم ۲. حکومت مبتنی بر رضایت مردم. ۳. حکومت اکثریت ۴. حقوق اقلیت ها ۵. ضمانت برای حقوق بشر ۶. انتخابات آزاد و عادلانه ۷. مساوات در برابر قانون ۸. پیگرد قانونی ۹. محدودیت های قانونی بر حکومت ۱۰. پلورالیزم اجتماعی و اقتصادی، ۱۱. پراگماتیسم تعاون و سازش

بنابر تعاریف و توضیحاتی که از حکومت اسلامی و حکومت های دموکراسی در قبل تذکر رفت، می توان وجوه اشتراک و افتراق آن دو را دریافت که در محور بعدی بیان می شود.

#### محور چهارم:

#### ۴. وجوه اشتراک و افتراق حکومت اسلامی با

#### حکومت های دموکراسی:

**الف: وجوه اشتراک:** ۱. اصالت قانون ۲. تفکیک قوا ۳. تضمین حقوق و آزادی های عمومی از قبیل آزادی بیان، عقیده، اجتماعات که از این جهت نظام اسلامی یک نظام دموکراتیک است.

**ب: وجوه افتراق:** در این جا بحث در مورد حکومت اسلامی و حکومت دموکراسی است، عده ای مفهوم مردم سالاری را مترادف با مفهوم دموکراسی غربی تلقی میکنند و سعی دارند وجوه مردم سالاری دینی را با دموکراسی منطبق نمایند. برخی بالعکس ماهیت مردم سالاری دینی را متفاوت از دموکراسی های غربی میدانند و در مبانی و اصول موضوعه، آن را به کلی مغایر با دموکراسی می پندارد.

حاکمیت ملت در مردم سالاری دینی همانند لیبرال - دموکراسی، حاکمیت قانون را به دنبال دارد، با این تفاوت اساسی که دموکراسی در غرب با سکولاریسم همزاد و همراه است، اما در مردم سالاری دینی با حاکم شدن ملت، حاکمیت اسلام و شریعت مطرح است.

۱. در حکومت اسلامی حاکمیت مطلق از آن خداوند است. ولی در حکومت دموکراسی حاکمیت از آن مردم.

۲. حکومت اسلامی مجری احکام الهی و شریعت است. ولی حکومت دموکراسی مجری قانون اساسی مبتنی بر

خواست و اراده صاحبان حاکمیت که مردم است میباشد.

۳. در حکومت اسلامی انتخاب و یا نصب حاکم (مثل خلیفه یا ولی فقیه در اندیشه شیعه) با واسطه یا عام از جانب خدا و دین خدا تعیین میشود. ولی در حکومت دموکراتیک حاکم از طرف مردم انتخاب میشود.

۴. اطاعت از حاکمان در دولت اسلامی قبل از آنکه فرض مدنی باشد، واجب شرعی است ولی در دموکراسی قوانین موضوعه و سلسله مراتب مطرح است.

۵. در دولت اسلامی معارضه با حاکم و حکومت دینی از مصادیق بغی و محاربه است که مستلزم مجازات شرعی و عقاب اخروی است، ولی در دموکراسی هرگونه معارضه بی آنکه گناه شرعی تلقی شود، حد اکثر مستوجب مجازات دنیوی است.

۶. در مردم سالاری دینی در بعد قانون گذاری رأی اکثریت در چارچوب شریعت پذیرفته می شود و در دموکراسی رأی اکثریت را بصورت مطلق ملاک عمل قرار می دهند.

با در نظر داشت تفاوت های حکومت اسلامی و دموکراتیک که در موارد فوق تذکر رفت باید یاد آور شد که در حکومت اسلامی حاکمیت مطلق از خداوند است و قوانین آن برگرفته از قرآن کریم میباشد در حالیکه در حکومت های دموکراتیک حاکمیت مربوط به مردم و همچنین در وضع قوانین رأی و نظر مردم ملاک قرار داده میشود، برعلاوه در حکومت اسلامی مخالفت با حاکم دینی از مصادیق بغی و محاربه بوده که مستلزم مجازات دنیوی و عقاب اخروی است ولی در حکومت های دموکراتیک مخالفت با حاکم مستوجب مجازات دنیوی میباشد. بطور کل می توان گفت که حکومت دینی حکومتی است که هم در بعد مادی و هم در بعد معنوی بشر توجه دارد در حالیکه حکومت دموکراسی از نوع لیبرال تنها به بعد مادی جوامع انسانی می نگرند.

### نتیجه گیری

از آنچه که در مباحث فوق راجع به تفاوت و اختلاف میان حکومت اسلامی و حکومت های دموکراسی که منظور از دموکراسی در اینجا بیشتر دموکراسی غرب مورد بحث

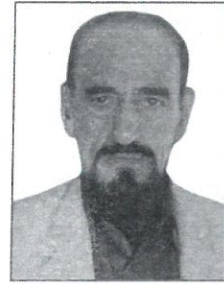
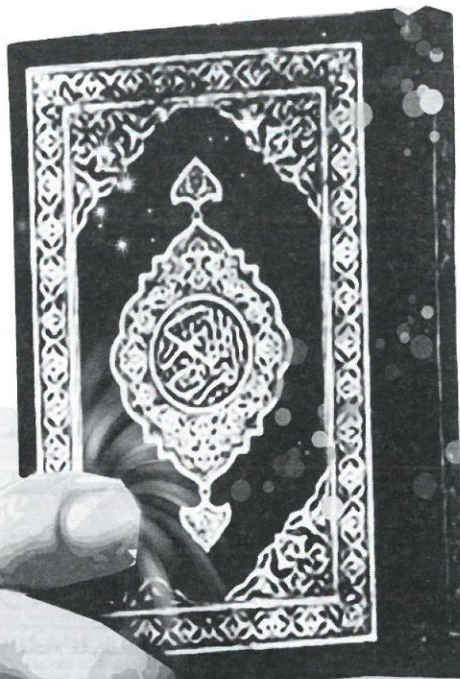
است، تحقیق و بررسی بعمل آمد، مبنای و هدف حکومت در اسلام و نظام های مبتنی بر دموکراسی تا حدودی روشن گردید. با در نظر داشت ماهیت و نقاط اشتراک و افتراق آن دو می توان چنین نتیجه گیری نمود:

حکومت در اسلام تعریفی مشخصی دارد و دارای ویژگی خاصی میباشد که یکی از ویژگی های آن شرایط معین در رهبران و مسئولان کشور و دیگری تبعیت احکام و قوانین کشور بر اساس قانون اسلام است و مدعی پاسخگو بودن به تمام نیازهای بشر است، هدف های که در حکومت و نظام دولت اسلامی و همچنان حکومت های دموکراسی مورد بررسی قرار گرفت، اهداف حکومت های دموکراسی از مدل غربی صرف جنبه مادی دارد، اما حکومت و نظام سیاسی دولت در اسلام علاوه بر اهداف مادی بشر دارای اهداف عالی یعنی تکامل معنوی بشر را نیز مورد تاکید قرار داده است که این نکته یکی از ویژگی های خاص در اهداف نظام سیاسی و حکومت در اسلام است؛ چون نظام های حقوقی بشر مبتنی بر دموکراسی بینش بیشتر از جهان مادی را ندارند.

### منابع

۱. قرآن کریم
۲. نظام سیاسی دولت در اسلام/ داود فرحی تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه باقرالعلوم (ع) ۱۳۸۲-
۳. از سایت انترنتی مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی.
۴. ماهنامه دموکراسی بنیاد انکشافی مدنی شماره ششم عقرب ۱۳۸۲
۵. بنیادهای علم سیاست عبدالرحمن عالم ص ۲۵۹
۶. در مقاله از مسعود فولادفر سایت انترنتی





بسم الله فهمی  
محصل سال چهارم  
دانشکده  
علوم سیاسی

از نظر قرآن کریم

# مبانی حکومت دینی

## چکیده

قرآن مجید بزرگترین منبع هدایت بشر و بزرگترین کتاب آسمانی است که خداوند بزرگ بر اساس نیازمندی‌ها و ضرورت جامعه انسانی بر ناچای بشریت حضرت محمد (ص) نازل گردیده در متون آن هزاران مفاهیم و گنجینه‌هایی در مسائل اعتقادی و ایمان، نظام حکومت دینی، اخلاق، حقوق انسانی، احکام، اخوت اسلامی و ذکری از انبیاء تذکر رفته است و به مشابه بزرگترین ره‌نما در راستای سیاست گذاری جامعه نظام دینی، عدالت اجتماعی میباشد رجوع به کلام پروردگار یکی از اولویت‌های حکومت‌های دینی اسلامی است که مسلمانان را به سرحد مقصود در سایه قرآن می‌رساند.

چنانچه قرآن مجید می‌فرماید « و اعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا » این آیه مبارکه بزرگترین شعار اتحاد برای مسلمانان در نظام دینی است. نهاد حکومت دینی مبنی بر منظر آموزه‌های قرآن نهفته است در این نوشتار سخن چندی از ویژگی‌های مبانی حکومت دینی از منظر قرآن در آیات قرآن کریم توضیح گردیده است. که اساس این حکومت توسط حضرت محمد (ص) در مدینه گذاشته شد که در پرتو قرآن نظام سیاسی حکومت شکل گرفت و از منظر قرآن بررسی می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** مبانی حکومت دینی، آموزه‌های قرآن، تشکیل حکومت دینی، عدالت اجتماعی.

غربی بر اساس نگاه اومانستی سیاست را قدرت محور دانسته و اسلام و متفکران اسلامی آن را هدایت محور دانسته اند.

### الف) تعریف سیاست با رویکرد قدرت

**محوری:** برای سیاست تعریف جامع و مانعی وجود ندارد. اما مهمترین عنصر تعیین و اجرای سیاست قدرت است و شناخت آن وظیفه اصلی علم سیاست. لذا قدرت هسته و مرکز سیاست را به وجود می آورد. دانشمندان علوم سیاسی تعاریف متنوعی از سیاست ارائه داده اند. دیوید استون سیاست را عبارت می داند از: توزیع آمرانه ارزش ها برای کل جامعه، برخی دیگر سیاست را مبارزه ای برای قدرت، نفوذ و اعمال آن در جامعه می داند، برخی دیگر سیاست را عبارت می داند از اینکه چه کسی می برد، چه می برد، چه موقع می برد، چگونه می برد و چرا می برد؟، برخی دیگر سیاست را فعالیتی می داند که مستقیم یا غیر مستقیم به کسب قدرت، تحکیم قدرت و استفاده از قدرت مربوط است. یعنی سیاست، مبارزه ای برای کسب قدرت، حفظ قدرت و افزایش قدرت است. تمامی تعاریف فوق را می توان به این صورت جمع بندی کرد و گفت: سیاست عبارت است از: رهبری صلح آمیز یا غیر صلح آمیز روابط میان افراد، گروه ها و احزاب و کارهای حکومتی در داخل کشور و روابط میان یک دولت با دولت های دیگر در عرصه خارجی. به هر حال، سیاست برخاسته از تضاد باشد یا هماهنگی، در هر دو صورت بر آمده از قدرت است. تفاوت فقط این است که در تضاد، قدرت به صورت غیر صلح آمیز و در هماهنگی به صورت صلح آمیز خواهد بود. هرچه باشد، سیاست از حساس ترین فعالیت انسان در زندگی جمعی است که سخت تحت تاثیر فرهنگ، اندیشه مردم، منافع و نظریات گروهی، عوامل اقتصادی و مانند آن قرار دارد.

### ب) تعریف سیاست با رویکرد هدایت محوری:

برخی از متفکران اسلامی سیاست را چنین تعریف

حکومت یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی و بحث از حکومت از مهمترین مباحث علوم اجتماعی است. مبانی حکومت دینی یکی از موضوعات جدید، چالشی و کاربردی است و این نوشته سعی می کند مبانی حکومت دینی را مورد توجه قرار بدهد. زیرا تفاوت حکومت ها بر اساس مبانی آنها مورد سنجش واقع می شود. به طور طبیعی مبانی حکومت دینی خدا محوری و مبانی حکومت لیبرال ها انسان محوری است. از نظر اسلامی، حاکمیت در هر سه حوزه ی قانونگذاری، اجرا و داوری منحصر به خداوند است. مطابق این نگاه، مشارکت، مشروعیت، سیاستگذاری ها، مردم و تمام مقوله های مربوط به حکومت با توجه به خدا و حاکمیت خداوند تفسیر می شود و معنا می شود. این نوشته می کوشد مبانی حکومت دینی را مورد بررسی قرار بدهد.

### محور اول مفاهیم

**۱. مفهوم دین:** برای دین تعریف جامع و مانعی وجود ندارد. غربی ها عمدتاً دین را امر بشری می دانند که انسان ها در هنگام احساس تنگناها به یک مفهوم ماورایی تکیه می کنند و آن را یک امر مقدس می دانند. اما متفکران اسلامی دین را عبارت می دانند از مجموعه ای از عقاید، اخلاق و احکام که از سوی خداوند برای سعادت بشر نازل شده است. یا دین عبارت است از مجموعه آرای نظری و عملی که بتواند به پرسش های بنیادین بشر پاسخ بگوید. دین اسلام بدلیل جامعیت و خاتمیت تلاش کرده نیازهای بشر را هم در دنیا و هم در آخرت در عرصه های مادی و معنوی تامین نماید.

**۲. مفهوم سیاست:** سیاست نیز مانند دین تعریف جامع و مورد اجتماعی ندارد. بیش از دوصد تعریف در مورد سیاست وجود دارد. اما می توان تمامی آنها را در دو تعریف خلاصه نمود. برخی سیاست را قدرت محور دانسته و برخی دیگر هدایت محور. متفکران

کرده است: «سیاست به معنای این است که جامعه را راه ببرد و هدایت کند به آن جای که صلاح جامعه و صلاح افراد هست. این در روایت ما برای نبی اکرم با لفظ سیاست ثابت شده است. در آن روایت هم هست که پیامبر اکرم مبعوث شد که سیاست امت را متکفل باشد.»

محمد تقی جعفری سیاست را عبارت از «مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی اجتماعی انسان ها در مسیر حیات معقول می دانند.» مطابق تعریف این بزرگان، سیاست و قدرت در اندیشه اسلامی یک ابزار است و هدف اصلی از سیاست تدبیر امور عامه در جهت اصلاح و تربیت انسان ها برای رساندن آنها به سعادت دنیوی و اخروی است.

**۳. مفهوم قرآن:** قرآن یا فرقان کتابی است که در سال ۶۲۱ میلادی به عنوان قانون اساسی زندگی بشر و تعیین سبک زندگی انسانها از سوی خداوند فرو فرستاده شد. رسول خدا در این به عنوان پیام آور خدا ماموریت یافت تا آیات الهی را برای انسانها ابلاغ و مردم را از تعالیم الهی آگاه سازد. رسول خدا به مدت سیزده سال در مکه و ده سال در مدینه این ماموریت را به بهترین صورت انجام داد. قرآن کریم مشتمل بر تمامی برنامه های مورد نیاز بشر است. یکی از تعالیم قرآن مهم قرآن، آموزه های آن در مورد سیاست و حکومت است. رسول خدا مطابق همین برنامه پایه یک حکومت اسلامی را در مدینه گذاشت و بدین ترتیب، یک تمدن ماندگار را برای همیشه در تاریخ بشر ثبت نمود. امروز یکی از مشکلات اصلی مسلمانان و بحران های موجود دوری مردم و مسلمانان از فرامین قرآن است. نظام های سیاسی مسلمانان نیز به دلیل دوری از اصول صدر اسلام با انحرافات جدی مواجه هستند.

### محور دوم: مبانی حکومت از نگاه قرآن

دین مقدس اسلام بر اساس آموزه های قرآن در مورد عدالت اجتماعی و انتخاب انسان را به مشابهِ خلیفه

روی زمین ارشاد فرموده «و اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفه» یعنی هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت من در روی زمین خلیفه قرار خواهم داد که بر طبق آن انسان ها مطابق قانون خداوند<sup>(ج)</sup> را بر بندگان پیاده نماید تا مردم به رستگاری و سعادت نایل گردد و یکی از ویژگی های دستورات خداوند<sup>(ج)</sup> بی همتا تشکیل حکومت دینی بر پایه های حق و عدالت است چنانچه از پیامبرانی که به حکومت دینی مبادرت جستند سیدنا حضرت محمد<sup>(ص)</sup> در مدینه حضرت داود و حضرت سلیمان<sup>(ع)</sup> بودند که در آیات قرآن کریم در مورد حکومت دینی به کرات ذکر رفته چنانچه خداوند<sup>(ج)</sup> فرموده «ان الله بامرکم ان تو دو الامانات الی اهلها و اذا حکمتکم بین الناس آن تحکموا با العدل ان الله نعمایعظکم به ان الله کان سمیعاً بصیراً» به تحقیق الله متعال شما را امر مینماید اینکه امانت ها را به اهلش بسپارید و چون بین مردم حکم می کنید به عدل حکم نمایید. الله متعال بسیار نیک پند دهنده شما است به این امر و هر آینه خداوند متعال شنوا و بینا است. چنانچه در سوره های یوسف، مائده و نساء، در زمینه حکومت دینی چنین آمده است. کسی که بر طبق مقررات وحی و قوانین الهی حکم نراند از کافران، فاسقان و ظالمان است سوره مائده و یا ما کتاب را به توفرستادیم تا طبق آن آنچه خدا<sup>(ج)</sup> به تو ارائه داده است بین مردم حکومت کنی و هم وقتی در میان مردم حکومت میکند به عدالت حکومت کنید (نساء/۵۸) دولت دینی تمام ارزش های خود را از دین اسلام می گیرد که دارای ویژگی های زیر میباشد:

۱- دولت اسلامی دولت دینی است و معیار دینی بودن یک دولت نیز استناد به دین و پذیرش مرجعیت دین و زندگی سیاسی است.

۲- دولت اسلامی دولتی است که هر گونه پرسش درباره سنت به دین و دولت در اندیشه اسلامی طرح نماید و دولتی را معرفی میکند در جغرافیای زندگی

مسلمانان تشکیل شده است.

۳- دولت اسلامی دولتی است که حافظ و مجری شریعت و آموزه های اسلامی در جامعه است.

۴- دولت اسلامی دولتی است که فرمانروایان آن شرایط را اختیارات خاصی دارند که در نصوص دینی ارائه شده است دین اسلام مبانی نظم سیاسی است.

۵- دولت اسلامی دولتی است که نه تنها ارزش های حاکم بر زندگی سیاسی و نیز شرایط رهبران و فرمانروایان آن از جانب دین تعیین و تعریف می شود بلکه حتی شیوه استقرار حاکم در رأس هرم دولت بطور کلی ساختار نظم سیاسی و روش مدیریت امور عمومی جامعه نیز بوسیله دین بیان می گردد.

بنابر آن مبانی حکومت اسلامی بر مولفه دین که مطابق به دستورات قرآنکریم و ارشادات نبی کریم (ص) است که نزول قرآن جهت هدایت و رهنمای بشر صورت گرفته و درین کتاب الهی تمام ساحات حیاتی و زندگی انسان ها را در چهارچوب قوانین ابدی و دستورات همه جانبه خداوند بی همتا تنظیم گردیده که در بردارنده بنیاد نظام سیاسی اسلامی، ایمان تقوا، حقوق و عدالت اخوت، صلح، شورا و نماز امر به برابری، مسلمانان به ذکات، حج و غیر بر شالوده ی آن استوار است چنانچه در قرآن مجید چنین فرموده است:

آن کسانی که هستند که اگر آنها در زمین مکت و قدرت دهم نماز را بر پا کنند و ذکات بجا آورند و امر با المعروف و نهی از منکر نمایند. و نیز در جای دیگر آیات شریف آمده است:

ما کتاب را به حق بر تو فرستادیم تا بین مردم بر اساس آنچه خداوند (ج) است به تو آموخته است حکم برانی پس مدافع خیانت کاران مباش (ارشادات و امر خداوند رحمن بر پیامبر گرامی (ص) را بر شالوده یک حکومت اسلامی مطابق آیات و احکام خداوند (ج) منصوب نموده است تا در فی ظلال القرآن در ساختار حکومت اسلامی تمسک جستند که بر ملاک قوانین الهی

حکومت دینی در مدینه منوره استحکام یافت.

یکی روش های وظایف پیامبران الهی عبارت است ابلاغ پیام های بر حق خداوند بزرگ بر اساس تعلیم و تربیه، تزکیه، دعوت به توحید پند و اندرز، هدایت و ارشاد می باشد که در اثر مورد حمایت و پشتیبانی اکثریت مردم قرار گرفت. یکی از ویژگی های حضرت محمد (ص) در زمان بعثت و قبل از بعثت که با تفکر عالی نبوت و مکارم الاخلاق مورد توجه مردم مکه و مدینه قرار گرفت که به لقب امین مسمی گردید در زمان دعوت پیامبر گرامی (ص) از جمله کار کردهای بزرگ وی دفاع از حقوق محرومان، تنگدستان، در زیر سلطه سران قریش قرار داشتند به همکاری مسلمانان حمایت از آنان مورد شعار خویش قرار داد که در نتیجه با اهداف بلندی که داشت حمایت جمعی کثیر مردم را بدست آورد در طی مدتی در مکه مسلمانان توانستند همراه با حضرت پیغمبر از مکه معظمه به مدینه منوره هجرت نمودند و وی با مهاجرین در مدینه از انصار استقبال گردیده و در نخستین فرصت دست اتحاد بین مهاجر و انصار بلند کرد، روز به روز به موفقیت های بزرگ نایل گردیدند. همان در شهر مدینه نخستین نظام سیاسی اسلامی تشکیل داده و بر اساس ارشادات قرآن کریم به ساختار نظام سیاسی اسلام اقدام نمود و در استحکام این به همکاری مسلمانان ساعی به خرج داده و در طی زمان نفوذ مسلمانان در حال گسترش بود. ولی با این کار کرد مسلمین و برنامه دعوت دین مقدس اسلام مورد توجه و پذیرش مردم اطراف عربستان قرار گرفت و غزوه های بدر، احد، خندق، خیبر، تبوک را انجام داده که در اثر آن مسلمانان به پیروزی های بزرگ نایل گردیدند و حکومت دینی در مدینه بر پایه های قوانین الهی ثبات کامل یافت و مسلمانان توانستند قلمرو جدید بدست آورند پس از این رویداد ها دین اسلام به مشابه یک دولت سیاسی اسلامی در اولین پایتخت شهر مدینه عرض وجود نمود و مسلمانان حیات دینی، سیاسی را



در پرتو قرآن کسب نمودند. در زمان ایجاد حکومت دینی در مدینه دو دولت بزرگ قدرتمند که در شرق و امپراتوری پارس و در غرب روم، بود و سد بزرگ در برابر مسلمانان قرار داشت که بعد از رحلت آن حضرت<sup>(ص)</sup> در زمان خلفای راشدین این نوع امپراتوری ها از هم فرو پاشید و با این پیروزی مسلمانان دایره نفوذ آنان گسترده تر گردیده است. که احکام و قانون قرآن در سرزمین های مفتوحه ملاک عمل آنان گردیده که بیانگر اعجاز قرآن برای استفاده بشریت است در شرق و غرب عملی گردید. کار ویژه های نظام حکومت دینی در جغرافیای سیاسی اسلام مبتنی بر جهاد و اخوت اسلامی بود که در این راستا مسائل اقتصادی، سیاسی، عقیدتی از طرف فرمانروایان مسلمانان در قلمرو و خلافت اسلامی تطبیق میگردید همچنان نظام حکومت دینی بر مولفه های عدالت، مساوات، همزیستی، اخوت اسلامی و انسانی استوار بود که این نهاد بر اساس آموزه های قرآن میتواند نظام حکومت دینی ثبات بخشد. مهمترین ویژگی های حکومت دینی از منظر قرآن این است که در تمام برنامه ها و عرصه ها از روی عدالت رفتار می کند. قرآن در این رابطه می فرماید:

«ان الله يا مر با العدل» سوره نحل آیه ۹۰ یعنی خداوند<sup>(ج)</sup> به عدالت امر میکند و یا « واذا حکمتم بین الناس آن تحکیم با العدل » انعام / ۱۵۲ و چون بین مردم به حکومت بر خاستید به عدل حکومت کنید بنابراین محبوب تر مردم نزد خداوند<sup>(ج)</sup> در روز قیامت از همه نزدیکتر به خداوند در مقام و رتبه پیشوای عادل است و از همه بدتر نزد خداوند<sup>(ج)</sup> در روز قیامت شدید ترین آنها پیشوای ظالم است و قرآن کریم بزرگترین منبع حق و عدالت و تامین حقوق افراد در نظام سیاسی و رهگشای مناسبی برای همه حکومت ها و ملت ها خواهان ایجاد و عدالت آزادی، صلح، و ثبات در کشور خود هستند می باشد. محوری ترین بحث های سیاسی یک حکومت عبارت است از قانون، رهبری،

زامداری قدرت، عدالت آزادی مصالح مردم و روابط بین الملل همه نوعی در قرآن مورد اشاره قرار گرفت آیات آسمانی قرآن بیانگر عدالت در جوامع اسلامی است که چنانچه خداوند<sup>(ج)</sup> میفرماید: ما این کتاب (قرآن) را به حق بسوی تو فرستادیم در حالیکه تصدیق کننده کتابهای پیش و حاکم بر آنهاست پس بیان آنان بر وفق آنچه خدا<sup>(ج)</sup> نازل کرده حکم کن و از هواهایشان (با درو شدن) از حقی که به سوی تو آمده پیروی مکن برای هر یک از امت ها شریعت و راه روشنی قرار داده ایم (مائده/۴۸) در جای دیگر در زمینه حکم چنین آمده او است که حکم میکند در قبال حکمش حکم احدی نفوذ ندارد (رعد/۲۱) در نتیجه نمیتواند از حکم او جلوگیری کند این اساس دولت اسلامی را دولتی معرفی می کند که در جغرافیای زندگی تشکیل شده است جامعه ای که اقتدار سیاسی به عهده مسلمانان و اکثر نهادهای عمومی بدست آنان اداره میشود این برداشت ملهم از مطالعات جغرافیای انسانی و سیاسی است یکی از رایج ترین تعریف از دولت اسلامی است و امروزه پایه بسیاری از تشکیل ها و نهادهای بین المللی از جمله سازمان کنفرانس اسلامی اتحاد بین المجالس کشورهای اسلامی و بانک های بین المللی اسلامی که بر اساس این تفسیر دولت دینی اسلامی دولتی است که مسلمانان با قطع نظر از ساختار درونی آنرا تشکیل میدهند و اداره میکنند اگر حکومت های دینی بر معیارهای قرآن و سنت پیامبر گرامی<sup>(ص)</sup> عیار گردد و مسلمانان تحت شعار توحید گرد آیند سعادت دنیا و عقبا نصیب آنان خواهد شد بدین اساس قرآن و پیامبر بهترین شاهراه حقیقی برای ایجاد حکومت های دینی در دنیای اسلام است که بهترین حکومت آن است که قانون الهی بر آن حکومت کند این حکومت به قرآن، سنت، پیامبر اقتدا نماید.

که نمونه های آن نظام حکومت پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> امامت خلفای راشدین است که اصول نظام دینی خود را با

ایمان کامل اینکه آنها اصول کاملی هستند که در ساختار نظام دینی نقش دارد.

از منظر قرآنکریم حکمرانی برخی پیامبران قبل از اسلام، از جمله حضرت داود<sup>(ع)</sup> حضرت سلیمان<sup>(ع)</sup> را به حکومت دینی و حضرت موسی<sup>(ع)</sup> به همان شیوه در مورد حضرت یوسف به وزارت مالیه و بالآخره حضرت رسول الله بنیاد حکومت دینی اسلامی را در شبه جزیره عربستان تشکیل، تذکر رفته که نمایانگر برتری و جهان بینی اسلام را در نظام سیاسی از شاخص های مکتب اسلام است هدف اصلی بعثت پیامبران هدایت مردم به سوی توحید و غایت اصلی نهضت آنان بر کندن ریشه های شرک از قلوب و نفوس بشری و نفی پرستش اشیا و اجسام بی جان بوده و کار عمده آنان عبارت از آنست که جامعه انسانی را به جانب ایمان به خداوند<sup>(ج)</sup> و روز رستاخیز و نیکوکاری دعوت نمایند و از عقوبت و عذاب بترسانند بسیاری از پیامبران با مقام نبوت حکومت هم کرده اند و هر دو مقام را خداوند<sup>(ج)</sup> برای آنها داده است و خداوند<sup>(ج)</sup> هر پیامبری که مقام حکومت داده است مطالعات تاریخی سیر اجمالی سر گذشت اقوام و امت های اولیه و آیات قرآن گویای این حقیقت است.

#### نتیجه

حکومت های دینی بر مبنای معیارهای شریعت استوار است و حکومت اسلامی آن نیست که حیاتی معین بدان قیام کنند بلکه هر حکومتی که شریعت اسلامی در آن اجرا شود حکومت دینی است که در این حکومت مشاوره بین فرمانروایان و مردم صورت می گردد چنانچه خداوند<sup>(ج)</sup> بزرگ فرمود «امرهم شوری بینهم» (شوری/ ۳۸) یعنی (با آنان در کارها مشورت کن) بنابراین مشورت اصلی از اصول حکومت اسلامی است بنابراین تطبیق این حکم بدست اوضاع و مقتضیات زمان است پیغمبر<sup>(ص)</sup> در اموری که در باره آن وحی نرسیده بود با مسلمانان مشورت میکرد و فکر آنان را در آنچه

از شئون دنیای ایشان بدان آگاهی داشتند چون مراکز و اصول جنگی می پذیرفت چنانچه در جنگ بدر و پس از آنکه دورتر از آب بدر بود بر سر آب فرود آمد در حفر خندق رای آنان را شنید و به کار بست و در باره اسرا گفته آنان را شنید تا وحی آمد و تغییر عقیده داد آنچه وحی وارد شده بود مشورتی نمی فرمود و جای مشورت هم نبود زیرا آن جزء مقررات و دستوری های دینی می شد و البته این مخصوص پیامبر<sup>(ص)</sup> بود.

بعد از حضرت پیامبر<sup>(ص)</sup> رای مشورت در بین خلفای راشدین مطابق ارشادات قرآن عملی میشد و در امور مهم حکومت با بزرگان صحابه مشورت می کردند. بر این اساس، مبانی حکومت دینی از نظر قرآنکریم یکی از بی بدیل نظام حکومت هایی است که بر اساس قوانین قرآن پی ریزی گردیده مشروعیت نسبت به دیگر نظام های جهانی دارد در نظام دینی اسلامی تمام ارزش ها مسائل حقوق، عدالت اجتماعی، اخلاق، ایمان و تقوا از منظر قرآن توضیح گردیده و در مقایسه با دیگر نظام های غیر دینی نظام دینی اسلامی در اولویت قرار دارد و حکومت دینی از حکومت غیر دینی قابل تفکیک است زیرا قوانین الهی مطابق ارشادات قرآن مجید ابدی فنا ناپذیر بوده اما قوانینی که توسط انسان وضع می گردد به مرور زمان مشمول فنا و زوال می باشد.

#### منابع:

- ۱- الخالدی محمود عبدالمجید نظام حکومت در اسلام نشرات پوهنتون کابل صفحه ۱-۲۵.
- ۲- تعدادی پژوهشگران - دین و سیاست ص ۵۸-۱۰۰ نشر ایران سال ۱۳۷۹.
- ۳- قطب - سید عدالت اجتماعی اسلام ص ۱۶۰-۱۶۱ سال نشر ایران.
- ۴- فیرحی داود نظام سیاسی و دولت در ایران ص ۲۱ چاپ ایران سال ۱۳۸۹.



علی رحم حسنی

محصل سال چهارم دانشکده

علوم سیاسی

#### مقدمه

اسلام دینی است اجتماعی و احکام فردی آن نیز آهنگ اجتماعی دارد و از آن ها در جهت اصلاح و تقویت روابط اجتماعی و اجرای اهداف مقدس جامعه بهره می گیرد.

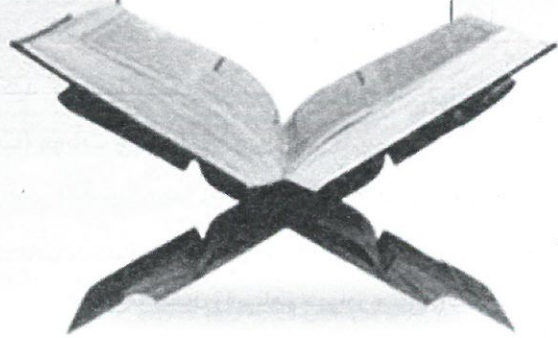
اسلام میان عبادات فردی و اجتماعی پیوند برقرار کرده است مثلاً: نماز، که اعلام نیاز و وابستگی به پروردگار یگانه است، هر چند در آغاز به صورت فردی تشریح گردید، ولی در مراحل بعدی، بعد اجتماعی به صورت اکید از مسلمانان خواسته شد یا روزه که عبادتی به غایت فردی و خالی از نمود خارجی است، با عید های عمومی و نماز های عید، بعدی اجتماعی یافته است هدف اسلام، تنها ساختن (فرد دین دار نیست) بلکه ساختن جامعه دین دار نیز هست، جامعه ای که روابط اجتماعی آن بر اساس اهداف و احکام دین سامان گیرد، جامعه ای ارزشمند که در آن سعادت فرد با سعادت جامعه پیوند خورده و میان مسئولیت های اجتماعی و ایمان اسلامی ارتباط قوی و غیر قابل انفکاک بوجود آمده باشد در این مقاله، جامعه مطلوب اسلامی به صورت ساده و منسجم مورد بررسی قرار گرفته و راه حل هایی برای حل معضلات اجتماعی ارایه گردیده است.

#### ۱- جامعه مطلوب و ویژگی های آن از

##### منظر قرآن

جامعه مطلوب از آرزو های دیرین بشر است، جامعه ای سرشار از عدالت، آرامش، صفا و صمیمیت که کرامت انسان در آن تامین شود و

## نیازهای زمان و جامعه مطلوب از دیدگاه قرآن و حدیث



#### چکیده

نوشتار حاضر، عدالت، مودت، امنیت، احسان و حق مداری را از نیازهای مهم جامعه از منظر قرآن دانسته است. بر این اساس، تعلیم و تربیت، تقویت نهاد خانواده، تعاون، تحریم عوامل فساد، نظارت همگانی و زمام داری شایسته از راهکار های دینی برای رسیدن به جامعه مطلوب مورد تاکید قرار داده است.

زیرا معتقد است که پیشرفت تنها در سایه قرآن امکان پذیر است. نه تنها مسلمانان که غربی ها نیز بر این حقیقت اذعان نموده اند.

**واژه های کلیدی:** قرآن، جامعه مطلوب، نیازهای زمان.

همه اعضایش در مسیر رشد مادی و معنوی به دور از خطا و لغزش گام بردارند اندیشه جامعه آرمانی همواره ذهن متفکران و مصلحان را به خود مشغول داشته هریک به فراخور آگاهی و سلیقه خویش ویژگی های برای آن بر شمرده اند. در ذیل ، برخی از شاخص های جامعه مطلوب از منظری قرآن و سنت مورد بررسی اجمالی قرار گرفته است.

رهنمود های قرآن کریم در بیان ویژگی های جامعه آرمانی اسلام اهداف همچون عدالت، مودت و همدلی ، آرامش و امنیت ، احسان و نیکی به هم نوع و خدا محوری را نمایان می سازد.

**الف) عدالت**

عدالت از شاخصه هایی است که در مباحث گوناگون هم چون سیاست ، اقتصاد ، اجتماع و حقوق مطرح می شود. عدالت از یک سو به عنوان فلسفه تشکیل حکومت دینی مورد توجه قرار می گیرد و از سوی دیگر ، شاخصه ی توزیع بهره برداری مردم از نعمت ها و امکانات ، و مبنای قانون گذاری و شاخص ارتباط و تعامل مردم با یکدیگر می باشد.

از دیدگاه اسلام ، نظام تکوین بر پایه قسط و عدل استوار بوده و نظام تشریح نیز عادلانه است یکی از اهداف بعثت پیامبران (ص) و فرو فرستادن کتاب های آسمانی ، بر قراری روابط اجتماعی عادلانه است : همانا ما پیامبران خود را با معجزات روشنگر فرستادیم و با آنان کتاب (شریعت) و میزان (ترازوی عدل) نازل کردیم تا مردم به راستی عدالت گریند. (حدید / ۲۵)

در جامعه آرمانی، روابط اجتماعی بر پایه عدل استوار است از جمله مواردی که عدل در آن مورد تاکید قرار گرفته است عبارت از :

۱. ثبت قرار داد ها : و باید میان شما نویسنده به دادگری معامله را بنویسد. (بقره / ۲۸۲)

۲. دادوستد ها: کیل و وزنها را از روی عدل و قسط به طوری کامل انجام بدهید و اداء کنید. (انعام / ۱۳۵)  
۳. اصلاح میان دو گروه: پس میان آن گروه را با عدالت صلح دهید. (حجرات / ۹)  
۴. داوری میان مردم: و چون میان مردم حاکم و داور شدید به عدالت داوری کنید. (نساء / ۵۸)  
۵. رفتار با غیر مؤمنان: بلکه با آنها (با غیر مؤمنان که با شما دشمنی نکرده است) به عدالت رفتار کنید. (ممتحنه / ۸)

۶. رفتار با دشمنان: و عداوت گروهی نباید شمارا بر آن دارد که از راه عدل بیرون روید، عدالت کنید که با تقوا نزدیک تر است. (مائده / ۸)

**ب) مودت و همدلی**

یکی دیگر از ویژگی های جامعه شایسته ایمانی ، مودت ، برادری و رحمت است و بر همین اساس قرآن همه مؤمنان را باهم برادر می داند پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید : (مؤمنان در آفرینش و رحمت و عطفوت شان به مانند یک پیکراند که چون یکی زجر و ناراحتی پیدا کند دیگر آن نیز همچون او در زجر و ناراحتی باشند. خداوند دشمنی میان مردم را از برجسته ترین ویژگی های جامعه جاهلیت پیش از اسلام خوانده و الفت و برادری را ارمان پیامبر (ص) و دین اسلام می داند.

امام صادق (ع) در این باره می فرماید: آن گاه که دو مؤمن باهم ملاقات کردند، از میان آن دو آن کس که برادر ایمانی اش را شدید تر دوست می دارد ارزشمند تر است.

**ج) آرامش و امنیت**

یکی از نیازهای فطری انسان برخورداری از امنیت و آرامش است برخورداری از آرامش و امنیت الفبای جامعه آرمانی اسلام است که خداوند به آن وعده داده است: خداوند (ج) به آنان که از میان شما ایمان آورده و عمل صالح



انجام دهند وعده داده است که آنان در زمین خلافت (جانشین خود) دهد همان گونه که کسان را پیش از آنان بودند به خلافت زمین رسانید و دین آنان را که برای شان پسندیده است به همه ادیان چیره بگرداند. (نور/۵۵)

اسلام امنیت را در گستره فراتر از آسودگی خاطر از هجوم دشمنان خارجی و داخلی مورد توجه قرار می دهد و بر لزوم تحقق آن در حریم خصوصی زندگی مردم نیز تاکید می کند از این رو مواردی همچون سوءظن، تجسس، غیبت، تهمت و... را که حریم زندگی خصوصی مردم را با خطر روبه رو می سازد حرام کرده است.

#### د) احسان و نیکی به همنوع

در تفکر اسلامی همه مردم بندگان خداوند است و برترین آنها کسی است که بیش از همه به دیگران احسان کند پیامبر اکرم (ص) می فرماید: (مردم نان خور خداوند است پس محبوب ترین مردم نزد خدای عزیز و بلند مرتبه کسی است که به نان خوران خدا سود رساند. برای رسیدن به جامعه مطلوب افزون بر عدالت، احسان نیز لازم است عدالت حقوق مردم را تامین می کند و ریشه های تعدی و خصومت را از بین می برد و احسان دل های آنان را به هم نزدیک می سازد. قرآن کریم در کنار سفارش به عدالت، به احسان و نیکی به همنوع نیز توصیه نموده است: در راه خدا انفاق کنید و خود را با دستان خود به هلاکت نیفگنید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می دارد. (بقره/۱۹۵)

#### ه) حق محوری (خدا محوری)

آنچه گذشت اهداف متوسط جامعه مطلوب اسلامی است که می توان آنرا مقدمه ی اهداف والاتر به شمار آورد هدف نهایی پیراسته از شرک است که خداوند در عبارتی به صورت انحصار چنین بیان داشته است: جن و انس را جز برای

عبادت کردن خودم نیافریدم. (ذاریات/۵۶)  
به عبارت دیگر اهداف همچون مودت، عدالت، احسان و امنیت مقدمه خدا محوری و عبادت خالصانه خدا است و گرنه جامعه برخوردار از نعمت های مادی و تهی از شکر و ذکر خدا نامطلوب و سزاوار عذاب الهی است.

#### ۲- اصول و راهکار های فقهی و علمی برای رسیدن به جامعه مطلوب

پس از آشنایی اجمالی با اهداف و ویژگی های جامعه مطلوب اسلام، اکنون این پرسش مطرح می شود که اسلام چه اصول و روش هایی را برای رسیدن به جامعه مطلوب ارائه می دهد؟ در ذیل به برخی از اصول و راهکار هایی که در قرآن و سنت آمده اشاره می شود.

#### الف) آموزش و تعلیم و تربیه

اسلام تعلیم و تزکیه را در صدر برنامه های خود قرار داده است به گونه ای که همان آغاز نزولی وحی، آنرا از وظایف اصلی و حتمی پیامبر (ص) به حساب آورد: (او خدایی است که در میان مردم امی و بی سواد پیامبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت تا بر آنان آیات خدا را تلاوت کند او مردم را پاک و تزکیه می کند و کتاب (شریعت) و حکمت الهی را بر آنان یاد میدهد هر چند پیش از این در جهالت و گمراهی آشکار بودند. (جمعه/۲)

مولا علی (ع) یکی از حقوق مردم بر زمامدار را آموزش تعلیم و تربیه آنان می شمارد: (و اما حقی که شما بر من دارید آن است که شما را آموزش دهم تا نادان نمائید و در اصلاح رفتار تان بکوشم تا جاهلانه عمل نکنید.

بنابراین تعلیم و تربیه در سر نوشت جامعه نقش اساسی دارد؛ زیرا بدون افراد صالح و سالم جامعه صالح و شایسته پدید نمی آید و مردم در صورت راه اصلاح می پیمایند که علاوه بر داشتن زمینه

فردی درست در درون خود، زمینه های خوشایند و جذاب را در جامعه ببینند. پس افزون بر طرح و برنامه ساختن افراد شایسته از راه کارهای ضروری رسیدن به جامعه مطلوب است.

### ب) تقویت بنیان خانواده

از آنجایی که خانواده می تواند نقطه آغازین هر صلاح یا فساد باشد و اجتماع از ترکیب خانواده پدید می آید اسلام نیز بیشترین توجه خود را به خانواده معطوف داشته است. پیامبر اکرم (ص) در این باره می فرماید: در اسلام هیچ بنایی نزد خدا محبوب تر از تشکیل خانواده نیست.

### ج) تعاون و همکاری گروهی

برای تحقق جامعه مطلوب در اسلام، تعاون و همکاری گروهی بعنوان یکی از اصول و راه کارها مطرح می شود: خداوند (ج) در قرآن می فرماید: بر نیکی و پرهیزکاری یکدیگر را یاری کنید و با همدیگر همکاری کنید. (مائده/ ۲)

### د) تحریم عوامل فساد جامعه

از دیگر کارهای اسلام برای حفظ سلامت جامعه و اعتماد متقابل مردم به یکدیگر تحریم اعمالی است که سلامت جامعه را به خطر می افکند. اسلام از یک سو اعمالی همچون دروغ، غیبت، تهمت، قمار، سرقت و مقدر کردن کیفر برای برخی از آن ها حد و مرزی برای رفتارهای اجتماعی قرار داده و از سوی دیگر افشای گناهیانی را که سبب دریده شدن پرده عفت عمومی می شود جرم دانسته است.

### ه) نظارت و مسئولیت همگانی

امر به معروف و نهی از منکر اصل مهمی است که اجرای قوانین فردی و اجتماعی و سلامتی جامعه را ضمانت میکند. در دیدگاه اسلام هر فرد همان گونه که مسئول اعمال خویش است، در برابر سلامت جامعه نیز مسئول شناخته می شود. قرآن در توصیف جامعه ایمانی می فرماید: زنان و مردان

مؤمن، برخی از آنان ولی و سرپرست برخی هستند، به معروف و نیکی و می دارند و از زشتی باز می دارند. (توبه/ ۷۱)

پیامبر گرامی (ص) می فرماید: همه شما در برابر یکدیگر هم چون چوپانی هستید که نسبت به رعیت خود مسئول است.

### و) زمام داری جامعه مطلوب

دین اسلام تنها به بیان پیام ها، هدف ها و قانون های خویش اکتفا نکرده بلکه برای اجرای قوانین و تحقق اهدافش در نظام خلافت، امامت و ولایت را بنیان نهاده است. پیشوایان دین و امامان معصوم (ع) خلافت، امامت و ولایت را پایه اسلام بالنده معرفی کرده اند. امام رضا (ع) می فرماید: امامت پایه اسلام نامی و بالنده است.

در پایان این بحث ها نظری مختصر روی دو نکته پیشرفت در سایه قرآن و اعتراف دانشمندان غیر مسلمان درباره این کتاب مقدس اشاره می شود.

### ۱. پیشرفت در سایه ی قرآن:

آنچه مورد توجه است اینجا است که تمام موفقیت تکاملی مسلمین در عصری بود که تنها دستورات اسلام و تعالیم عالییه ی قرآن در کشور های اسلامی اجراء می گردید و از قانون دیگر در سراسری ممالک مسلمین خبری نبود اهمیت که کشور های اسلامی و مسلمین (به پیروان از قرآن) برای دانش و دانشمندان قائل بودند. تا آن جا بود که توانستند در مدت کوتاه دانشمندان پر ارزشی را در علوم مختلف تحویل جهان انسانیت بدهند که به طور نمونه دانشمندان آن روز از این قرار است.

در طب و دواسازی و جراحی شخصیت هایی مانند محمد زکریا رازی، ابو علی سینا، علی بن عباس، ابو مروان، ابن رشتد اندلسی؛ در شیمی و فزیک شخصیت هایی مانند جابر بن حیان، محمد زکریا رازی، ابن هیثم و الخازن، در حیوان شناسی



شخصیتی مانند قزوینی، در ریاضیات شخصیت هایی مانند ابو نصر فارابی، خواجه نصیر طوسی، ابو ریحان البیرونی، در علم هیئت و ستاره شناسی شخصیت هایی مانند محمد بن جابر بتانی، فرغانی، خواجه نصیر الدین طوسی، در علم جغرافیا شخصیت هایی مانند ابن بطوطه، ابن حوقل، ابوالحسن، الفوارس، ابن صعود، در علوم اجتماعی و اقتصادی و سیاسی شخصیت های مانند فارابی، ابن خلدون و ابن جابث قرار دارند. جالب توجه این جاست که بوجود آوردن این گونه شخصیت های علمی در عصری بود که در کشورهای مغرب زمین دانشمندان (به جرم داشتن افکار و عقاید علمی) زنده در آتش سوزانده می شدند.

## ۲. اعجاز قرآن از دیدگاه اندیشمندان

### غیر مسلمان

**الف) سومار:** قرآن علاوه بر این که یکی از لطیف ترین کتب ادبی است مکمل قوانین اخلاقی، کشوری، لشکری، و اجتماعی است.  
**ب) کار لایل:** (مورخ و اندیشمند معروف انگلیسی)

اگر یک بار به این کتاب مقدس نظر افکنیم حقایق برجسته و خصایص اسرار وجود طوری در مضامین و جوهره آن پرورش یافته که عظمت و حقیقت قرآن به خوبی از آن ها نمایان می گردد و این خود مزیت بزرگی است که فقط به قرآن اختصاص یافته است و در هیچ کتاب علمی، سیاسی، و اقتصادی دیگر دیده نمی شود.

**ج) گوته (فیلسوف و شاعر بزرگ آلمانی):** قرآن اثری است که احیاناً به واسطه سنگینی عبارات خواننده در ابتداء رمیده می شود و سپس مفتون جاذبه آن می گردد و بالاخره بی اختیار شیفته زیبایی های متعدد آن میشود.  
**د) سنایش:** بی گمان قرآن همان قانون کامل و

همگانی است که باطل نه از رویه رو، و نه از پشت سر به هیچ وجه نمی تواند در آن راه یابد این کتاب شایسته و بایسته هر زمان و مکان است. اگر مسلمان ها چنان چه سزاوار است به آن متمسک شوند و به تعالیم و احکامش عمل کنند آقای عموم اقوام و ملل خواهند شد هم چنان که در گذشته بودند.

**ه) راکستون اسکاتلندی:** سالیان دراز در جستجوی حقیقت بودند تا اینکه حقیقت را در اسلام یافتند پس قرآن عظیم را دیدند و شروع به مطالعه آن نمودند که تمام سوالات بشر را این کتاب جواب گفته است.

**نتیجه:** ظهور جامعه مطلوب با اهداف مذکور از دیدگاه قرآن و حدیث سعادت عمومی و صلح جهانی ترقی پیشرفت، خیر و برکت را برای همگان به ارمغان آورد در بینش اسلامی چنین نویدی داده شده است قرآن کریم بشارت داده است که دین حقی که خاتم پیامبران (ص) واسطه ابلاغ آن است روزی فراگیر خواهد شد و نیز به خوبی اثبات می گردد که نه تنها عقب ماندگی امروز کشورهای اسلامی را هیچ گاه نمی توان به حساب اسلام گذاشت بلکه اگر قوانین اسلام و قرآن اجراء گردد به خوبی می تواند عقب افتاده ترین ملت ها را از نظر قدرت اقتصاد و علم به اوج عظمت و کمال برساند.

### منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- علامه مجلسی بحار الانوار ج ۷۴، ص ۲۷۴
- ۳- محمد بن یعقوب کلینی اصول کافی، ج ۲،
- ۴- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۳۴، ص
- ۵- محمد باقر مجلسی پیشین، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲
- ۶- اصول کافی ج ۳ ص ۲۹
- ۷- سید عبدالکریم هاشمی نژاد مسایل عصر ما
- ۸- محمد عرفانی مهر آیین ص ۶۱



# رابطه دین و سیاست از نگاه قرآن

محمد نسیم باهنر



محصل سال چهارم

دانشکده

علوم سیاسی



است و نمی تواند به نیازهای متغیر انسان پاسخگو باشد از این رو دخالت دین در سیاست که باید مطابق شرایط زمان و براساس نیازمندی های بشر شکل گیرد را نفی میکند در حالی که طیفی دیگر از دانشمندان را باور بر آن است که سیاست ابزار مناسب در خدمت دین است و سیاست باید با محوریت دین تبلور یابد، بنابراین در این مقاله تلاش بر این است که رابطه دین و سیاست از نگاه قرآن به بحث و بررسی گرفته شود، اما قبل از آن غرض روشنی بیشتر بحث به تعریف واژگان دین، سیاست و قرآن پرداخته میشود.

## محوراول مفاهیم

۱. مفهوم دین: هرچند در این مورد دیدگاه ها و نظریات متفاوت و متمایز مطرح گردیده است، مکاتب مختلف جهان بشریت هر کدام آراء و نظریات خاص خودشان را پیرامون چیستی دین ابراز نموده اند که در اینجا صرف به دیدگاه جامع مکتب اسلام در مورد دین اکتفا میشود.

دین واژه یی است عربی که در لغت به معنای ملت، اطاعت،

## چکیده

از مباحث جدی عصر حاضر دو امر مهم دین و سیاست است که در این مورد دو دیدگاه کلی و متضاد مطرح است؛ دیدگاه تفکیک بین دین و سیاست و دیدگاه تلفیق بین دین و سیاست که در این مقاله با توجه به آیات گهر بار قرآن کریم مباحث خلیفه الهی انسان در زمین، تغییر سرنوشت، شوری و مشورت، ولایت سیاسی رسول الله و سرانجام نظریات دانشمندان همچون فارابی، غزالی، شهید مطهری آیت الله محسنی در این خصوص مورد بحث و بررسی قرار گرفته که بیانگر پیوند وثیق دین و سیاست با محوریت دین است.

**واژه های کلیدی:** دین، سیاست، قرآن. سکولاریزم

## مقدمه

از آنجاییکه انسان موجود اجتماعی است و اجتماعی بودن انسان نیازمند قواعد و مقررات و مقررات نیازمند مجری غرض تطبیق قواعد و مقررات نیازمند پالیسی، ازاینرو میتوان گفت که سیاست بحث مهم جوامع انسانی با قدمت تاریخی است آنطور که دین سابقه طولانی تاریخی دارد، براین اساس بحث دین و سیاست و چگونگی ارتباط آن همواره در جوامع دینی به ویژه در فضای آکادمیک مطرح بوده و دانشمندان اعم از مسلمان و غیر مسلمان آراء و نظرات متفاوت را پیرامون دین و سیاست مطرح ساخته اند؛ گروهی قائل بر جدایی دین از سیاست هستند و باور دارند که دین یک امر ایستا و متوقف



جزء، پاداش و حساب آمده است و اصطلاحاً به معنای اعتقاد به آفریننده جهان و انسان و دستورات عملی متناسب با این عقاید باشد. به عبارت بهتر، دین مجموعه آموزه های است که به سوالات بنیادین بشر بتواند پاسخ بگوید. سوالاتی مانند این که از کجا آمده ایم؟ برای چه آمده ایم؟ سر انجام به کجا میرویم؟

### به گفته مولانا

ز کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود؟

بکجا میروم آخر نمایی وطنم

من به خود نامده ام اینجا که به خود باز روم

آنکه آورده مرا خواهد برد در وطنم

۲. **تعریف سیاست**: پدیده سیاست سابقه طولانی دارد. از گذشته های دور بدین سو دانشمندان علوم سیاسی تعاریف مختلف را در این مورد مطرح بحث نموده اند که در اینجا به چند مورد اشاره میگردد:

دانشواژه سیاست برگرفته شده از (Politics) واژه یونانی پولیس (Polis = شهر) است. بنابراین اگر واژه پولیس را از زبان یونان باستان جدا کنیم دانش واژه شهر-دولت بی معنی خواهد شد در واقع سیاست در معنای یونانی علم حکومت بر شهر بود- و علم سیاست به تحلیل و بررسی جنبه های سیاسی پدیده های اجتماعی نظر دارد. تحلیل سیاسی به انسان کمک میکند تا جهانی را که در آن زندگی می کند بهتر بشناسد و از میان شقوق گوناگون پیش روی خویش بهترین را انتخاب کند و بالاخره موفق شود به تغییرات کوچک و بزرگ که هر کدام یکی از جنبه های لاینفک زندگی می باشد تاثیرات بیشتر ببخشد، مرکز ثقل تحلیل و بررسی علم سیاست و دولت Sate است. نظر عده دیگر آن است که علم سیاست با حکومت Government سرو کار دارد. گروه سوم تلفیقی از این دو نظر را می پذیرند مانند پل ژانت متفکر و محقق فرانسوی. وی میگوید که علم سیاست آن بخش از علوم اجتماعی است که درباره بنیاد های دولت و اصول حکومت بحث و بررسی میکند.

۳. **تعریف قرآن**: قرآن کتاب آسمانی و معجزه آخرین فرستاده خداوند بزرگ حضرت محمد مصطفی (ص) و قانون اساسی مسلمانان جهان است که در پرتو آن می توان به سعادت

دنیوی و اخروی دست یافت.

### محور دوم رابطه دین و سیاست

#### الف) سکولاریزم و تفکیک دین از سیاست

اربابان کلیسا در قرون وسطی بر تمام شئون سیاسی و اجتماعی مردم اروپا مسلط شدند و پاپ ها با قدرت تمام بر این قاره حکومت میکردند البته تحت عنوان دین، حکومتی که در نهایت منجر به استبداد و خود کامگی شد تا آنجا که در برابر نهضت های علمی پیا خواستند و هر فکر نو و پیشرفت علمی را به عنوان ضدیت با مذهب درهم کوبیدند محکمه های تفتیش عقاید پیا کردند و گروه های بی شمار را به این محکمه ها کشاندند و محکوم کردند بعضی ها را سربریدند و بعضی دیگر را زنده در آتش سوزاندند یا محکوم به زندان نمودند، ثروت های سرشاری اندوخته و زندگی تجملاتی عجیب برای خود فراهم ساختند خاطره دردناک که کشورهای اروپایی قرون وسطی از حکومت اربابان کلیسا دارند سبب شد که برای همیشه دین را از سیاست جدا کنند؛ ظلم و سیاست پاپ ها مردم را بر ضد آن شورانید و بخصوص اندیشمندان و متفکران علوم طبیعی در برابر حکومت کلیسا سخت موضع گرفتند و شعار جدایی دین از سیاست سردادند و با پیروزی این جناح کلیسا و حاکمان اش از صحنه ی اجتماع و حکومت عقب رانده شدند عمده ترین دلیل که سکولارها بر جدایی دین از سیاست مطرح ساخته اند این است که دین ثابت است و نیاز های انسان تغییر پذیر پس دین نمی تواند نیازمندی های انسان را پاسخگو باشد بنابراین آنان معتقدند به جدایی دین از سیاست و می گویند که دین نباید با سیاست تداخل پیدا کند. آنطوریکه گفته شد استبداد اربابان کلیسا به سرحد رسید که زندگی را برای شهروندان اروپا تنگ ساخته بود و این خود کامگی و گستاخی بدون قید و شرط اربابان کلیسا موجب شد تا طیف وسیع از مردم اروپا و در راس آن نخبگان و روشنفکران غرض جلوگیری و اصلاح طلبی برای رسیدن به وضعیت مطلوب بر علیه وضع موجود پیا مقاومت

ایستادند که سرانجام با به راه اندازی حکومت کلیسا نشینان منجر شد و این خود زمینه ساز قرائت های مختلف از دین و سیاست شد و اروپاییان را به این پرسش ها مواجه ساخت که سیاست و دین چه ارتباط دارد؟ آیا دین در حیات اجتماعی نقش سازنده دارد یا سیاست؟ چون مردم اروپا از خود باوری های کاذب اربابان کلیسا به تنگ آمده بودند با قضاوت هایی عقده ی بران شدند تا میان دین و سیاست تفکیک قائل شوند و اینگونه داوری نمایند که دین در حوزه ی فردی قابل اعمال است و سیاست در حوزه اجتماعی، و دین نمیتواند پاسخگوی نیازمندی های اجتماعی باشد که این قضاوت بیانگر عقده های فروخورده ی شان است که سال های متمادی از ناحیه ی اربابان کلیسا متحمل شده بودند.

**ب) چگونگی ارتباط دین و سیاست از نظر قرآن:**

**۱. بحث خلیفه الهی:** با توجه به تعریف که از دین صورت گرفت خداوند دانا در خلقت موجودی بنام انسان اهداف فراوان دارد از جمله بحث خلیفه الهی است که خداوند بزرگ میفرماید: اذقال ربك للملائكة انی جاعل فی الارض خلیفه (بقره/۳۰) ترجمه: بیاد آر هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت همانا من در روی زمین جایشنی قرار می دهم؛ و یا آیه ای دیگر که می فرماید: وهوالذی جعل کم خلائف فی الارض (انعام/۱۶۵)؛ ترجمه: او کسی است که شمارا جانشین خود در زمین قرار داد. با استفاده از این آیات میتوان گفت که خلیفه الهی وجانشینی خداوند در روی زمین نیازمند چارچوب و نظام مبتنی بر قواعد و اصول مشخص غرض تطبیق قوانین الهی در جوامع انسانی است.

**۲. تغییر سرنوشت:** یکی از بحث های مهم دیگری که در قرآن آمده است بحث تغییر سرنوشت انسان است چنانچه میفرماید: ان الله لایغیرو ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم خدا آن ملت را سروری داد که تقدیرش بدست خویش بنوشت به آن ملت سروکاری ندارد که دهقانش برای دیگران کشت

خداوند سرنوشت هیچ ملت را تغییر نمی دهد مگر زمانی که اندیشه و باورشان تغییر کند که این تغییرات خود در گرو آگاهی است و آگاهی نیازمند تبلیغ دینی در پرتو آیات و روایات و روشنی بخشیدن اذهان عامه مردم است و این ممکن نیست مگر زمانی که ساختار منظم و تشکیلات منسجم وجود داشته باشد که خود نیازمند ارتباطات قوی و دیپلماسی علمی است.

**۳- شوری و مشورت:** آیات که در مورد حکومت و سیاست دلالت دارد و امر هم شوری بینهم (شوری/۳۸)؛ یا درایه دیگر و شاورهم فی الامر (ال عمران/۱۵۹) ترجمه: اگر تنها زعامت و رهبری دینی باشد دعوت به مشورت و نظر سنجی در امور دینی و ابلاغ رسالت معنی ندارد پس (الامر) در این دو آیه اشاره به تصمیم و تدبیر سیاسی است اصحاب رسول الله نیز علاوه بر شان پیامبری ولایت سیاسی را برای او قائل بودند از این رو است که بعد از وفات پیامبر ولایت او که از آن به (الامر) تعبیر میکردند قابل نیابت و تصدی میدانستند- اگر زعامت او صرفاً منصب الهی و دینی بود دیگر قابل نیابت و منازعه برای تصدی نبود.

**۴. ولایت سیاسی:** و همین قسم آیات فراوان که ولایت سیاسی رسول الله را تثبیت میکند و از مومنان میخواهد که اوامر و فرامین او را اطاعت نمایند. انما ولیکم الله ورسوله والذین امنوا الذین یقیمون الصلوة و یوتون الزکوة وهم راکعون (مائده/۵۵)

**ج) پیوند دین و سیاست از نظر دانشمندان اسلامی**  
از آنجاییکه دین و سیاست دو امر مهم در زندگی انسان تلقی شده است دانشمندان اسلامی نیز پیرامون آن ابراز نظر نموده اند که در اینجا بگونه ای فشرده به آن اشاره می گردد:

**۱. فارابی:** یکی از دانشمندان مطرح و برجسته ای جهان اسلام فارابی است او ضمن تعریف امت فاضله و مدینه به تعریف سیاست فاضله پرداخته است:  
سیاست فاضله- سیاستی است که سیاست مدار را به بالاترین و بیش ترین فضایل رسانده و آحاد مردم را به والاترین ارزش و کمالات در زندگی این جهان و جهان پس از آن



نایل می گرداند؛ درپرتو این سیاست مردم در بهترین شرایط مادی قرار می گیرند و از نظر شرایط روحی و معنوی به سرحد عالی ترین مراحل کمال که سعادت جاویدانه و اخروی است می رسند با چنین سیاستی پاک ترین و گوارا ترین نوع زندگی انسانی در جامعه عینیت می یابد. بنابراین فارابی شریعت و سیاست را دو روی یک حقیقت می شمارد که شریعت از وحی حکایت میکند و سیاست در مدینه فاضله؛ خود عینی همان شریعت است.

۲- **غزالی**: نظام دین به معرفت و عبادت است؛ ولی این دو در گرو ادامه زندگی دنیوی؛ سلامت و امنیت جامعه است؛ لذا تا هنگامیکه آرامش و امنیت بر جان و مال و مسکن انسان حاکم نباشد دین سامان نمی پذیرد و انسان توفیق معرفت و عبادت نمی یابد پس روشن شد که نظام دنیا برای تامین این نیازها شرط نظام دین است.

۳- **مرتضی مطهری**: جمله کوتاه و پر محتوایی در این قسمت دارد: همستگی دین و سیاست به معنای وابستگی دین به سیاست نیست بلکه وابستگی سیاست به دین است.

انسان نه تنها جامع الکمالات نیست بلکه موجود ضعیف و ناقص العقل میباشد لذا نمی تواند تمام نیازمندی های دنیوی و معنوی خود را پاسخگو باشد به همین خاطر ما حضور پیامبران را در جوامع انسانی غرض هدایت، رهنمایی و تعلیم انسان برای دستیابی به سعادت شاهد بودیم که خود بیانگر این واقعیت است که دین مافوق سیاست انسانی است و سیاست باید برگرفته شده از دین و آموزه های دینی باشد نه دین برگرفته شده از سیاست، به همین دلیل است که سیاسیون باید همواره مطابق دستورات دینی عمل نموده و سیاست های پیامبرگونه را غرض برون رفت از مشکلات بکار گیرند و این یعنی وابستگی سیاست بدین یا به عبارت بهتر و روشن تر سیاست دینی و پیامبرگونه.

۴- **آیت الله محسنی**: بر همه مسلمانان واجب است که در اقامه و بوجود آوردن حکومت دینی به اندازه توان خود تلاش کنند و برداشتمندان، اندیشمندان و هوشمندان واجب است مقدمات پذیرش آنرا در بین مردم به وسیله منطق و عقلانیت در اذهان مسلمانان نهادینه نمایند تا جز فرهنگ

ثابت جامعه گردد.

### نتیجه گیری

آنچه از تحقیقات انجام شده بدست می آید این است که بین دین و سیاست ارتباط وثیق و محکم وجود دارد و سیاست بدون دین و دین بدون سیاست دین منهای دین است و دین به مثابه چراغ فراروی زمامداران امور است که سیاست شان را براساس آموزه ها و دستورات دین غرض رسیدن به سعادت اتخاذ باید کرد بدین مفهوم که سیاست با محوریت دین باشد نه اینکه دین ابزاری برای سیاست گزاری و سوء استفاده های دینی برای توجیه اعمال ناشایست حاکمان بلکه دین دستور دهنده است برای سیاست گذار غرض اعتلای کلمه الله و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی بشریت هر چند در بسیاری موارد ما شاهد سوء استفاده های دینی هستیم اما این گناه دین نیست بلکه گناه متولیان امور است که با نام دین به سرنوشت خلق الله بازی و تجارت می نمایند ورنه دین و سیاست ایدئولوژیک الگوی برای دولت مردان است تا در پرتو آن بدرجات رفیع انسانی نایل و با اتخاذ تصمیمات عقلانی برچالش های فراروی شان فایق آیند.

### منابع

۱. قرآن کریم
۲. محمدتقی؛ مصباح یزدی آیت اله، آموزش عقائد/چاپ و صحافی سپهر، نوبت چاپ ۶۳ تابستان ۹۲
۳. عبدالرحمن، عالم، بنیادهای علم سیاست، نشرنی، چاپ بیستم، تهران ۱۳۸۸ ص ۲۳-۲۴-۲۶
۴. فصل نامه قلم، سال پنجم، شماره ۲۴/۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۵ ص ۵۲/۴۶
۵. دین و دولت در اندیشه اسلامی، محمد، سروش، بوستان کتاب ص ۵۶/۴۷
۶. محمد اصف، آیت الله محسنی توضیح المسائل سیاسی، سنبله ۹۱ چاپخانه مسلکی افغان، فصل اول، ص ۱۵/

# اخلاق در سیاست

ضرورت یا ابزار  
حسین اخلاقی



محصل سال چهارم

علوم سیاسی

## چکیده

از دیر زمان، این سؤال مطرح شده است که آیا می توان اخلاق و سیاست را با هم سازگار ساخت و کاری کرد که آن کار، هم سودمند و هدف رس باشد و هم خوب و پسندیده باشد. عده ای مثل ماکیاولیستها می گفتند که برای رسیدن به هدف نباید از به کار گرفتن هر نوع وسیله ای پروا داشت، زیرا در عمل، همراه کردن خوب و سودمند، یا محال است و یا حداقل بسیار سخت است. عده ای هم می گفتند که اگر لازمه رسیدن به هدف، دست زدن به روش های خلاف وجدان و اخلاق و اسلوب های ناپسند و نارواست، باید از آن هدف ها چشم پوشید، زیرا عمل انسانی تنها در چارچوب قواعد اخلاقی مجاز است.

در این پژوهش برآنیم تا شناسایی رابطه بین اخلاق و سیاست و تأثیر آن که در سرنوشت سیاسی و سعادت‌مندی بشر نقش تعیین کننده دارد مورد بحث قرار دهیم و اهمیت اثبات فرضیه پژوهش در این است که ایجاد پیوند میان اخلاق و سیاست یا تحکیم آن، چه در حوزه نظر و چه در حوزه عمل، ضرورتی حیاتی برای نجات انسان و جامعه انسانی است و در متون اسلامی تأکید گردیده که رعایت موازین و اصول اخلاقی از جانب کارگزاران و زمامداران باعث عدل، قسط، رشد و کمال انسان ها می گردد و اگر سیاستمداران و حاکمان پایبند به اصول اخلاقی و الهی نباشند، باعث گسترش استکبار و ظلم و فساد و در نتیجه تباهی و سقوط انسانیت می گردند و هدف از انجام این پژوهش، ارتباط اخلاق و سیاست از دیدگاه اندیشمندان اسلامی و همچنین بیان نظام مند و دقیق نقش اخلاق در سیاست اسلام می باشد.

**واژه های کلیدی:** اخلاق، سیاست، ارتباط اخلاق و سیاست، حکومت اسلامی.

## مقدمه

بحث سیاست و ارتباط آن با اخلاق در حوزه علوم انسانی پیشینه بسی طولانی دارد؛ معمولاً در حوزه فلسفه سیاسی قابل بحث و کندوکاو است؛ بحث سیاست اخلاق مدار (Morality Policy) آنگونه که در برخی از اندیشه ها مورد توجه قرار گرفته است تشخیص چگونه سیاست کردن را بر مبنای اخلاق و خیر عمومی قرار داده است. در این نوع نگرش سیاست زمانی می تواند انسانی شود که حکمران خیر و صلاح عمومی را بر منافع شخصی، گروهی و عصبیت های دیگر ترجیح دهد. سؤال اصلی این پژوهش را این گونه می توان خلاصه نمود: آیا سیاست بدون اخلاق ممکن است؟ و آموزه های قرآنی در این زمینه چیست؟

بر حسب پرسش یاد شده، مدعا و مفروض نوشتار حاضر، این گونه سامان یافته است:

سیاست در تمام الگوهای خودش حتی در الگوی لیبرالیسم نوین بدون اخلاق نبوده است. نگاه تاریخی نسبت به این پرسمان نیز بر محوریت اثباتی این قضیه آمیزش تیوریک به خود گرفته و در همپایی با فلسفه سیاسی بوده است از عصر باستان و اندیشه های سقراط و افلاطون آغاز گردیده تا زمان نوی کانتیسم و حتی دیدگاه های اگزیستسیالیستی. در حوزه ی رهیافت های قرآنی نیز با توجه به مبانی حکومت دینی که از سرچشمه وحی سرشتگی یافته است بنیادی بودن ارزش های اخلاقی در سیاست به ویژه پرداختن به مسئله عدالت اساس مواضع دین اسلام را تشکیل می دهد.

برای پاسخ به پرسش و آزمون صدق روایی مدعای فوق مباحث اصلی مقاله حاضر در سه فصل اصلی تدوین شده است: ابتدا کلیات پژوهش و نگاه تاریخی نسبت به موضوع و سپس ارتباط اخلاق و سیاست از دیدگاه اسلام و در بخش سوم نیز به بیان رویکردهای برخی از اندیشمندان معاصر و کلاسیک نسبت به قضیه خواهیم پرداخت.

## محور اول: کلیات و مفاهیم

### ۱) اخلاق

علم اخلاق عبارت است از فنی که پیرامون ملکات انسانی بحث می‌کند، ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی است، به این غرض بحث میکند که فضائل آنها را از رذائلش جدا سازد و معلوم کند کدام یک از ملکات نفسانی انسان خوب و فضیلت و مایه کمال اوست، و کدامیک بد و رذیله و مایه نقص اوست، تا آدمی بعد از شناسائی، خود را با فضائل بیاراید، و از رذائل دور کند و در نتیجه اعمال نیکی که مقتضای فضائل درونی است، انجام دهد تا در اجتماع انسانی ستایش عموم و ثنای جمیل جامعه را بخود جلب نموده، سعادت علمی و عملی خود را به کمال برساند.

واژه «اخلاق» از نظر لغوی جمع «خلق» به معنای خوی، طبع، سنجیه و عادت است، اعم از اینکه آن سنجیه و عادت نیکو باشد یا زشت و بد.

در اصطلاح دانشمندان علم اخلاق و فیلسوفان تا به امروز برای اخلاق معانی متعددی ارائه شده است مثلاً برخی خلق و اخلاق را ملکه‌ای نفسانی (کیفیتی) که به سختی و کندی زایل می‌شود) دانسته‌اند که مقتضی صدور کارها از انسان بدون نیاز به فکر و اندیشه است، برخی نیز اخلاق را تنها بر فضایل اخلاقی اطلاق می‌کنند و آن را در مقابل ضد اخلاق به کار می‌برند و گاهی نیز به معنای نهاد اخلاقی زندگی به کار می‌رود. به هر حال معانی اصطلاحی متفاوتی برای اخلاق بیان شده است اما می‌توان اخلاق را در اصطلاح عالمان دین اسلام، اینگونه جمع‌بندی کرد که «اخلاق کیفیتی برای نفس آدمی است که رفتارهایی متناسب با آن از انسان بروز می‌کند یعنی اگر کیفیت نفس خوب باشد، کارهای خوب و اگر بد باشد کارهای بد صورت می‌گیرد؛ پس اخلاق به اخلاق

حسنه و خوب و اخلاق رذیله و بد تقسیم می‌گردد. این کیفیت نفسانی ممکن است به صورت غیر راسخ و یا به شکل ملکه در آید.

### ۲) سیاست

در معنای عام، هرگونه راهبرد و روش و مشی برای اداره هر امری از امور، چه شخصی چه اجتماعی، «سیاست» گفته می‌شود.

در معنای خاص، هر امری که مربوط به دولت و مدیریت و تعیین شکل و مقاصد و چگونگی فعالیت دولت باشد، از مقوله ی امور «سیاسی» است. بنابراین، هرگاه از «سیاست» به معنای خاص سخن می‌گوییم، همواره با دولت، یعنی سازمان قدرت در جامعه، که نگاهبان نظم موجود یا پیشبرنده آنست، سر و کار داریم. امور سیاسی شامل مسائل مربوط به ساخت دولت، ترتیب امور در کشور، رهبری طبقات، مسائل کشاکش بر سر قدرت سیاسی میان حزب‌ها و گروه‌های با نفوذ و غیره است. همچنین روابط میان دولت‌ها و ملت‌ها از این مقوله است (سیاست خارجی)، که مطالعه آنها موضوع «علم سیاست» است. مهمترین عنصری که در تحلیل امور سیاسی بکار می‌رود قدرت یا کاربست قدرت دولت در جهت هدف‌ها و خواست‌های گوناگون. اهمیت عنصر قدرت در ساخت دولت تا بدانجاست که ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی، دولت را دستگاهی تعریف می‌کند که «حق مشروع و انحصاری» کاربرد قدرت را در قلمرو معین دارد.

### ۳) ارتباط اخلاق و سیاست

بدون تردید، همه علوم انسانی - که به نحوی با انسان و وابستگی‌های او در تماس اند - به خاطر اشتراک در موضوع (انسان و عوارض او) کم و بیش با هم در ارتباطند. متخصصان علوم سیاسی نیز معتقدند که سیاست، ارتباط نزدیکی با علوم مختلف از جمله، علوم طبیعی، اجتماعی، تاریخ، جغرافیا، اقتصاد، اخلاق و ... دارد.

متفکران سیاسی اروپای عهد باستان و سده‌های میانه، اخلاق را پیش‌درآمد جدایی‌ناپذیر مطالعات سیاسی می‌دانستند. افلاطون، سیاست را جزئی از اخلاقیات می‌دانست. از نظر ارسطو - که علم سیاست را ارباب علوم می‌

دانست - هدف دولت، عملی کردن زندگی خوب است. در سراسر سده های میانه، در اروپا، دین و الهیات بر مطالعه سیاست مسلط بود. پس از این دوره، همه متفکران مکتب ایده آلیستی نظریه جدید، مانند روسو، کانت و هگل، دولت رانهادی اخلاقی می دانستند که از رشد اخلاقی انسانها جدایی ناپذیر است. این نظریه با قرآن مجید هماهنگ است و خدا می خواهد، اخلاق نیکو همواره بر عالم سیاست و سیاستمداران، حاکم باشد. از این رو، نخستین شرط شایستگی رهبران منصوب از طرف خویش را (عصمت) دانسته و با صراحت، حکومت ستمگران را حرام می داند: (... قَالَ لَا يَنْالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ) خداوند فرمود: عهد من به ستمگران نمی رسد.

چنان که اهداف عالی حکومت صالحان را گسترش فضایل اخلاقی و انهدام رذایل دانسته، می فرماید همان کسان که اگر در زمین به آنان قدرت ببخشیم، نماز برپا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند که فرجام کارها از آن خداست.

نظریه شیطانی در برابر دیدگاه الهی - انسانی مزبور، شیطان و پیروانش در صدد انهدام بنیادهای اخلاقی و طرد فضایل اخلاقی از جامعه هستند که از آن به (نظریه شیطانی) تعبیر می کنیم، در قرآن مجید می خوانیم:

هر کس از گام های شیطان پیروی کند، او به فحشا و زشتی فرمان می دهد. دشمنان درون مرزی اسلام - منافقان - از چنین سیاستی پیروی می کنند مردان و زنان منافق، همه از یک گروهند؛ به زشتی ها فرمان می دهند و از خوبی ها منع می کنند.

### محور دوم: اخلاق و سیاست در اسلام

آغاز هر بحثی از دیدگاه اسلام، متأثر از نگرش توحیدی بوده و همین نکته، رابطه اخلاق و سیاست را در اسلام منحصر به فرد می نماید. منابع اخلاق در اسلام قرآن، منابع دینی و کتاب های دیگر چون نهج البلاغه است. در اسلام پشتوانه اصلی اخلاق ایمان به خداست. در حکومت اسلامی هم سیاست و هم اخلاق از دین منشأ می گیرند و اصل هر دو

یکی است؛ در این فصل به رابطه اخلاق و سیاست در آیات و روایات و همچنین به دیدگاه امام علی (ع) در این رابطه پرداخته می شود.

### بخش اول: رابطه اخلاق و سیاست در آیات و روایات

پیغمبر خاتم (ص) هدف از رسالت خود را مکارم اخلاق ذکر کردند: «انما بعثت لا تمم مکارم الاخلاق». البته این دعوت، مستدل، متناسب با ظرفیتها و قابلیتها و با تکیه بر بستر سازی صورت می گیرد و رفتار اخلاقی در صورت «اختیاری بودن» معنا می یابد؛ اختیاری که از معرفت و آگاهی از یک سو و ایمان و اعتقاد از سوی دیگر، انسانیت انسان را رشد می دهد. انسان کامل از دید قرآن، انسانی نیست که زندگی خوب را به این جهان محدود، منحصر کند و آن را به صورتی نامعتدل و بیمارگونه تنها در برخی جنبه های صرف مادی یا معنوی دنبال کند، بلکه انسانی است که توانسته بر نفس اماره اش غلبه کند و از جهاد اکبر سر بلند بیرون آید؛ یعنی عقل بتواند آزادانه حکومت کند؛ البته عقلی که به مدد ایمان، منشأ عمل صالح به قصد قربت می گردد و نه عقل مادی اندیش و خدمتگزار هواهای نفسانی.

«علامه طباطبائی» ایمان را این گونه تعریف کرده اند: «ایمان، عبارت است از جایگیر شدن اعتقاد در قلب». خداوند در سوره بقره رمز هدایت و رستگاری را ایمان به وحی، غیب و آخرت بیان فرموده است:

«الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة و مما رزقنهم ینفقون (بقره/ ۳) آنان که به غیب ایمان دارند، و نماز برپا می دارند و از آن چه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند.»

بنابراین با ایمان به هدف مندی و معنا داری هستی و باور به توحید و آخرت، اصول اخلاقی در اسلام، غیر قراردادی و ثابت می گردد؛ بدین معنا که بنای عالم مبتنی بر نظم و عدالتی است که طبق آن، رفتارها و کردارها مستوجب پاداش یا عقوبت هستند؛ بنابراین در این دیدگاه نسبی گرایی اخلاقی مورد قبول نیست. با در نظر داشتن هدف خلقت و وجوه مادی و معنوی انسان، جهاد اکبر به معنای سازندگی شخصیت است؛ زیرا همان گونه که شهید «مرتضی مطهری»

نیز تأکید کرده‌اند: «کار دین و رسالت دین، نکوهش محور غرایز نیست؛ تعدیل، اصلاح، رهبری و حکومت و تسلط بر آن‌ها است؛ چون غرایز را نمی‌توان و نباید از بین برد.»

با توجه به این مقدمات روشن می‌شود که در اسلام، اخلاق متکی به خدای یکتا (توحید) و دین و در ارتباط تنگاتنگی با آن‌ها مطرح است و با توجه به رویکرد اجتماعی - سیاسی دین اسلام، اخلاق اسلامی نیز جنبه اجتماعی - سیاسی دارد؛ به‌همین دلیل نیز سیاست، قدرت و حکومت جملگی ابزارهای زنده نگاه‌داشتن اصول اخلاقی با مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر هستند. در واقع جامعه و سیاست از دیدگاه اسلامی، حاملان اخلاق و متعهد به آن هستند و از آن‌جا که این اصول مانند هر اصل دیگری نیاز به ضمانت اجرایی دارد، طبیعی است که فرد و جامعه و سیاست به‌طور مشترک - البته هر یک به فراخور خود - مسئول باشند؛ مسئولیتی که نشانگر حراست از انسانیت انسان است: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت».

چنانکه مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء روحانی بزرگ و مرجع عالیقدر زمان خود وقتی از او در مورد سیاست پرسیدند، در جواب گفت: «اگر معنی سیاست خیرخواهی و خدمت و راهنمایی و جلوگیری از فساد و خیانت و نصیحت زمامداران و توده مردم و برحذر داشتن آنان از گرفتار شدن در زنجیر استعمار و بندگی و جلوگیری از افکندن دامها و غلها برگردن ملت‌ها و کشورهاست، اگر معنی سیاست این است. آری ما تا فرق سرمان در آن غرقیم و این از واجبات است، خودم را پیش خدا و وجدان مسئول می‌بینم این هدف بزرگ و پیشوایی مهم و خلافت خدایی است «یا داوود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق» ای داوود ما تو را جانشین خود در زمین قرار دادیم پس در بین مردم به حق حکومت کن.

مرحوم کاشف الغطاء می‌گوید: سیاست، سیاست پیغمبر و ائمه است. سیاستی که از هر گونه هوی و هوس و طمع و آلودگی پاک است. «ولاتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله» سپس وی به قسم دوم سیاست، که از نظر اسلام محکوم و مردود است، اشاره می‌کند و می‌گوید:

«اگر معنی سیاست، ایجاد فتنه و اغتشاش و برادر کشی است تا به حکومت برسند و بر تخت‌های نرم تکیه زنند، وحشیانه و خشونت‌آمیز نسبت به ملت رفتار کنند و برای تأمین منافع شخصی از قدرت و نفوذ خویش سوء استفاده نمایند و برای اجنبی دلالی کنند تا - ولو با ریختن خون‌ها باشد - آنها را بر ملت و مملکت خویش مسلط سازند. اگر سیاست این است من از آن به خدای دانا و شنوا پناه می‌برم.»

### محور سوم

#### اخلاق و سیاست از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

۱) رابطه اخلاق و سیاست از دیدگاه امام علی<sup>(ع)</sup>: اگر سیاست حضرت علی<sup>(ع)</sup> را با معیارهای اسلامی ارزیابی کنیم، علی<sup>(ع)</sup> در صف اول سیاستمداران راستین جلوه خواهد نمود. از دید حضرت علی<sup>(ع)</sup> عدالت عنصر ذاتی و مهمترین رکن سیاست است. به همین دلیل حضرت تمام توان خویش را برای مبارزه با بی‌عدالتی به کار برد تا اصول اخلاقی را در مردم و در میان زمامداران پایدار کند. علی<sup>(ع)</sup> بهترین سیاست‌ها را «عدالت» معرفی کرده و فرموده است: «خیر السیاسات العدل» «بهترین سیاستها عدالت است». امام<sup>(ع)</sup> سیاستی را که از عدل ناشی می‌شود، در سه چیز می‌داند و می‌فرماید:

۱- نرمی کردن و درشتی ننمودن با مردم است. ۲- دادگری و احقاق حقوق مردم کار را به نهایت رساندن. ۳- احسان کند با مردم در میانه روی که به اسراف نرسد. همچنین رفیق و مدارا و بردباری در عالم سیاست آنچنان لازم و ضروری است که امام علی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «الحلم رأس السیاسه» و نیز فرموده: «فضیله الریاسه حسن السیاسه» «فضیلت و افزونی مرتبه ریاست در نیکویی سیاست است»

#### ۲) فارابی

پرداختن به تفکر ابونصر فارابی بدون توجه به فلسفه او ممکن نیست. در مورد رابطه اخلاق و سیاست نیز می‌توان گفت در اندیشه فارابی به هیچ وجه تصویری از جدایی این دو وجود ندارد به این معنا که پرداختن به سیاست، اخلاق را نیز در بر می‌گیرد و پرداختن به اخلاق بدون توجه به سیاست ممکن نیست.

فارابی در ابتدای بحث خودش در تقسیم بندی علوم،

سیاست را ذیل علم مدنی قرار می دهد. او در باب علم مدنی می نویسد: "علم مدنی از انواع رفتار و افعال ارادی و از آن ملکات و اخلاق و سجایا و عاداتی که افعال و رفتار ارادی از آنها سرچشمه می گیرند بحث می کند." سپس درباره سعادت و راه نیل به آن می پردازد که مبحث مهم فلسفه سیاسی فارابی است. بنابراین فارابی علم مدنی را هم متامل اخلاق و هم متامل حکومت و سیاست می داند

### ۳) ابن سینا

ابن سینا به طور پراکنده و نامنسجم در مسائل سعادت و شقاوت بحث کرده و در اخلاق سیاسی یعنی مجموعه صفات و اخلاقی که هر انسان در اجتماع باید بدان آراسته باشد تا در زندگی خوشبخت شود. نیز مباحثی هرچند مختصر ارائه کرده است. ابن سینا برای رسیدن به سیاست مدنی ابتدا از معرفت نفس آغاز می کند. برخلاف فارابی که از اعم به اخص می سد ابن سینا ابتدا اخلاق فردی را مد نظر قرار می دهد. ابن سینا ترجیح می دهد که نخست درباره خود آدمی سخن بگوید. چرا که معتقد است اصلاح اجتماع وابسته به اصلاح تک تک افراد جامعه است. هر کس اول خود را اصلاح می کند و بعد به اصلاح جامعه و دیگران می پردازد. از آنجا که آدمی مرکب از نفس ناطق (عقل) و جسم مادی است باید از اصلاح نفس شروع کرد. چرا که با سیطره عقل کارها اصلاح می پذیرد. نفس چونکه غرقه در ماده است معایب زیادی دارد. این معایب راه وصول به سعادت را لغزان می کند. بنابراین ابتدا باید با قوه عقل در معایب نفس خود اندیشید تا بتوان آنها را از بین برد. ابن سینا معتقد است که نیازمندترین مردم به اصلاح روستا، هستند، چرا که آنها به سبب غفلتشان از خود، تملق گویی مردم، اندرز ناپذیری و امتناع مردم از اظهار بدی هایتان و آگاه ساختن آنها بر عیوب خود از صالحان فاصله بسیاری دارند. ابن سینا بعد از بحث سیاست نفس به سیاست منزل توسط فرد می پردازد. دست آخر ابن سینا هدف نهایی و آرمانی مدنیت یک جامعه سیاسی، را رسیدن به سعادت می داند. وی سعادت را در رسیدن به چهار نوع التذاذ: عقلی، حسی، عالی، پست تعریف می کند که عالی ترین مرحله آن سعادت نفس

است، که پس از مرگ برای انسانهای شایسته حاصل می شود.

### ۴) غزالی

وی معتقد است که دنیا جز به اعمال آدمیان قوام نمی یابد و اعمال مورد نظر آدمیان را به اقسام گوناگون تقسیم می کند. او در قسم اول مهمترین اصل را "سیاست" قرار می دهد که اصلاح آدمیان را بر عهده دارد و نقطه پیوند فعالیت‌های اجتماعی انسان و همیاری در تنظیم دنیا در جهت فراهم کردن بهره گیری از آخرت است. "سیاست" که به گونه خاصی از منظر اسلام مد نظر است شامل سه پایه می شود. پایه اول توجه به منزله قوام جامعه اسلامی، پایه دوم اجتناب و دوری از معاصی و گناهان و پایه سوم عمل به اوامر و دستورهای شرع است. ابو حامد غزالی آنچه را که به اعتقاد وی در فن سیاست و اخلاق و سیاستمداری لازم است و موجب مشروعیت این عمل دنیایی می شود، مطرح می نماید و طی ده قاعده، اصول سیاسی حاکم بر نظام اسلامی را بیان می دارد. سیاست به معنای "اصطلاحی" آن دارای چهار مرتبه است. در مرتبه اول انبیا و سپس به ترتیب سیاست حکام و فقها، علما و وعاظ قرار دارد. این تقسیم بندی چهار گانه از یک سو ناظر بر توان یا شایستگی عاملان سیاست و از دیگر سو ناظر بر مخاطبان و حیطه نفوذ آنان است.

با این وصف مشخص می شود که هدف اصلی سیاست از نظر غزالی اصلاح جامعه و افراد است. انبیا البته به نحوی کامل تمام جنبه های جامعه و افراد مختلف را نظارت می کنند. سایرین هم به عنوان جانشین سیاست انبیا وظایف خاصی را بر عهده می گیرند. عاملان سیاست برای دستیابی به اهداف خود (که نهایتاً چیزی جز خیر و مصلحت افراد و جامعه نیست) و متناسب با امکانات شان از تمهیدات حربی های مختلفی استفاده می کنند. اما یک اصل در بین آنها عمومیت دارد و آن هم اصل امر به معروف و نهی از منکر است.

استفاده از این اصل با مراتب سیاست ارتباط مستقیم دارد. چرا که در جایی از زور هم می توان استفاده کرد و در جای



او در ادامه همان سنت ارسطویی، انسان را به بالطبع نیازمند اجتماع و یا به تعبیری مدینه می‌داند.

وی در همین راستا چهار نوع سیاست را مشخص می‌کند. نوع اول سیاست ملک است که همان سیاست فضلا و تحقق فضیلت محسوب می‌شود. این نوع سیاست در واقع همان مدینه فاضله است.

نوع دوم سیاست غلبه می‌باشد که نوع پست سیاست است. نوع سوم سیاست کرامت است که همان مدینه کرامیه فارابی است. او از نوع چهارمی از سیاست نیز یاد می‌کند که آن را "جماعت" می‌نامد. منظور وی از این نوع سیاست، تدبیر بر اساس قوانین و نوامیس الهی است.

#### اندیشمندان غربی

مبحث سیاست اخلاق مدار در اندیشه غربی‌ها نیز جایگاه بلند و دراز مدتی دارد تا آنجا که می‌توان ادعا کرد کنجکاوی در مورد ارتباط اخلاق با سیاست را غربی‌پیشگام بوده‌اند. زیرا، این موضوع پیش از هر جای دیگر در یونان باستان مورد توجه فلاسفه قرار گرفته است و در این بخش به بیان اجمالی اندیشه‌های غربی به صورت تاریخی نسبت به مسئله یادشده می‌پردازیم.

سقراط رابطهٔ سیاست با اخلاق را مبتنی بر اصالت اخلاق دانسته است، و بر این اساس دانش سیاسی قبل از هر چیز مردم را با وظائف اخلاقی‌شان آشنا می‌کند. افلاطون نیز در کتاب مشهور «جمهوریت» خود اخلاق را معیار محک حکومت‌ها می‌داند، و حکومت‌ها را با معیار اخلاق می‌سنجد.

در اندیشه سیاسی ارسطو نیز اخلاق از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، بیشتر آراء ارسطو پیرامون اخلاق که در رسالهٔ «اخلاق نیکوماخسی» او گرد آمده است، در واقع از پیوند عمیق اخلاق با سیاست حکایت دارد. آراء سیاسی ارسطو به ویژه پیرامون اخلاق از چند جهت حائز اهمیت است. یکی از این بُعدی که یونانیان آنرا از سیاست و اجتماع جدا نمی‌دانستند، و منظور از «اثوس» یا همان اخلاق مجموعهٔ کردارها و عادات اجتماعی است.

بعد دیگر این اهمیت از آنجا آشکار می‌شود که ارسطو از

دیگر جز بیان و گاهی بیزاری قلبی چاره‌ای برای آمر به معروف و ناهی از منکر نمی‌ماند. نکته مهم این است که امر به معروف و نهی از منکر فقط از سوی حکام نسبت به زبردستان جاری نمی‌شود، بلکه رعایت آن وظیفه‌ای عمومی است و هر کس متناسب با توان علمی و عملی خود مجاز به استفاده از آن است. لذا علمای آخرت برای تنبیه و هشدار بزرگان قدرت و ثروت موظفند با حفظ شرایط و آگاهی از نکات ظریف و رعایت نحوه اثردهی آن به انزار آن‌ان پردازند.

#### ۵) خواجه نصیر الدین طوسی

مهم‌ترین اثر نصیرالدین طوسی به ویژه در حوزه سیاست و اخلاق کتاب «اخلاق ناصری» است که درباره اخلاق ملوک چنین آمده است: «سیاست ملک که ریاست ریاسات باشد، بر دو گونه بود و هر یکی را غرضی باشد و لازمی. اما اقسام سیاست: یکی سیاست فاضله باشد که آن را «امامت» خوانند و غرض از آن تکمیل خلق بود و لازمش نیل به سعادت و دوم سیاست ناقصه بود که آن را تغلب خوانند و غرض از آن استعباد خلق بود و لازمش نیل شقاوت و مذمت. و سانس اول تمسک به عدالت کند و رعیت را به جای اصدقا دارد و مدینه را از خیرات عامه مملو کند و خویشان را مالک شهوات دارد و سانس دوم تمسک به جور کند و رعیت را به جای خول و عبید دارد و مدینه پرشور عام کند و خویشان را بنده شهوت دارد... و طالب ملک باید که مستجمع هفت خصلت بود: اول ابوت، دوم علو همت و آن بعد از تهذیب قوای نفسانی و تعدیل غضب و قمع شهوت حاصل آید، سوم متانت رأی، چهارم عزیمت تمام، پنجم صبر بر مقاسات شدائد و... ششم یسار، هفتم اعوان صالح.»

آنچه در گفتار خواجه نصیرالدین طوسی قابل تأمل است، لزوم غلبه بر شهوات، تهذیب نفس، و تعدیل غضب برای حاکم اسلامی است.

او حکمت مدنی را نظر به قوانینی کلی که مقتضی مصلحت عموم باشد می‌داند در جهت تعاون و سیر کمال حقیقی. او نیز مانند فارابی و دیگران سعادت حقیقی را در مدینه می‌داند و به تقسیم بندی مدینه به فاضله و غیرفاضله مبادرت می‌کند.

فضیلت سخن می گوید، و بیان می دارد که سعادت آدمی بی فضیلت دست نمی دهد، و فضیلت را هم بر دو گونه عقلی و اخلاقی برمی شمارد، و وظیفه قانون گذار را این می داند که با ایجاد عادات پسندیده مردم را به فضائل اخلاقی سوق دهد از نظر ارسطو سیاست با سعادت پیوند دارد و سعادت نیز جزء در گستره ی رفتار فضیلت مدارانه که موضوع اخلاق است تحقق نمی یابد.

بطور کل سیاست در اندیشه ی سیاسی یونان باستان که سرآغاز تفکر سیاسی غرب به شمار می رود، مفهومش تأمین و توسعه فضیلت و سعادت بشر است، و با همه ابعاد زندگی او اعم از دین، اخلاق، و حیات اجتماعی آمیخته است. در اواخر قرون وسطی نیز آگوستین و آکوئیناس قدیس با الهام از تعالیم ارسطو وظیفه دولت را تأمین خیر و امنیت مردم و تابع کلیسا و مذهب می دانستند.

اما در گذار فرهنگ و تمدن غرب از عصر باستان به عصر مدرن شخصیت و اندیشمند سیاسی چون «نیکولو ماکیاولی» بروز و ظهور پیدا کرد که در مشرب فلسفی و هستی شناختی خود به جهان به دید بدبینانه ای می نگریست و بر این باور بود که اقتضای سیاست این است که مردم را بد سیرت تصور کنیم و بر این اساس زندگی سیاسی را جلوه ای از پیکار اجتناب ناپذیر بشر در راه بقا می دانست، و معتقد بود که از این عرصه تنازع فقط توانگران و زیرکان پیروز به در خواهند آمد، و رهبران پایبند به اخلاق و ملاحظات اخلاقی فرجامی جز شکست و زبونی نخواهند داشت.

چرا که او عرصه سیاست و اخلاق را در مقام نظر و عمل و حتی از لحاظ علمی و عینی دو عرصه متعارض و جدا از هم می دانست، زیرا سیاست علم کسب قدرت است و اخلاق نسبتی با قدرت ندارد، بلکه در بسیاری موارد با ارزش های اخلاقی در تعارض است.

بحث جایگاه اخلاق در سیاست در میان متفکران غربی معاصر نیز صاحب نظرانی را به خود دیده است که در این میان بیش از همه برتراند راسل (۱۸۷۲م) بر جایگاه اخلاق در سیاست و پیوند این دو معتقد است، او در مورد رابطه اخلاق

با سیاست در کتاب خود با عنوان «اخلاق و سیاست در جامعه» می گوید: «بدون اخلاق اجتماعی اجتماعات نابود می گردند، و بدون اخلاق فردی بقای اجتماع ارزشی ندارد، لذا برای یک دنیای خوب اخلاق فردی و اجتماعی با هم لازم است». او معتقد است که در طول تاریخ اخلاق و اعتقادات اخلاقی از دو منبع دین و سیاست نشئت گرفته است.

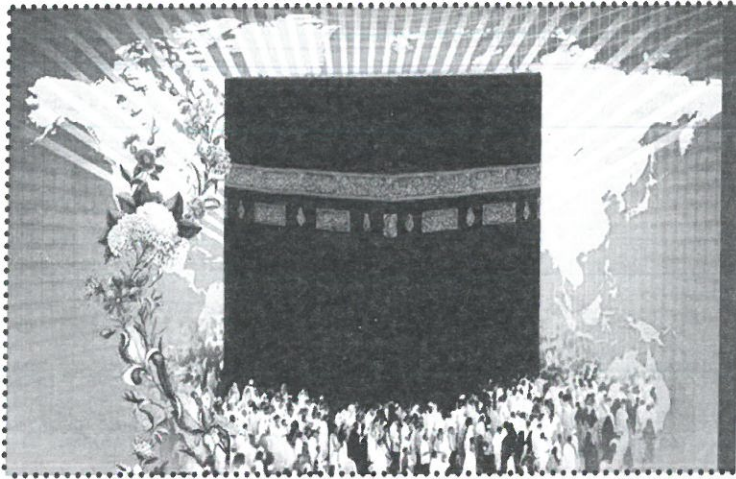
### نتیجه گیری

برایند حاصله از این تحقیق نشان دهنده این است که با توجه به آراء و نظریات اندیشمندان اسلامی و غیر اسلامی و از همه مهمتر وجود آیات و روایات متعدد در این زمینه؛ میان اخلاق و سیاست پیوند وثیق و تنگاتنگی وجود دارد.

سیاست در اسلام بر پایه فضایل و مکارم اخلاق و ارزش های اسلامی و انسانی استوار است. اغلب فیلسوفان جهان نیز بر پیوند اخلاق و سیاست تأکید داشته اند. بنا بر این، از آنچه گذشت به این جمع بندی می توان رسید که مقوله اخلاق مخصوصاً از دیدگاه مکتب اسلام نه تنها از سیاست جدا نیست و نه تنها ابزار برای سیاست محسوب نمی شود بلکه این دو تا لازم و ملزوم همدیگر به حساب آمده است.

### منابع

۱. قرآن کریم
۲. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران امیرکبیر، ۱۳۶۰
۳. عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، نی ۱۳۷۳
۴. حمید عنایت، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب،
۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵
۶. رنجبر، مقصود، نقد کتاب اخلاق و سیاست (اندیشه سیاسی در عرصه عمل)، مجله علوم سیاسی، شماره ۲۶، ۷.
- داوود الهامی، بهترین سیاستها و بهترین سیاستمدارها، مکتب اسلام، سال ۳۹، شماره ۱۰
۸. رنجبر، مقصود، اخلاق سیاسی (مجموعه از چشم انداز امام علی(ع))، به سفارش کانون اندیشه جوان، ناشر، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر



نگاه به امت و ساختار

# حکومت اسلامی

محمد رضا نظری

**واژه‌های کلیدی:** امت اسلامی، حکومت اسلامی، سیاست اسلامی، جمهوری اسلامی.

## مقدمه

در اواخر قرن ششم میلادی و اواخر قرن هفتم میلادی هنگام که دو امپراتوری قدرتمند روم و ایران در جهان در دو قاره‌ی اروپا و آسیا بر سر نفوذ جهانی در ستیز بودند و با هم به شدت می‌جنگیدند؛ در سرزمین عربستان حادثه‌ای بزرگ تاریخی به وجود آمد. یعنی این رخداد بی‌سابقه هنگامی رخ داد که مردم عرب در اوج قبیله‌گرایی قرار داشت و حضرت محمد (ص) نیز از میان همین قوم که به دنیا آمده و دین جدید را به وجود می‌آورد. "و آن، دیانتی توحیدی بود که در حدود سال ۶۱۰ میلادی به وسیله‌ی حضرت محمد (ص) در مکه اعلام شد و دیری نگذشت که قسمت اعظم جهان را فرا گرفت. حضرت محمد (ص) یک سلسله حقایق را که در واقع برنامه تکامل مادی و معنوی انسان‌ها بود و از طرف خداوند به وی وحی می‌شد، به مردم عرضه کرد که مجموع آن حقایق اسلام نامیده می‌شد."

بر این اساس جامعه اسلامی با وجودی که از میان جامعه‌ی قبیله‌ای ابراز وجود نموده است. چون دین آسمانی و دارای برنامه جامع از پیش تعیین شده بود؛ می‌تواند پدیده‌ی امت را به وجود آورد که دامنه‌ی امت نسبت به ملت فراملی و گسترده و جهانی است.



محصل سال چهارم

دانشکده علوم سیاسی

## چکیده؛

جامعه اسلامی به عنوان یکی از جامعه‌های متمدن در اواخر قرن ششم میلادی پا به عرصه وجود گذاشت. همزمان با ظهور دین مبین اسلام حکومت سیاسی نیز در ساختار مشخص و به عبارتی، امت به وجود آمد. بنابراین می‌توان حکومت سیاسی اسلامی را با ظهور دین اسلام همزمان خواند. اهمیت این تحقیق را نیز می‌توان در این دانست که تا به حال ساختار حکومت اسلامی در کنار کار ویژه‌های آن، آن چنان که باید مورد بررسی واقع نشده است. این در حالی است که برخی نظریه‌های مخالف نیز وجود دارد که نه تنها دین اسلام بلکه همه ادیان را غیرسیاسی می‌دانند و در محفل‌های سیاسی هر از گاهی گفتگوهای گسترده‌ای وجود دارد که آیا دین یک پدیده‌ی غیرسیاسی است یا سیاسی؟ در این تحقیق از منابع مختلف و معتبر در مورد این سوال نیز تا جایی پاسخ داده شده است. اهمیت این تحقیق در آن است که به گونه‌ی ردیف بندی شده است تا خواننده بتواند هرکدام از ساختار، کارگذاران و کار ویژه‌های حکومت اسلامی را در سه فصل جداگانه و به گونه واضح مورد ارزیابی قرار بدهد.

امت/امت اسلامی چه کاربرد دارد؟ و اسلام به عنوان به وجود آورنده ی امت تا چه حد در جهانی کردن امت اسلامی نقش داشته است؟

واژه ی امت از جمله اصطلاح هایی است که بیشتر جنبه ای دینی اسلامی دارد و می توان این واژه را از واژه های سیاسی اسلامی دانست "امت جماعتی از انسان ها که در یک قصد و هدف مشترک باشند"

بر بنیاد این تعریف؛ قصد و هدف مشترک از جمله عوامل هستند که پیروان امت را بیش از همه به همدیگر سمت و سو می دهد. این که این هدف مشترک چه خواهد بود؟ بنا به کاربرد واژه امت متفاوت خواهد بود. به صورت عینی تر باید گفت که امت بر اساس این تعریف همه ی انسان های که در راستایی یک هدف مشترک کار نمایند را شامل می شود. یعنی امت را می توان فراتر از ملت معنا کرد. چنانچه که در تعریف ملت گفته می شود "جامعه ای متجانس با سوابق تاریخی کم و بیش یکسان و منافع تقریباً واحد و زبان مشترک"

ملت هم یک واژه ای است که بیشترین کاربرد سیاسی دارد. با به وجود آمدن دولت ملت پدیده ملت زیادتر معنا پیدا می کند. اما اصطلاح ملت نسبت به اصطلاح امت دامنه بسته تر دارد که تنها شامل محدوده ای جغرافیای خاص می شود. اما امت را می توان فراملی دانست. کاربرد فرا جغرافیا دارد. اگر بحث امت را اسلامی تر باز کنیم می توان گفت: "امت اسلامی عبارت است از جامعه مسلمان تحت حکومت اسلامی"

لذا از این تعریف نیز می توان استدلال کرد که امت اسلامی نسبت به ملت معنایی گسترده تری دارد و جغرافیای خاص نمی شناسد. از دیدگاه سیاسی: حکومت اسلامی در هر جایی از زمین بدون در نظر داشت مکان مشخص می تواند حاکمیت داشته باشد.

براساس این استدلال ها می توان گفت که امت اسلامی به عنوان ساختار حکومت اسلامی توانسته است اسلام سیاسی را

به عنوان یک امت واحد در تمام نقاط جهان معرفی نماید و دامنه ای حکومت اسلامی را گسترش دهد.

### ۲. حکومت اسلامی

امت یک اصطلاح سیاسی دینی است و از جانب دیگر این پدیده ی سیاسی نیاز به یک فرمانروا و نظارت کننده دارد که بتواند آن را کنترل و کارگردانی کند. از حکومت معانی متفاوتی ارایه شده است. از جمله "نظام دادن، فرمانروایی، کنترل، نظارت، فرایند تصمیم گیری در اداره امور یک سازمان"

ممکن است این تعریف از دیدگاه اسلامی یک تعریف جامع نباشد. زیرا در دین اسلام اصل فرمانروایی و حاکمیت ویژه خداوند است و کسی دیگر نمی تواند به عنوان فرمانروا در جامعه اسلامی ابراز وجود نماید "حکومت اسلامی حکومتی که در آن اداره امور کشور و رسیدگی به مسائل جامعه، مطابق دستورات و قوانین اسلام است. در حکومت اسلامی، حاکمیت بر انسان و جامعه انسانی تنها مخصوص خداوند است و هیچ فرد یا گروهی شایستگی حاکمیت بر انسان را ندارد" برای این که امت واحد یک اصطلاح سیاسی اسلامی در سطح جهان گسترش یافت و جهانی شد. حکومت اسلامی به عنوان اصطلاح سیاسی نیز مورد تامل و بررسی است. اما دستورات و قوانین این نوع حکومت از جانب خداوند فرستاده می شود و حاکمان و فرمانرویان در تغییر قوانین الهی نقش ندارد. فرمانروایان اسلامی مجریان قوانین آسمانی است. پیامبرگرامی اسلام می فرماید "تنها آنچه را خداوند بدون وساطت انسانی دیگر بر او نازل می کند برای مردم می خواند."

از ویژگی حکومت اسلامی این است که از میان قبیله گرایی و برضد قبیله گرایی پا به عرصه وجود می گذارد. بنا بر نظریه دیالکتیک (تز، آنتی تز و سنتز) حکومت اسلامی از متن قبیله گرایان عرب بر می خیزد. پیامبرگرامی اسلام با تشکیل حکومتش قبیله زدایی می کند "وی با نفی افکار، آیین ها و ارزش های جاهلی و قومی و قبیله ای، خونی، نژادی، مالی، و طبقاتی و شرک و بت پرستی و درهم شکستن ساختارها و مناسبات مبتنی بر آن ها اساس یک نظم نو انقلابی را پی ریخت."



پیامبرگرامی اسلام توانست بر ضد قبیله گرایی مبارزه کرده و ارزش های دیگر اسلامی از قبیل آموزه های اعتقادی سیاسی اسلامی را جایگزینش نمایند. پیامبر بزرگ اسلام اهداف مشخص الهی را نیز به گونه ی بسیار زیرکانه دنبال می کرد.

### اهداف حکومت اسلامی

تمامی حکومت ها همواره تلاش می ورزند بر مبنای اهداف از پیش تعیین شده فعالیت نمایند. از جمله حکومت اسلامی نیز دارای اهداف مشخص بود که برخی ها اهداف حکومت اسلامی را این گونه تعریف می فرمایند "برقراری توحید، نفی شرک، ایجاد عدالت و رفع ستم اجرای احکام اسلام تزکیه و تعلیم، مساوات در برابر قانون و ایجاد استقلال در تمام زمینه های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی"

بنابراین می توان گفت که حکومت اسلامی با داشتن اهداف مشخص که برقراری توحید و نفی شرک و عدالت به عنوان پایه های اصلی و اعتقادی دینی بود و اجرای سایر احکام عبادی و اخلاقی را نیز دنبال نمود. براساس همین تعریف می توان یاد آور شد که قانون مداری یک پدیده بسیار مهم و ارزنده است که همواره روی آن تاکید شده است.

در ضمن استقلال طلبی یکی از اهداف دیگر و مهم حکومت اسلامی بود که می توان گفت دین اسلام افزون بر داشتن آموزه های با ارزش اعتقادی از بدو پیدایش در پی کسب استقلال فکری و فرهنگی و... بوده است. که نمی توان از این پدیده چشم پوشی کرد.

همچنان می توان یاد آور شد که هدف از تشکیل حکومت پیامبر اسلام "از تشکیلات مدینه و تعالیم اولیه پیامبر در آنجا روشن است که هدف از تشکیل ملتی تازه از اتحاد و قبایل بود که محرک آن رسالت اخلاقی او می باشد."

بر علاوه که پیامبر گرامی اسلام ملت تازه به نام امت که متشکل از قبایل مختلف بود تشکیل داد اخلاق پیامبرگرامی اسلام نیز به عنوان بهترین روش برای تشکیل و پیشبرد اهداف شان نقش داشت که نمی تون آن را نادیده گرفت.

با وجودی که ادعا شد حکومت اسلامی دارای اهداف مشخص و برنامه ای می باشد مساله ی سیاست اسلامی را نیز باید بشناسیم که آیا سیاست اسلامی چگونه یک سیاست

است؟!

### سیاست اسلامی

درحالی که از سیاست تعریف های مختلف و فراوان تا به حال صورت گرفته است و برخی می گویند واژه سیاست از ساس و سیوس گرفته شده و به معنای رام کردن است و در اصطلاح نیز به معنای اداره کردن امور مملکتی تعبیر می کنند اما می توان سیاست اسلامی را این گونه تعریف کرد "تدبیر و هدایت جامعه در راه مستقیمی که از این جا شروع و به آخرت ختم می شود و الی الله است و این سیاست مختص به انبیا و اولیا و به تبع آن ها علمای بیدار اسلامی و علمای بیدار هر ملتی است."

در سیاست اسلامی، مهم ترین پدیده که باید روی آن بحث شود مساله هدایت جامعه است. در نظام خاص اسلامی هدایت بشر والاترین پدیده است که می توان این گونه از آن استدلال کرد که در مساله هدایت هدف اصلی سعادت بشر مورد نظر گرفته می شود تا فرمانروایی و حاکمیت محض در این جا شروع و پیدایش بشر که برای چه آفریده شده ایم و به کجا بر می گردیم کاملا مشخص است. از سوی حاکم شرع کاملا روشن برای مردم توضیح داده می شود بدون در نظر داشت هرگونه نیرنگ و چانه زنی هایی که امروز در سیاست و سیاست مداری مطرح است. اگر این دو سیاست را با هم مقایسه کنیم می توان گفت در سیاست اسلامی اهداف و برنامه ای آسمانی و از قبل تعیین شده و مشخص است و هیچ کسی طبق سلیقه خودش حق تصرف و دخالت در آن را ندارد و دست زدن در آن جرم پنداشته می شود. حتی کیفرهای دنیوی و اخروی در نظر گرفته شده است. اما در سیاست های غیر اسلامی اهداف اصلی در پشت اهداف غیراصولی پنهان و غیر معلوم است. حتی گاهی سیاست ها و برنامه های سیاستگذاران در جریان تطبیق آن از سوی کارگزاران تغییر می کند و در آن سلیقه و منافع زمینی، مادی و شخصی افراد مهم پنداشته می شود اما برخلاف آن در سیاست اسلامی حکومت مخصوص خداست لذا پیامبرگرامی اسلام می فرماید "تنها آنچه را که خداوند بدون وساطت انسان دیگر بر او نازل می کند برای مردم می خواند."

ارزش و اهمیت سیاست اسلامی در این جاست که بدون هیچ

منفعت فردی و شخصی همه برنامه‌ها پیشاپیش برای هدایت بشر آفریده شده و تنها پیامبر تطبیق‌کننده و مبلغ آن در روی زمین است که هیچ‌گونه دخالت شخص پیامبر در آن دیده نمی‌شود. در جای دیگر خداوند بزرگ خطاب به پیامبر می‌فرماید: «ای پیامبر آنان که با تو بیعت می‌کنند. در حقیقت با خدا بیعت می‌کنند. دست خدا بالای دستان آنان قرار دارد.» استدلال ما این است که در سیاست اسلامی که همانا هدایت بشر در روی زمین باشد، یک نوع پیوند مردم با خداوند شان است. به خصوص این که بیعت با پیامبر بیعت با خود خداوند است. در این صورت است که خوشبختی و سعادت دنیوی و اخروی بشر معنا پیدا می‌کند. سعادت دنیوی یعنی داشتن پیامبر افزون بر ارزش‌های دینی این است که جامعه از سر در گمی و هرج‌مرج و نبود رهبر رهایی می‌یابد و مردم نیز در فکر آرام می‌تواند در چوکاتی به نام شریعت زندگی کنند. از سوی دیگر سعادت اخروی که پاداش دیگری هستند که به انسان‌ها می‌رسد.

اما این که توده‌ی از مردم در حکومت اسلامی و یا سیاست اسلامی چه نقش دارد و یا به عبارت دیگر حکومت که به نام جمهوری اسلامی نامیده می‌شود تا چه حد نقش مردم را برجستگی می‌دهد از رهگذر تعریف جمهوری اسلامی وارد اصل بحث می‌شویم.

### جمهوری اسلامی

واژه جمهوری یک اصطلاح سیاسی است. در کنار آن از مفهوم جمهوری که معنای جماعت و عموم مردم مطرح است می‌خواهیم نقش مردم را در این حکومت نیز توجه داشته باشیم. "در حکومت اسلامی با محتوای اسلامی، جمهور به معنای عموم مردم است هم در ایجاد حکومت و هم در اداره جامعه و ادامه حکومت از طریق انتخاب مسئولان کشور و شرکت در شوراها و همه‌پرسی‌ها دخالت دارند. اسلامی بودن جمهوری به معنای آن است که کلیه قوانین سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و نظامی و نظایر آن باید بر اساس موازین اسلامی باشد."

حضور مردم در حکومت اسلامی نیز از برجستگی خاص برخوردار است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. این

گونه می‌توان گفت که مردم در حکومت اسلامی نیز می‌توانند حضور فعال داشته باشند. اما قوانین آن باید اسلامی باشد. یعنی اسلام از حضور مردم در حکومت و همه‌پرسی‌های حکومتی در صورتی موافق است که همگی این‌ها در داخل چوکات و قوانین اسلامی باشد. پس جمهوری اسلامی که همان نقش مردم باشد نیز در حکومت اسلامی از جایگاه ممتاز برخوردار است. اما مشروط به رعایت قوانین الهی. یعنی در این مورد کسی حق ندارد که قوانین غیر اسلامی را داخل قلمرو حکومت اسلامی نموده و از آن پیروی نمایند یا در چنین قوانینی حضور یابند.

### نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد به این نتیجه می‌رسیم که امت یکی از دستاوردهای مهم حکومت اسلامی است. یکی از ویژگی‌های حکومت اسلامی و امت اسلامی این است که از متن قبیله برخاست و پا به عرصه ملت‌ها گذاشت و جهانی شد. در حکومت اسلامی حاکمیت از آن خداوند است و حاکمان تنها اجراکننده آن می‌باشد. همچنین از حضور مردم نیز در حکومت جمهوری اسلامی نمی‌توان انکار کرد یعنی مردم نیز در حکومت و نمونه آن در همه‌پرسی‌ها حضور فعال دارند.

### منابع

۱. بخشی، علی آقا، راد، مینوافشاری، فرهنگ علوم سیاسی،
۲. بلک، آنتونی، ترجمه: وقار، محمدحسین، تاریخ اندیشه سیاسی اسلام از عصر پیامبر تا امروز، چ سوم ۱۳۸۶، ص ۱۴
۳. موثقی، سیداحمد، جنبش‌های اسلامی معاصر،
۴. بخشی، علی آقا، راد، مینوافشاری، فرهنگ علوم سیاسی، ۵ . بلک، آنتونی، ترجمه: وقار، محمدحسین، تاریخ اندیشه سیاسی اسلام از عصر پیامبر تا امروز، چ سوم ۱۳۸۶، ص ۱۵
۶. بخشی، علی آقا، راد، مینوافشاری، فرهنگ علوم سیاسی،
۷. بلک، آنتونی، ترجمه: وقار، محمدحسین، تاریخ اندیشه سیاسی اسلام از عصر پیامبر تا امروز، چ سوم ۱۳۸۶، ص ۱۴
۹. بخشی، علی آقا، راد، مینوافشاری، فرهنگ علوم سیاسی، چ ۱۳۸۳، ص ۳۴۹

# گزارش ما



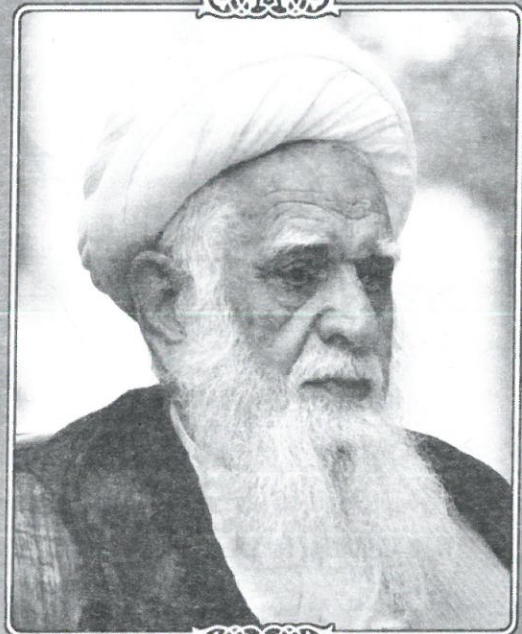
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### ولادت:

حضرت آیت الله العظمی محمد آصف محسنی (مدظله العالی) فرزند محمد میرزا محسنی در یک خانواده مذهبی و مومن شب جمعه پنجم ثور سال ۱۳۱۴ خورشیدی مطابق با ۲۲ محرم الحرام سال ۱۳۵۴ قمری در شهر قندهار افغانستان به دنیا آمد. در سال ۱۹۴۹ میلادی با پدر بزرگوارش به پاکستان رفت و در پاکستان زبان اردو را آموخت.

در سال ۱۳۳۱ خورشیدی کارمند اطاقهای تجارت شهر قندهار شد، اما عشق و علاقه شدید که به تحصیل علوم دینی داشت، این شغل را رها کرد و به تحصیل پرداخت و سپس به ولسوالی جاغوری رفت و به مدت هشت ماه ادبیات و منطق را در آنجا فراگرفت. در سال ۱۳۳۲ خورشیدی به نجف اشرف رفت و در طول دو سال و نیم دروس سطوح را به پایان رساند. سپس به دروس خارج فقه و اصول پرداخت و نزد آیت الله العظمی سید محسن حکیم و آیت الله شیخ حسین حلی و آیت الله سید عبدالاعلی سیزواری و آیت الله العظمی خوئی به شاگردی پرداخت. او پس از دوازده سال تحصیل در نجف به زادگاهش قندهار بازگشت و حسینیه بزرگ قندهار و مدرسه علمیه آن شهر را تأسیس کرد. در سال ۱۳۵۷ خورشیدی حضرت ایشان به حج رفت و بعد از حج، به سوریه رفت و چند ماهی در شهر دمشق مشغول تدریس علوم حوزه‌ای شد. سپس به ایران رفت و در فروردین (حمل) سال ۱۳۵۷ خورشیدی با جمعی از روحانیون افغانستان مقیم حوزه علمیه مقدس قم، حزب حرکت اسلامی افغانستان را تأسیس نمودند. حزب حرکت اسلامی به رهبری حضرت آیت الله محسنی دام ظلّه در بُعد نظامی بیش از صد پایگاه نظامی در نوزده ولایت افغانستان ایجاد نموده و هزاران مجاهد را علیه متجاوزین اسلام و وطن (شوروی سابق) سازماندهی و رهبری کرد. در زمان حاکمیت اولین دولت مجاهدین در کابل وی سخنگوی شورای رهبری دولت اسلامی افغانستان بود. پس از وقوع جنگ‌های داخلی بین گروه‌های مجاهدین، کابل را ترک نموده و مدتی مقیم شهر اسلام آباد پاکستان شد. در سال ۱۳۷۶ خورشیدی پاکستان را ترک نمود و مقیم شهر مقدس قم در ایران شد. معظم‌له در این شهر به تدریس علم کلام، علم الرجال و خارج فقه پرداخت. بعد از سقوط حکومت طالبان، به کابل بازگشت و تاکنون نیز در این شهر سکونت دارد. از مهم‌ترین اقدامات ایشان در کابل، اضافه نمودن واژه اسلامی در دولت انتقالی و دولت جمهوری، رسمیت مذهب تشیع، تأسیس تلویزیون تمدن و ساخت مجتمع بزرگ علمی فرهنگی خاتم النبیین (ص) است که نظیر خود را در افغانستان ندارد.

## اشاره ای به زندگی، کارکردها و خدمات حضرت آیت الله العظمی محمد آصف محسنی



همراه با معرفی کوتاه کتاب

معجم الاحادیث المعتمره



### خصوصیات و ویژگی‌ها:

هر کس که از نزدیک با معظم له معاشرت و رفت و آمد داشته باشد، به راحتی به شخصیت ممتاز و روحیه‌ای ایده‌آل او پی خواهد برد. ویژگی‌های که، وی را به یک الگوی برجسته و عالم ربانی مبدل کرده است که در ذیل، به بعضی از فضایل و مکارم اخلاقی این بزرگوار، اشاره می‌شود.

### انصاف و احترام به رأی دیگران

از آنجا که معظم له عاشق علم هستند و ارادت خاص نسبت به معرفت و رسیدن به حقایق دارند. همواره به رأی دیگران احترام می‌گذارند، همیشه کتاب به دست هستند و هرگز خواندن، تتبع، بحث و آگاه شدن از آرای دیگر علما را فراموش نکردند. لذا گاهی اوقات، ایشان بحث‌های برخی از علما که شاید هم به آن صورت معروف نباشند، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. و این خودش نشانگر این است که وی توجه خاصی و احترام فوق‌العاده‌ای نسبت به رأی دیگران دارد.

### ادب و نزاکت در محاوره‌ها

حضرت آیت الله العظمی محسنی از ادب و نزاکت خاصی در محاوره برخوردار هستند. چنانچه در برابر کسانی که در درس و بحث نزاکت را رعایت نمی‌نمایند، چنان رفتار و پاسخ می‌دادند که انگار در محضر عالم بزرگتر از خودش قرار دارد و بعضی مواقع هم مثل یک همشاگرد با دانشجویان و طلبه‌ها به بحث می‌پرداخت و گاهی هم در مقابل روش بحث غلط که در بین دانشجویان و طلبه‌ها مروج است و روی یک نظریه پافشاری می‌کنند سکوت را ترجیح می‌داد که این حکایت از نزاکت و ادب ایشان در محاوره و بحث می‌کند.

### توبیت

امروزه اکثر اساتید بدون حق الزحمه حاضر به تدریس نمی‌شود و اگر هم شود اهداف غرض آلود دارد و یا وظیفه خود را به طور احسن نمی‌شناسد که به نوع دانشجو را سرخورده می‌سازد اما با این همه اساتید هستند. دلسوز، رئوف، مخلص و فهمیده که هدف اصلی خود را تعلیم و تعلم می‌دانند که ایشان همیشه هدفش این بوده است که شاگردش را به نحوی تربیت بکند که در زمینه‌های گوناگون سرآمد روزگار باشد و مثل پدر رئوف و مهربان با دانشجویان و طلبه‌ها تجربه پر بار خویش را در میان می‌گذاشت و آن‌ها را به خوب و بد هشدار می‌دادند قابل ذکر است که معظم له از اساتیدی چون

حضرت آیت الله العظمی سید محسن حکیم و آیت الله شیخ حسین حلی و آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری رحمت الله علیهما و آیت الله العظمی خوئی قدس سره که نمونه اخلاق تمام عیار و حسنه بودند فیض برده اند. و همیشه در آخر درس از شاگردانش می‌خواست تا آنچه که نفهمیده‌اند، پرسد و ضمن موضوع ادب و احترام را نیز مراعات کند و همیشه توصیه می‌کرد که به اساتید و بزرگان علم و معرفت احترام خاصی بگذارند.

### توسل، توکل، تهذیب و تهجد:

معظم له همیشه به شاگردانش توکل به خداوند را یادآوری می‌نماید و نتایج توکل خودش را در دوران تحصیل؛ قبل از تحصیل و بعد از تحصیل نقل می‌نماید. و به طور معمول ضمن صحبت این آیه مبارکه را قرائت می‌فرماید **الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ**؛ همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

وقتی آدم به این وحله برسد دیگر برایش شکست معنی ندارد زیرا همه کارش عبادت است و نفس‌هایش سبحان‌الله.

### تحمل سختی‌ها و مشکلات:

طلبه‌های علوم دینی و دانشجویان جوان مسلمان که مراحل آغازین یا میانی تحصیلات خود را می‌گذرانند و با مشکلات عدیده‌ای مانند: فقر، تنگدستی، غربت، تنهایی، فقدان مسکن، مشکلات و پایبندی‌های اداری و... دست و پنجه نرم می‌کنند، باید به سیره عملی پیر طریقت، بزرگان دین، فقها و مراجع عظام دقیقاً توجه نمایند که با چه مشکلات طاقت‌فرسایی در روند تحصیلات‌شان روبرو بوده‌اند اما با وجود همه این عدم سازش روزگار به تحصیل‌شان ادامه داده اند و خلیل یار گردیده اند.

حضرت آیت الله العظمی محسنی دام ظلّه علاقه شدیدی که به تحصیل علوم دینی داشتند با مشکلات بی‌شمار دست پنجه نرم کرده است که هر یک شان قابل تأمل و متفاوت از دیگری می‌باشد که به جز دعوت شده دوست طاقت تحمل آن‌ها را نداشته‌اند و ندارند، از فقر و تنگدستی گرفته که عامل اصلی در این راه است الی غربت.

## نظم دقیق در زندگی:

نظم دقیق در زندگی معظم له بسیار آموزنده است، در طول تحصیلات و بعد از آن، ساعات و دقائق عمرش تقسیم‌بندی شده است، نمونه بارز از این نظم دقیق در دوران تحصیل ایشان، حضور مرتب و همیشگی در جلسات درس است که کمترین تخلف و بی‌نظمی ارادی در برنامه‌های درسی ایشان دیده نمی‌شود! برای افراد عادی بسیار جای تعجب است که حتی در چندین سال حضور در درس خارج، ایشان فقط در یک جلسه یا دو جلسه هم غیبت نداشته است و کلیه جلسات دیگر دروس خارج را مرتب و سر ساعت حضور یافته‌اند و به شاگردانش نیز پوشیده نیست. معظم له همیشه ۵ دقیقه قبل از شروع ساعت درسی در کلاس حاضر بوده است و ۵ دقیقه گذشته از وقت معین کلاس را به پایان رسانیده است تا باشد وقت شاگردانش ضایع نگردد.

## سفرها:

حضرت آیت الله العظمی محسنی دام ظلّه به کشورهای متعدد سفر نموده است که اکثر این سفرها علمی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بوده است. از جمله سفرهای در کشورهای همسایه پاکستان، ایران، شبه قاره هند و ترکیه داشته‌اند و ایشان مدت‌ها مدید برای فراگیری علوم اسلامی در کشور عراق نجف اشرف) که مهد علوم آن روز بوده است ساکن بودند و سایر کشورهای عربی همچون سوریه که مدت‌ها در آنجا تدریس نموده است، عربستان سعودی، لبنان، کویت، امارات متحده عربی و اردن سفرهای داشته است.

علاوه بر این ایشان سفرهای فرافراهی نیز داشته‌اند که جهت شرکت در کنفرانس‌های علمی و سیاسی رفته‌اند از جمله انگلستان، آلمان، فرانسه، سنگال، سودان، مسکو و اتریش.

## خدمات

حضرت آیت الله العظمی محسنی خدمات ارزشمند و ماندگاری را از خود به یادگار گذاشت که عمده ترین آنها عبارتند از:  
\* مجموعه فرهنگی قندهار ( حوزه علمیه و مساجد )  
\* تبلیغ مسایل دینی  
\* رسمیت بخشیدن به مذهب جعفری



شورای علمی شیعه افغانستان  
۱۳۸۲

## تاسیس شورای علماء شیعه افغانستان



## تاسیس شورای اخوت اسلامی افغانستان



## تاسیس مجتمع علمی خاتم النبیین (ص) ( شامل حوزه علمیه، مسجد جامع، کتابخانه حوزه علمیه ام المومنین خدیدجه الکبری )



## تاسیس دانشگاه خاتم النبیین (ص)



## تاسیس تلوزیون تمدن

**تألیفات منتشر شده:**

آیت الله العظمی محسنی (دام الله العالی) علاوه بر اینکه یکی از آکادمسین های آکادمی علوم افغانستان بوده، دارای بیش از ۶۳ کتاب در امور مذهبی، سیاسی، فقهی، علمی و... می باشد از مهم ترین تألیفات ایشان می توان به عناوین زیر اشاره کرد:

۱. کتاب صراط الحق، در سه جلد در علم کلام؛
۲. کتاب حدود الشریعة فی واجبات ومحرمات، در چهار جلد مربوط به علم فقه؛
۳. عقاید اسلامی؛
۴. فوائد رجالیة؛
۵. متافیزیک؛
۶. قرآن یا سند اسلام؛
۷. فوائد دین در زندگانی؛
۸. اقتصاد معتدل؛
۹. معجم الاحادیث المعترفة، در ۸ جلد؛
۱۰. الفقه و مسائل طیه (در دو جلد)؛
۱۱. حکومت اسلامی؛
۱۲. مشرعة بحار الانوار، در دو جلد؛
۱۳. الضمانات الفقهیة و اسبابها؛
۱۴. القواعد الاصولیة و الفقهیة؛
۱۵. روح از نظر دین؛
۱۶. عقل و علم روحی جدید؛
۱۷. بحوث فی علم الرجال؛
۱۸. تقریب مذاهب از نظر تا عمل؛
۱۹. روش جدید اخلاق اسلامی؛
۲۰. مباحثی درباره حکومت اسلامی؛
۲۱. قواعد دمشقیه؛
۲۲. قسمتی از تاریخ سیاسی حکومت مجاهدین مصوبات شورای رهبری مجاهدین؛
۲۳. دین و زندگی؛
۲۴. عقاید اسلامی از نظر علم و فلسفه؛
۲۵. دین و اقتصاد؛
۲۶. روابط انسان؛
۲۸. خداشناسی منهای دین؛
۲۹. جوان و دوره جوانی؛
۳۰. عقاید برای همه؛
۳۱. قضاء و شهادت؛
۳۲. جهاد اسلامی، در دو جلد؛
۳۳. تصویب قانون اساسی؛
۳۴. زن در شریعت اسلامی؛
۳۵. توضیح المسائل جنگی؛
۳۶. توضیح المسائل طبی (پزشکی)؛
۳۷. عدالت الصحابه؛
۳۸. جنگ در تاریکی (شیعه و سنی چه فرقی دارند)؛
۳۹. مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه شریف؛
۴۰. عقاید فقه و اخلاق؛
۴۱. گوناگون، در دو جلد؛
۴۲. حل ۶۶ سوال دینی؛
۴۴. وظیفه علما دینی ما؛
۴۵. دفاع و حرکت؛
۴۶. تصویری از حکومت اسلامی؛
۴۹. مسایل لندن؛
۵۰. مسایل کابل؛
۵۱. تفسیر سوره شمس؛
۵۲. حجت؛
۵۳. وحدت امت؛
۵۴. الارض فی الفقه؛
۵۵. نظرة عابرة؛
۵۶. خواست شیعیان افغانی؛
۵۷. تحقق اتحاد امت اسلامی؛
۵۸. مقالات؛
۵۹. آینده حوزه های علمی؛

**تألیفات منتشر نشده:**

۱. شرح کتاب صوم العروه؛
۲. تعلیقه بر جامع الاحادیث؛
۳. هدایة المومنین؛
۴. دیوان محسنی؛
۶. در پناه دین؛
۷. شرح کفایة الاصول؛
۹. گفتگوی دو رفیق؛
۱۰. شرح طهاره العروه؛
۱۱. عجایب و مطالب؛
۱۲. شرح کتاب الطهار؛
۱۳. یادداشت های تاریخی و برداشت های تحلیلی؛
۱۴. خاطرات زندگانی (در پنج جلد)؛
۱۵. تعلیقه بر کتاب حدود؛
۱۶. تعلیقه بر کتاب مناسک حج؛
۱۷. شرح کتاب اجاره العروه؛
- و ....

**معجم الاحادیث المعترفة**

**اثر آیت الله العظمی محسنی، کتاب اول سال جهان اسلام شناخته شد**

در بیست و دومین دوره جایزه جهانی کتاب سال، کتاب روایی ۸ جلدی معجم الاحادیث المعترفة نوشته حضرت آیت الله العظمی محسنی به عنوان کتاب اول در سطح بین الملل اسلامی شناخته شده است.

این کتاب از میان ۱۷۰۰۰ عنوان کتاب چاپ شده در خارج از ایران و ۲۳۷۲۱ عنوان کتاب چاپ شده در ایران که در حوزه کلان تمدن اسلامی نگاشته شده اند، برگزیده شد و رتبه اول را کسب کرد. و در سالن اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی - تهران با حضور اندیشمندی از جهان اسلام مورد تجلیل قرار گرفت.

داوران علمی کتاب سال معتقد بودند: این کتاب در دوران معاصر، تنها جامع حدیثی است که با تخصص و روش مندی نوشته شده است، همچنین آنان اظهار داشتند، اظهار نظرهای نویسنده در توضیح اصطلاحات حدیثی و شرح برخی مفاهیم روایات؛ روشنگرترین و با اهمیت ترین بخش این مجموعه فاخر هشت جلدی است. دبیر علمی کتاب سال که یکی از اندیشمندان جهان اسلام است، گفت، توضیحات نویسنده در حاشیه احادیث، معارف فراوانی را در حوزه های نیاز اصلی مسلمانان، تأمین می کند، توضیحاتی پیرامون مفاهیمی چون تقریب مذاهب اسلامی، دین داری در عصر جدید، اقتضانات عصر کنونی، توجه به مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، ارزش کتاب را بالا برده و فهم احادیث را بسیار سهل گردانده است.

کارشناسان برجسته جهان اسلام در معرفی این دایرة المعارف بزرگ و معتبر السند اسلامی، اظهار مینمایند که:

معجم الاحادیث المعترفة، تنها جامع روایی معتبر السند در تاریخ حدیث است. از ابتدای تدوین حدیث اهل بیت (ع) از جمله کتب اربعه، جوامعی چون وسایل الشیعه، بحار الانوار، الوافی، جامع الاحادیث، به درجه اعتبار معجم الاحادیث المعترفة، نمی رسد.

معجم الاحادیث المعترفة، واجد مصدر شناسی حدیث است. این ویژگی فاخر، یکی از اوصاف انحصاری او، و از ابتکارات نویسنده اش می باشد. این دقت نظر در هیچ جامع روایی صورت نگرفته است. صاحبان جوامع روایی به این مفهوم که ابتدا باید اعتبار مصدر حدیث بررسی گردد و سپس به بررسی سند و سایر جهات حجیت خبر پرداخت، ملتفت نبوده و یا متوجه آثار آن نشده بودند که گاهی از کتب کتابخانه ها و یا خریداری شده از بازار، نقل حدیث کرده اند. معجم الاحادیث المعترفة، طرح جدیدی در ابواب حدیث گشوده است. نویسنده دانشمند آن با مطالعه و تجزیه و تحلیل دانش حدیث، تربیتی نو و مبارکی در ساختار ابواب حدیث آرایه کرده است. همچنین ابوابی مثل کتاب الرجال، کتاب المعارف و ... که در گذشته مغفول بوده، در این طرح نمایان گشته است.

معجم الاحادیث المعترفة، ظرفیت جهت دهی و رهبری تحقیقات فقهی، کلامی، تاریخی، رجالی، و سایر رشته های علمی برخواسته از سنت شریف را داراست و این مهم را در آینده متکفل خواهد شد.

معجم الاحادیث المعترفة، افق پاک و درخشانی را بر چهره مذاهب اسلامی خواهد گشود و آنها را از سایه شوم احادیث جعلی، ناصحیح، افراط زا، کینه آور، و در نهایت پیروان مذاهب اسلامی را از خصومت در تاریکی خارج خواهد کرد.

معجم الاحادیث المعترفة، استخراج، تصنیف منابع فرهنگ، تمدن و خرد دینی است. این کتاب هشت جلدی، تلاش ده ساله عالمی کهن، در اوج پختگی خرد و دانش دین، و فهم مقتضیات زمان و عصر، و پس از تالیف بیش از یکصد و پنجاه جلد کتاب تخصصی و ابتکاری است.

# تجلیل از مقام علمی و کتاب معجم الاحادیث المعبره حضرت آیت الله العظمی محسنی



تجلیل از مقام علمی و کتاب معجم الاحادیث المعبره حضرت آیت الله العظمی محسنی با حضور علماء، اساتید دانشگاه ها، محصلین و جمع کثیری از مردم در سالن اجلاس دفتر تبلیغات اسلامی قم برگزار گردید. در این مراسم علماء، طلاب حوزه علمیه قم، دانشجویان دانشگاه های افغانستان و محصلین مقیم جمهوری اسلامی ایران شرکت نموده بودند.

مراسم با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید توسط قاری بین المللی قران جناب آقای سجاد حبیبی آغاز گردید. سپس سرود ملی کشور نواخته شد.

اولین سخنران مراسم تجلیل از مقام علمی و نوآوری های فقهی و روایی حضرت ایه العظمی محسنی جناب آقای دکتر سجادی رئیس دانشگاه خاتم النبیین (ص) و نماینده پارلمان بود که ضمن خوش آمد گویی به میهمانان و شرکت کنندگان، به طرح بحث پرداخت جریان داست که مراسم امروز تجلیل از مقام بلند علمی فقیه نظریه پرداز و اکادمیسین کشور حضرت آیه الله محسنی و کتاب ارزشمند معجم الاحادیث المعبره است نوشته ایشان بعنوان کتاب برتر جهان اسلام شناخته شد. این کتاب ارزشمند روایی که حاصل بیش از یک دهه تلاش علمی نویسنده است، اولین ابتکار ارزشمند علمی است که از میان کتاب های متعدد روایی بیش از یازده هزار حدیث را با دقت و کنجکاوی علمی مورد بررسی قرار داده و پس از احراز صحت سند در هشت جلد گردآوری گردیده است.

معجم احادیث معتبره گنجینه ای ارزشمندی است که علماء، خطباء و صاحبان فتوا و نظر می توانند به سهولت احادیث مورد نظر خویش را در زمینه های مختلف علوم اسلامی بدون دغدغه سند بدست آورند.

به پاس این خدمت بزرگ و شایسته علمی، دانشگاه خاتم النبیین سمینار علمی را به منظور بازنمایی و تبیین این اثر و معرفی ابتکارات علمی نویسنده و نوآوری های روایی معظم له با حضور علماء و صاحب نظران علوم اسلامی برگزار نمود. در این همایش علمی داکتر سجادی رییس دانشگاه خاتم النبیین ضمن معرفی جنبه های مختلف اثر، به برخی از ابتکارات علمی نویسنده اشاره نموده و از وی بعنوان فقیه نظریه پرداز و نو آور یاد نمود. وی در بخشی از سخنان خود علاوه بر معرفی جنبه های مختلف کتاب مذکور مهم ترین ابتکارات نویسنده را در محورهای ذیل عنوان نمودند.

۱- کار علمی تازه و بدیع و ناظر به مهم ترین مسائل مورد نیاز جامعه اسلامی افغانستان. داکتر سجادی نظریه پردازی نویسنده را در مباحث اسلامی و فقهی متفاوت از تلاش های عملی معمول عنوان داشته، یاد اور گردید که فقیه نظریه پرداز حضرت آیه الله محسنی برخلاف شیوه رایج بخش عمده از فعالیت های علمی خویش را صرف حوزه های جدید و تازه نمود که از نیازهای امروز امت اسلامی و جهان اسلام می باشد.

۲- کار راهگشا و ناظر به مشکلات جوامع اسلامی. در این راستا داکتر سجادی از تالیف کتاب فقیه و مسایل طبی یاد نموده و یاد آور شد که در این کتاب تازه ترین سوالات طبی از منظر فقه اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۳- طرح دیدگاه های جدید و عبور از نظریه های مشهور از دیگر ابتکارات علمی نویسنده در سخنان داکتر سجادی مطرح گردید. وی یاد آور نمود که در فقه اسلامی ما هنوز هم برخی از دیدگاههایی وجود دارد که استناد به نظر مشهور می گردد. این در حالی است که نظریه مشهور از دیدگاه نویسنده مورد نقد و بررسی قرار می گیرد. از دیدگاه نویسنده نظریه مشهور در صورتی که دلیل قانع کننده نداشته باشد، هیچ الزامی برای نظریه پردازی ایجاد نمی کند.

داکتر سجادی در بخش دیگری از سخنان خود به جنبه های ابتکاری کتاب معجم الاحادیث پرداخته و در این ارتباط یاد آور شد که نویسنده در این کتاب با قبول زحمات زیاد یک کار جدید و ماندگاری را ارایه داشته که برای عالمان دینی و حوزه علوم اسلامی از اهمیت جدی برخوردار می باشد. وی در معرفی اثر مذکور روی نکات ذیل به عنوان جنبه های تازه و ابتکاری تاکید نمودند:

۱- کتاب معجم الاحادیث ضمن جمع آوری احادیث صحیح، مصادر حدیث را نیز یاد آور می کند که معمولاً در کتاب های معجم گذشته از نظر دور مانده است.

۲- نویسنده در مواردی که یک حدیث دارای اسناد مختلف می باشد ضمن بررسی مقایسه ای اسناد در نهایت قوی ترین سند را ذکر نموده و از تکرار اسناد جلوگیری می نماید.

۳- توضیحات و حواشی نویسنده در ذیل برخی از احادیث که از نظر ظاهری با عقل بشری ناسازگارو یا نامانوس به نظر می رسد از دیگر ابتکارات نویسنده است.

۴- شماره گذاری عمومی احادیث و شماره گذاری بر اساس هر باب از دیگر ابتکارات این اثر می باشد.

۵- علاوه بر تبویب و تنظیم احادیث در باب های مشخص، اضافه نمودن باب اصول فقه، باب رجال و باب معارف اسلامی از دیگر نوآوری های این اثر محسوب می گردد.

انتظار می رود اثر علمی و با برکت نامبرده مورد استفاده علماء و نظریه پردازان علوم اسلامی قرار گیرد.

سخنران بعدی مراسم، تجلیل از مقام علمی آیت الله العظمی محسنی، حجه الاسلام و المسلمین سید جوادی غزنوی نویسنده و محقق کشور بود.

ایشان در ابتدا خطاب به علماء، دانشمندان، روشنفکران و جوانان بیان داشت که آیت الله العظمی محسنی را نباید از دریچه و روزنه ی ساختن، ساختمان مجللی به نام خاتم النبیین (ص) یا تاسیس رادیو تلویزیون تمدن و سایر خدمات اجتماعی نگاه کنید، چون انجام این قبیل کارها در توان هر فرد خیری می باشد، بلکه ایشان را از این منظر نگاه کنید که

اندیشه ها و آثار ماندگاری چون کتاب (صراط و الحق) (حدود الشریعه) (معجم الاحادیث المعبره) و ... را خلق و آفریده است.

ایشان در ادامه خاطر نشان ساخت که آیت الله محسنی، با نوشتن کتاب صراط الحق، در حقیقت یک دوره کامل اعتقادات کلامی و اسلامی را به عنوان جهان بینی توحیدی تدوین نمود، و در این اثر جاویدان ضمن دفاع عقلانی از توحید ناب، به عنوان کانونی ترین اصل اعتقادی در منظومه فکری اسلام، از نبوت عامه و خاصه و علوم جامع و عصمت کامل انبیاء الهی نیز سخن گفته است، آیت الله العظمی محسنی، با در دست داشتن معیارهای کلامی و اعتقادی به کلام جدید نیز ورود پیدا کرده است تکرر گرای و پلورالیزم دینی را مورد انکار و ابطال قرار داده است، چرا که ایشان معتقد است، تکرر گرای دینی، مبتنی بر تکرر گرای و دلیل پارادوکس و تناقض درونی، باطل و غیر قابل پذیرش پلورالیزم معرفتی و فلسفی است، پلورالیزم معرفتی و فلسفی به است، در نتیجه تکرر گرای دینی به عنوان شاخسارهای پلورالیزم فلسفی و معرفتی، امر باطل و غیر قابل پذیرش است، بطور مثال توحید و تثلیث، به لحاظ عقلی امکان ندارد که هر دو صحیح و هر دو حق باشند، و پیروان هر دینی چنین امری را نمی پذیرند، اما در عین حال، آیت الله العظمی محسنی، تکرر و تنوع برداشت ها از متون اسلامی را نپذیرفته و معتقد است برداشت های متفاوت منحصر به متون دینی نیست، سایر متون تاریخی در حوزه معرفتی بشر، از این ویژه گی برخوردار است و البته در مجموعه ی متون اسلامی، مسلمت و اصول ضروریه ای وجود دارد که به دلیل وضوح روشنی تکرر و تنوع در فهم را بر نمی تابد و معتقد است کسانی که قرآن را محصول فرهنگ و تجربه بشری در امتداد و بستر زمان می دانند

بسط تجربه نبوی را به جای کلام الهی مطرح می سازند در حقیقت اصل دین را مورد انکار قرار می دادند که چنین رویکردی به هیچ وجهی قابل پذیرش نمی باشد.

جوادی غزنوی افزود: آیت الله محسنی، نسبت به وحدت و اتحاد اسلامی و جهان اسلام نظر میمون و مبارکی دارد و معتقد است اگر مجموعه کشورهای اسلامی، به یک اتحاد جماهیر اسلامی تبدیل شود، بسیاری از ناهنجاریها و معضلات موجود در جوامع اسلامی حل خواهد شد و مسلمانان حول قرآن و سنت، وحدت و اخوت اسلامی خود را سامان خواهند داد.

قابل یادآوری است که پوهنتون ادیان و مذاهب اسلامی، یکی از نهادهای علمی در جمهوری اسلامی ایران است که در امر تقریب مذاهب اسلامی اهتمام جدی دارد، و در همین راستا، چند سال پیش به چاپ و انتشار اثری از حضرت آیت الله محسنی تحت عنوان تقریب مذاهب اسلامی از نظر تا عمل پرداخت، این دانشگاه چاپ و انتشار کتاب گرانسنگ (معجم الاحادیث المعبره) حضرت آیت الله محسنی را نیز بر عهده داشته است.

در پایان ریاست پوهنتون خاتم النبیین جناب دکتر سجادی و جناب حاج جواد محسنی، رئیس تلوزیون تمدن به پاس خدمات ریاست دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، در نشر اندیشه های آیت الله محسنی لوح تقدیری به جناب دکتر ایمانی اهدا کردند.

محفل گرامی داشت از مقام علمی و اندیشه های حضرت آیت الله العظمی محسنی، با دعای جناب حجه الاسلام و المسلمین اعتمادی یکی از علمای برجسته کشور به پایان رسید.

# برگزاری چهارمین دور آزمون کانکور سال ۱۳۹۴

## شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص)



علم شرط نکرده است، ریاست شعبه غزنی ضمن اشاره به برخی از فعالیت های حضرت آیت الله العظمی محسنی افـــــزود مجتمع بزرگ حوزه علمیه خاتم النبیین (ص)، تلویزیون تمدن و پوهنتون خاتم النبیین از فعالیت های یک دهه اخیر حضرت آیت الله العظمی محسنی می باشد.

استاد حبیبی افزود: پوهنتون خاتم النبیین نماد تعهد و تخصص است که در سال ۱۳۸۶ توسط حضرت آیت الله العظمی محسنی تاسیس و با مدیریت دانشمند فرهیخته جناب دکتر عبدالقیوم سجادی و جمعی از نخبه گان کشور به فعالیت آغاز نمود و اکنون هشت سال سابقه درخشان در عرصه های علمی و آموزشی؛ ارتقاء از موسسه تحصیلات عالی به پوهنتون خاتم النبیین؛ چهار دور فراغت موفقیت آمیز؛ جواز فعالیت دوره ماستری؛ بورسیه نمودن تعدادی زیادی از دانشجویان به خارج از کشور برای دوره ماستری؛ از بهار سال ۱۳۹۱ فعالیت های علمی و آکادمی خود را در پایتخت فرهنگی جهان اسلام، غزنی باستان آغاز نموده و با استقبال وسیع و گسترده مردم علم دوست و متمدن غزنی مواجه شده و

امتحان کانکور سال ۱۳۹۴ شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص) روز جمعه ۱۳۹۴/۱/۲۱ در مقر این پوهنتون برگزار گردید، در این محفل موسی خان اکبرزاده والی غزنی، نمایندگان وزارت تحصیلات عالی، وکلای شورای ولایتی غزنی، حاجی مولانا حکیمی، ریاست شاروالی، ریاست حج و اوقاف، استادان پوهنتون غزنی، و پوهنتون انجینری تخنیککی غزنی، معلمین مکاتب غزنی و داوطلبان کانکور ۱۳۹۴ حضور داشتند.

جلسه با قرائت آیات از کلام وحی آغاز شد، سپس ریاست شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص) جناب استاد حبیبی ضمن خوش آمد گویی از حاضرین جلسه گفت: امروز در دنیا برتری با علم و علم اندوزی است، مردمی که دانایی بیشتر دارند توانایی بیشتر دارند، متون دینی ما نیز توصیه های جدی برای فراگیری علم و دانش دارد. برخی از روایات نفی جنسیت دارد، یعنی در فراگیری علم زن و مرد مطرح نشده است، برخی از روایات نفی زمان دارد که از آغاز طفولیت تا زمان مرگ زمان تعلیم و تحصیل است، برخی از روایات مکان را در فراگیری

هم اکنون افتخار برگزاری چهارمین دور آزمون ورودی خویش را برای هموطنان خوب و سرشار از استعداد غزنی دارد.

سپس نماینده وزارت تحصیلات عالی جناب رحیم نورزی ضمن توصیه های آموزشی به اشتراک کنندگان از جناب دکتر سجادی به خاطر فعالیت های چشم گیری که برای مردم غزنی انجام داده است قدر دانی نمود. آقای نورزی اضافه نمود شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین با تمام معیار های آموزشی روز مجهز است و هیچ کمبودی دیده نمی شود، این نماینده وزارت تحصیلات عالی سخنانش را با آرزوی موفقیت در آزمون کانکور برای داوطلبان خاتمه داد.

در پایان موسی خان اکبرزاده والی غزنی نیز تشکر و قدر دانی از زحمات و تلاش های شخصیت علمی کشور جناب دکتر عبدالقیوم سجادی، اساتید و مسئولین این پوهنتون نمود و گفت: امروز راه نجات مردم افغانستان علم و تحصیل است، اولین آیه که از سوی خداوند برای پیامبر گرامی نازل شد آیه خواندن و نوشتن بود، در آیه های دیگر نیز گفته است که عالم و جاهل برابر نمی باشند. بناءً هدف شما فراگیری علم و دانش باشد، تنها راه نجات مردم این است که از جهل بیرون شوند.

والی غزنی پوهنتون خاتم النبیین را یک نعمت برای مردم غزنی در کنار پوهنتون دولتی شمرد و گفت در هیچ ولایت افغانستان دیده نشده است که ولسوالی آن ولایت پوهنتون داشته باشد، اما در غزنی با تلاش جناب دکتر سجادی و ولسوالی جاغوری نیز دارای پوهنتون خصوصی می باشد.

والی غزنی اضافه نمود علم سرمایه است که هر چه بیشتر مورد استفاده قرار گیرد زیاد تر می شود شما در رشته های مختلف برای رشد و ترقی جامعه درس بخوانند.

در پایان موسی خان اکبرزاده والی غزنی، نماینده وزارت تحصیلات عالی، رئیس شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین، یک نفر از داوطلبان اناث و یک نفر از داوطلبان ذکور به نمایندگی از تمام داوطلبان اتاق قرنطین شده سوالات را باز گشایی نمودند.

قابل ذکر است که شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص) از بهار سال ۱۳۹۱ در ولایت غزنی به فعالیت آغاز نموده است و بیشتر از یک هزار و دو صد محصل در رشته های اقتصاد و مدیریت، علوم سیاسی، فقه و حقوق، طب

معالجوی و قابلیت مشغول

تحصیل هستند.

در کانکور ۱۳۹۴ امسال حدود

بیشتر از شش صد داوطلب در

رشته های مختلف به رقابت

پرداختند.

در خاتمه جا دارد از کلیه

همکاران فرهنگی که در

راستای بهتر برگزاری این

محفل تلاش کردند صمیمانه

سپاس گذاری شود.

آمریت فرهنگی\_ تربیتی





## برگزاری کانکور ماستری پوهنتون خاتم النبیین (ص) در کابل

پوهنتون خاتم النبیین (ص) که با شعار تعهد و تخصص، زمینه‌های تربیت نیروهای متخصص و متعهد را در افغانستان فراهم کرده است، در ادامه‌ی سلسله فعالیت‌های علمی و آکادمیک خویش سومین دور کانکور ماستری را برگزار کرد. در این امتحان که در روز جمعه، ۱۳۹۴/۱/۲۱ برگزار شد، ده‌ها نفر داوطلب شرکت نموده و برای راه یافتن در این پوهنتون به رقابت پرداختند.

دکتر عبدالقیوم سجادی، رئیس پوهنتون خاتم النبیین (ص) هدف از راه‌اندازی و تحصیل در دوره‌ی ماستری را تولید علم و دانش خواند و تلاش و کوشش را راه رسیدن به این مهم بیان کرد. دکتر سجادی افزود: محصلین باید در دوره‌ی ماستری تلاش نمایند تا به منظور ایجاد تغییر در کشور، به تفکر و فعالیت‌های فکری بپردازند و از هر نوع امکانات در راستای رسیدن به این هدف تلاش نمایند.

نماینده وزارت تحصیلات عالی کشور نیز که در این مراسم حضور یافته بود، پوهنتون خاتم النبیین (ص) را از پوهنتون‌های مهم کشور بیان کرد و داوطلبان کانکور را به تلاش و کوشش فراخواند.

قابل ذکر است که پوهنتون خاتم النبیین (ص) در رشته‌های روابط بین‌الملل، حقوق بین‌الملل و حقوق جزا و جرم‌شناسی در سطح ماستری محصل داشته و مشغول فراگیری دانش در این پوهنتون هستند.



# هشتمین دور کانکور مقطع لیسانس پوهنتون

## خاتم النبیین (ص) در کابل

هشتمین دور کانکور پذیرش پوهنتون خاتم النبیین (ص) در کابل برگزار شد. این مراسم که در روز جمعه ۱۳۹۴/۱/۱۴ برگزار شد، با استقبال گرم تشنگان دانش و معرفت توأم با دیانت روبه‌برو شد. در این امتحان صدها نفر داوطلب تحصیل در این پوهنتون حضور یافتند و عشق و علاقه‌ی شان به جهاد مقدس علمی را به نمایش گذاشتند.

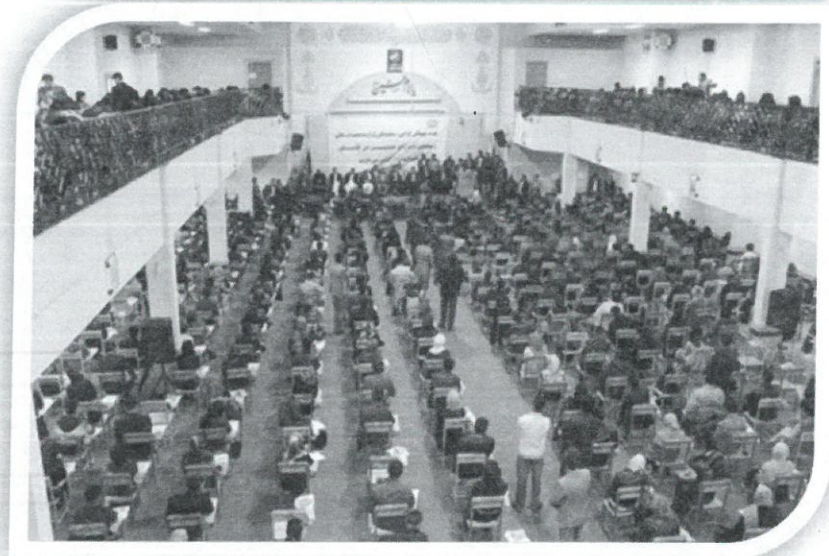
دکتر عبدالقیوم سجادی، رئیس پوهنتون خاتم النبیین (ص) ضمن خوش آمدگویی مهمانان محفل، نمایندگان وزارت تحصیلات عالی، نمایندگان مردم در شورای ملی و محصلین اشتراک کننده در آزمون کانکور، پوهنتون خاتم النبیین (ص) را یکی از پوهنتون‌های مطرح عنوان کرد، که میزبان بیش از چهارهزار محصل در کشور می‌باشد. دکتر سجادی علاوه کرد: افغانستان به‌عنوان یک کشور جهان‌سومی، از جمله کشورهای عقب افتاده‌ی دنیاست؛ عبور از این مشکل وظیفه‌ی هر شهروند این سرزمین است. ایشان ضمن تشویق محصلین به تعلیم و آموزش، معیار برتری انسان‌ها در تفکر اسلامی را، تقوای الهی بیان کرد و افزود: پوهنتون خاتم النبیین (ص) افتخار دارد که با شعار تعهد و تخصص، زمینه‌ساز نشر دانش و تربیت نیروهای متدین و متخصص در کشور است.

دکتر سجادی تلاش برای آموختن علم و دانش را بزرگ‌ترین جهاد مقدس عنوان کرد و راه رسیدن به کاروان ترقی و پیشرفت را در حرکت در سایه‌ی علم و دین دانست.

محمدحسین وهاج، نماینده‌ی وزارت تحصیلات عالی نیز پوهنتون خاتم النبیین (ص) را از پوهنتون‌های معتبر کشور بیان کرد و افزود: براساس ماده ۳۴ مقررده‌ی تحصیلات عالی کشور، هیچ امتیازی میان تحصیلات عالی دولتی و خصوصی وجود نداشته و تنها تفاوت را در تلاش و کوشش محصلین دانست. آقای وهاج انتخاب محصلین حاضر در امتحان کانکور پوهنتون خاتم النبیین (ص) را انتخاب به‌جا و شایسته دانست و از این انتخاب شایسته‌ی آن‌ها تقدیر کرد. آقای وهاج گفت:

پوهنتون

خاتم النبیین (ص) به دلیل  
فعالیت علمی و اداری  
منظم و دقیق، از جمله  
پوهنتون‌هایی است  
که بالاترین امتیاز را  
داشته و مقام پوهنتون  
را از آن خود نموده  
است.



# نگاهی کوتاه به فعالیت های چهار ساله شعبه غزنی

## پوهنتون خاتم النبیین (ص)

نمایشگاه های عرضه تحصیلات عالی برای مردم غزنی، جشن آغاز سال تحصیلی، جشن روز معلم، برنامه های ورزشی نیز فعالیت کرده است.

در بخش نشرات این شعبه، نشریه دانشجویی «پیام خاتم» که اولین شماره آن در سال ۱۳۹۱ به چاپ رسید، کاری مشترک از نوشته های اساتید و محصلین این پوهنتون است، تا کنون ۹ شماره این نشریه توسط آمریت فرهنگی تریبیتی به نشر رسیده است.

در سمستر دوم سال ۱۳۹۳ نشریه علمی تخصصی «اندیشه خاتم» منتشر شد، این نشریه علمی مقاله های اساتید این پوهنتون است که در موضوعات فقهی، حقوقی، اقتصادی، طبی موضوعات مختلف و نیازمندی های جامعه و مردم را به بررسی می گیرد.



ویژه نامه های تدبیر اقتصادی و پیام طب، ویژه نامه محترم بخش دیگر از نشرات این شعبه بوده است.

اینک که در سال چهارم فعالیت علمی و اکادمیک این پوهنتون بسر می بریم امکانات و سهولت های زیر برای محصلین ایجاد شده است شفاخانه کدری دانشکده طب برای محصلین طب و مردم غزنی، کتابخانه مجهز با بیشتر از ده هزار کتاب در موضوعات مختلف،

پوهنتون خاتم النبیین (ص) که به همت فقیه نام آشنای کشور حضرت آیت الله العظمی محسنی و تلاش جمعی از فرهیختگان و نجبگان فکری به ویژه دانشمند و متفکر، نماینده فعال و محبوب ولایت غزنی داکتر عبدالقیوم سجادی در سال ۱۳۸۶ ه.ش. اساس گذاری شد. در بهار سال ۱۳۸۷ ه.ش با حکم شماره ۲۹۹ ریاست جمهوری و مجوز رسمی وزارت تحصیلات عالی کشور به شماره ثبت (۰۱۰) فعالیت علمی و آموزشی خود را در پایتخت کشور آغاز نمود.

این پوهنتون در سال ۱۳۹۱ فعالیت های علمی و آکادمی خود را در پایتخت فرهنگی جهان اسلامی، شهر غزنیه باستان آغاز نموده و با استقبال وسیع و گسترده مردم فرهنگ دوست و متمدن غزنی مواجه شده و هم اکنون افتخار چهارمین سال خدمت گذاری به هموطنان خوب و سرشار از استعداد غزنی را دارد.

شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین در چهار سال فعالیت درخشان، در سال ۱۳۹۱ تعداد ۵۲۰ محصل در رشته های فقه و حقوق، اقتصاد و مدیریت، طب معالجوی، علوم سیاسی و قابلیت مشغول تحصیل بوده است. در سال ۱۳۹۲ تعداد ۹۴۰ محصل در رشته های فوق جذب این پوهنتون شده است، در سال ۱۳۹۳ تعداد ۱۲۰۰ محصل بعد از سپری نمودن آزمون کانکور وارد این پوهنتون شده اند، در سال ۱۳۹۴ تعداد ۱۷۹۰ محصل بعد از آزمون موفقانه جذب رشته های فوق شده اند.

در این چهار سال علاوه بر بهترین کیفیت آموزشی در بخش های مختلف دیگر مثل سمینار های علمی، برنامه های متنوع فرهنگی در مناسبت های مختلف، پرپایی



بازدید وزیر تحصیلات عالی از شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص)

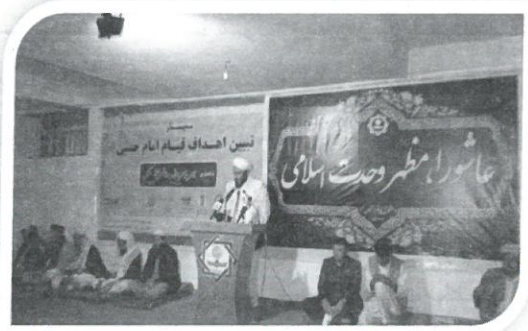
انترنت پرسرعت برای استفاده تحقیقی محصلین، خوابگاه مجزا برای دختران و پسران، ترانسپورت برای خواهران. مسئولین این پوهنتون تلاش دارند تا با بهترین کیفیت آموزشی و امکانات در خدمت محصلین باشد.

قابل یاد آوری است که پوهنتون خاتم النبیین در کابل، غزنی و جاغوری در خدمت مردم افغانستان می باشد.

آمریت فرهنگی - تربیتی



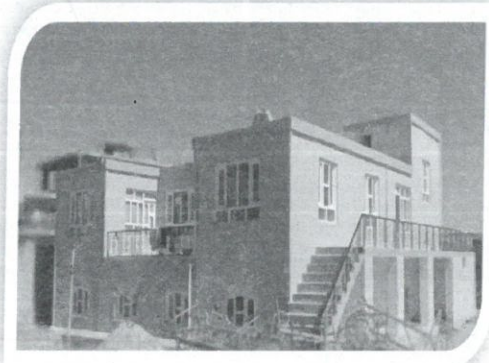
اهدای خون در شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص)



سمینار علمی تبیین اهداف قیام امام حسین (ع)



ترانسپورت خواهران شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص)



خوابگاه محصلین شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص)



تیم ورزشی والیبال شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص)

# محصلين برتر سال تحصيلي ۱۳۹۳ پوهنتون خاتم النبیین - غزني



احمد فهيم معتمدى  
اول نمره رشته طب  
فېصدى: ۹۸/۱۷



عذرا قاسمى  
اول نمره رشته قابليگى  
فېصدى: ۹۱/۹۲



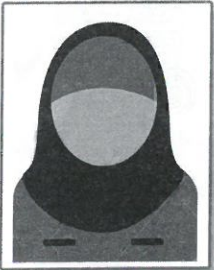
عرفان الله عرفان  
اول نمره رشته علوم سياسى،  
فېصدى: ۹۸/۹۶



شير الله سادات  
اول نمره عمومي  
فېصدى: ۱۰۰/۰



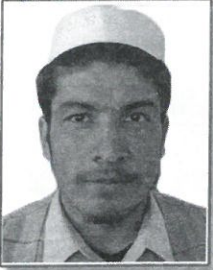
محمد آصف حسين زاده  
اول نمره عمومي، فېصدى: ۱۰۰/۰



نازين كريمى  
محصل منضبط پوهنځى  
طب



شير احمد قانع  
محصل منضبط پوهنځى  
فقه و حقوق



رفيع الله خيرخواه  
محصل منضبط پوهنځى  
علوم سياسى



سيد حبيب الله هاشمى  
اول نمره رشته اقتصاد،  
فېصدى: ۹۹/۸۹



سيد حيات الله هاشمى  
اول نمره رشته حقوق،  
فېصدى: ۹۹/۵۵

## نفرات برتر کانکور ۱۳۹۴



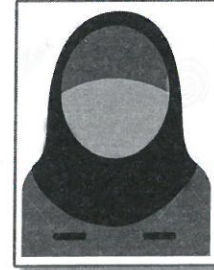
احمد الله ولد خير محمد  
رتبه سوم کانکور ۹۴



فرزانه بنت محمد صادق  
رتبه دوم کانکور ۹۴



محمد کاظم ولد محمد علی  
رتبه اول کانکور ۹۴



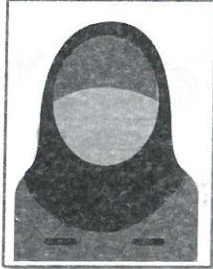
سارا رسولی  
محصل منضبط  
ديپارتمنت قابليگى



محمد جاهد الكوزى  
محصل منضبط  
پوهنځى اقتصاد



## نفرات برتر سال تحصیلی ۱۳۹۳ دانشگاه خاتم النبیین (ص) - کابل



سوسن احمد، اول نمره  
رشته طب دندان  
فیصد: ۸۸/۲۵



عبدالجمیل تصوف، اول نمره  
رشته علوم سیاسی  
فیصدی: ۹۸/۷۱



زهرا عزت الهی اول نمره  
رشته علوم قرآنی  
فیصدی ۹۷/۶۳



خاطره مالکی، اول نمره  
رشته کمپیوتر ساینس  
فیصدی: ۹۷/۸۳



مریم بختیاری، اول نمره عمومی پوهنتون  
(رشته اقتصاد)  
فیصدی: ۹۹/۸۴



فرشته فاضل، اول نمره  
رشته طب معالجوی،  
فیصدی ۹۸ (صنف الف)



بسیه علوی، اول نمره  
رشته طب معالجوی،  
فیصدی ۹۷/۲ (صنف ب)



محمد رضا معرفت اول نمره  
رشته فقه و حقوق،  
فیصدی: ۹۹/۷۸



علی رضا مرادی، اول نمره  
رشته تکنالوژی طبی،  
فیصدی: ۹۷/۷۸



محمد فاضل فرزاد، اول نمره  
رشته انجنیری ساختمانی،  
فیصدی: ۹۸/۴

## نفرات برتر سال تحصیلی ۱۳۹۳ موسسه تحصیلات عالی خاتم النبیین (ص) جاغوری



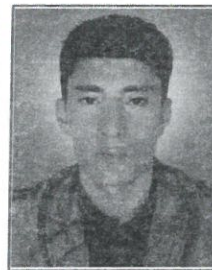
صدیقه حسینی، اول نمره  
رشته حقوق



رحیمه رضایی  
اول نمره گروه قابلیتگی



علی بابا روئین اول نمره  
رشته اقتصاد



سید حنیف موسوی  
اول نمره رشته علوم سیاسی



حیات رسالت اول نمره عمومی





## پوهنتون خاتم النبیین (ص) شعبه غزنی

در خاتم النبیین (ص) تحصیل کنید  
و از امتیازات و سهولت های آن بهره ببرید.



پوهنتون خاتم النبیین (ص) چندین سال است که به عنوان «مرکز تحصیلات عالی معتبر» جایگاهش را در میان داوطلبان ورود به مقطع تحصیلات عالی باز کرده است، کدرعلمی و ورزیده، سیستم آموزشی معیاری، فضای امن و متناسب با ارزشهای دینی، امکانات و تکنولوژی تعلیمی به روز، از ویژگی های مهم این پوهنتون بحساب می آید.

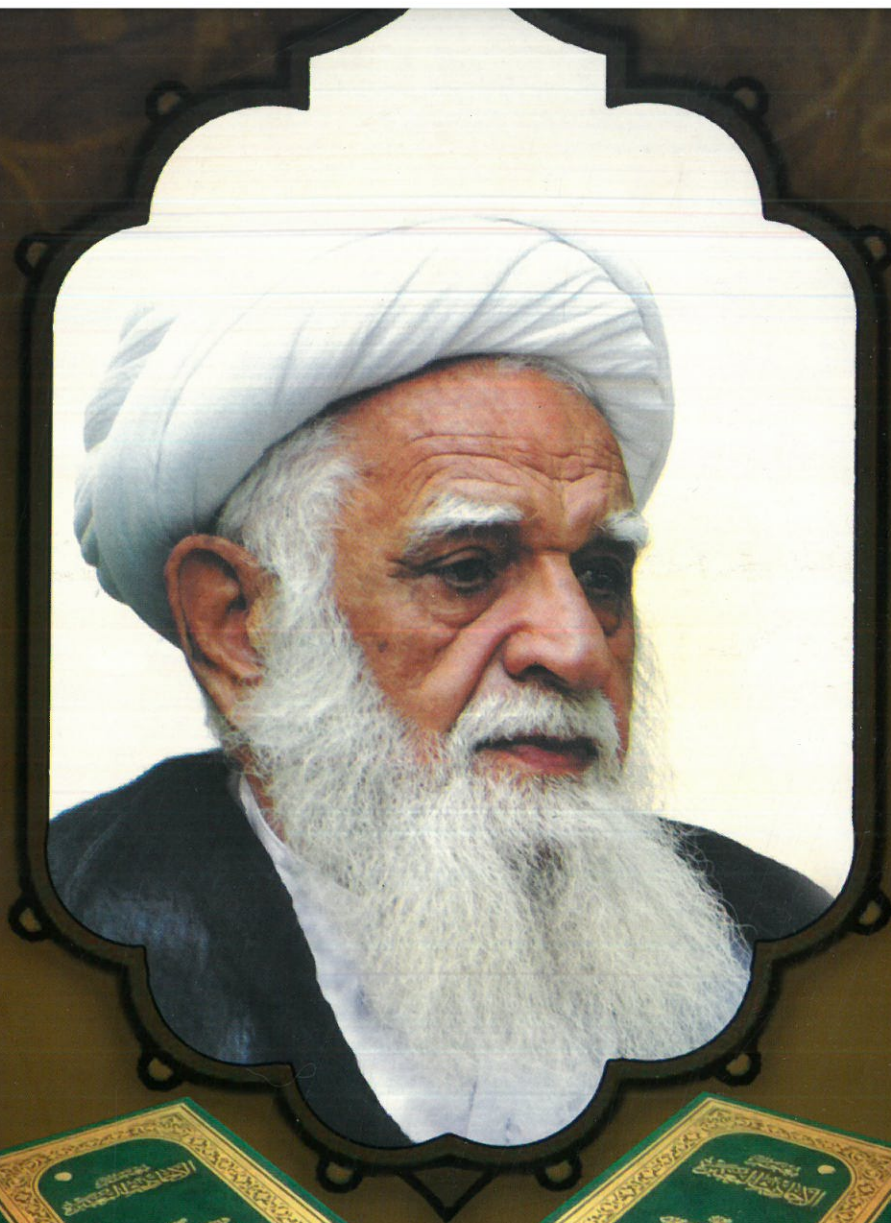
استقبال قابل توجه داوطلبان علم و دانش برای پیوستن به جمع پوهنتون ازیک سو و خلاء موجود در ارایه بسیاری از رشته ها در کشور ازسوی دیگر، پوهنتون خاتم النبیین (ص) را برآن داشت تا فعالیت خود را درسال تحصیلی ۱۳۹۱ در شهرباستانی غزنی نیز آغاز نماید، شعبه غزنی این پوهنتون عنقریب چهارسال است در رشته های حقوق، علوم سیاسی، اقتصاد و مدیریت، طب معالجوی و قابلگی، در خدمت دانشجویان می باشد.

دانشکده	رشته	طول دوره	مرکزی	غزنی	جاغوری
حقوق	فقه و حقوق	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰	۱۴۰۰۰
	قضا و سارنوالی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰	۱۴۰۰۰
	حقوق عامه و خاصه	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰	۱۴۰۰۰
علوم سیاسی	روابط بین الملل	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰	۱۴۰۰۰
	اندیشه سیاسی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰	۱۴۰۰۰
	جامعه شناسی سیاسی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰	۱۴۰۰۰
اقتصاد و مدیریت	اقتصاد تجارتی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰	۱۴۰۰۰
	مدیریت تجارتی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰	۱۴۰۰۰
	مدیریت اقتصادی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰	۱۴۰۰۰
طب	طب معالجوی	۶ ساله	۲۵۰۰۰	۳۶۰۰۰	
	فارسی	۴ ساله	۲۵۰۰۰		
	قابلگی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰	۱۴۰۰۰
	قابلگی	۲ ساله	۱۵۰۰۰	۱۴۰۰۰	۱۴۰۰۰
	تکنولوژی طبی	۴ ساله	۲۵۰۰۰		
کمپیوتر ساینس	تکنولوژی معلوماتی	۴ ساله	۳۰۰۰۰		
	کمپیوتر ساینس	۴ ساله	۳۰۰۰۰		
	انجینیری برق	۴ ساله	۳۰۰۰۰		
انجینیری	انجینیری ساختمان	۴ ساله	۳۰۰۰۰		
	جامعه شناسی	۴ ساله	۲۰۰۰۰		
	روان شناسی	۴ ساله	۲۰۰۰۰		
علوم اجتماعی	تربیه معلم	۴ ساله	۱۰۰۰۰		

آدرس: شعبه مرکزی: کابل سرک اول کارته چهار. شماره تماس: ۰۷۸۷۷۰۰۷۰۰  
شعبه غزنی: شهر غزنی، پلان چهار، شماره تماس: ۰۷۸۰۷۰۰۰۰۶  
شعبه جاغوری: بازار غجور، شماره تماس: ۰۷۸۷۸۹۹۰۷۳

Email [info.ghazni@khu.edu.af](mailto:info.ghazni@khu.edu.af)

Web: [www.khu.edu.com](http://www.khu.edu.com)



## کتاب «معجم الاحادیث المعبره»

نوشته فقیه فرزانه

حضرت آیت الله محسنی (مدظله العالی)

در میان آثار اندیشمندان جهان اسلام در جایگاه برتر قرار گرفت.  
این کتاب گنجینه‌ی ارزشمندی از ماندگاری تمدن اسلامی است  
که جاویدانی قرآن الهی و سنت نبوی را به نمایش می‌گذارد.  
تجلیل از مقام علمی فقیه نظریه پرداز کشور ارج گذاری به مقام رفیع علم و ارزش های الهی است.